

فصلنامه علمی آموزش



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

دوره‌ی هفتم، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۶۰۰۰

مدیرمسئول: محمد ناصری

سردبیر: دکتر سید محسن میر باقری

مدیر داخلی: یونس باقری

طراح گرافیک: نوید اندرودی

ویراستار: کبری محمودی

هیئت تحریریه: فریبا انجمنی، یونس باقری، سید مهدی

سیف، دکتر زهرا کاشانی‌ها، دکتر مجید معارف، سید محمد

حسین میر باقری و مسعود وکیل

نشانی پستی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

E-mail: info@roshdmag.ir

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۵۶، ۷۷۳۳۵۱۱۰

تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۱۲)

تلفن مستقیم: ۸۸۳۰۵۷۷۱

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

مدیرمسئول: ۱۰۲/ دفتر مجله: ۱۱۳/ امور مشترکین: ۱۱۴

مجله‌ی رشد آموزش قرآن، نوشته‌ها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت به‌ویژه معلمان دوره‌های مختلف را در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می‌پذیرد. لازم است در مطالب ارسالی، موارد زیر رعایت شود:

چکیده‌ای از موضوع مطلب ارسال شده حداکثر در ۲۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. زیرنویس‌ها و منابع کامل و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر،

ناشر، سال انتشار و شماره‌ی صفحه‌ی مورد استفاده کامل باشد. در متن‌های ارسالی تا حد امکان از معادل‌های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود. اصل مقاله‌های ترجمه شده به پیوست آن، ارسال شود. نشر مقاله روان و از نظر دست‌ورزیان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت شود. شکل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها و تصاویر به پیوست در حاشیه‌ی مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود. مطالب مندرج در مجله، الزاماً مبتنی نظر دفتر انتشارات کمک‌آموزشی نیست و مسؤولیت پاسخگویی به پرسش‌های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. مقاله‌های دریافتی در صورت پذیرش را، بازگشت داده نمی‌شود. مجله در پذیرش، رد، ویرایش یا تلخیص مقاله‌های رسیده مجاز است.

سرمقاله / کاری کارساز / ۲

مستندات قرآنی و روایی در شبیه‌سازی انسانی /

دکتر محمدمهدی مظاهری، خدیجه احمدخان بیگی / ۳

بررسی روش‌های ترجمه‌ی فارسی قرآن در دوران معاصر /

دکتر علی نجارپوریان / ۱۱

نقد و بررسی کتاب‌های درسی دینی و قرآن متوسطه از منظر

نیازهای زندگی دانش‌آموزان / فاطمه میر عارفین / ۱۷

از +∞ تا -∞ / آذر کریمی / ۲۶

بررسی و طبقه‌بندی روش‌های پرورش تفکر در قرآن کریم /

دکتر محمدرضا شرفی، مریم ادیب / ۲۸

از رسم الخط پرعلامت تا رسم الخط کم‌علامت / سید مهدی سیف / ۳۷

شیخ عبدالباسط محمد عبدالصمد، نقطه اعتدال در عالم قرائت /

دکتر امیرمحمود کاشفی / ۴۴

اخبار قرآنی / ۴۸

آشنایی با مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی

کشور / ۵۳

جایگاه آموزش قرآن کریم در قرآن و سنت /

رضانباتی / ۵۸

هدف‌های تربیتی در آینه‌ی قرآن کریم /

مهدی تجلیل / ۶۳

کاری کارساز

طرح دوم؛ استفاده از قرآن کامل در دوره‌ی راهنمایی:
کسب توانایی خواندن قرآن از روی مصاحف کامل و انس و علاقه به انجام این کار به‌طور مستمر، از اهداف اصلی آموزش قرآن در آموزش و پرورش است. این کار با برنامه‌ای مشخص از سال‌های پایانی دوره‌ی ابتدایی آغاز می‌شود، اما متأسفانه به علت مشکلات خاصی، تا قبل از این در دوره‌ی راهنمایی ادامه نمی‌یافت.

در سال تحصیلی جدید، ده جزء اول قرآن برای دانش‌آموزان پایه‌ی اول راهنمایی و ده جزء دوم برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوم راهنمایی، به‌عنوان یکی از دو کتاب درس قرآن، در مجموعه کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان سراسر کشور تقدیم شده است. آیات قرآن کریم از کتاب آموزش قرآن حذف شده‌اند و دانش‌آموزان با استفاده از مصاحف ده جزئی و با برنامه‌ای مشخص و دقیق، در کلاس درس و خارج از آن، ده جزء قرآن را در طول هر سال تحصیلی می‌خوانند. قابل ذکر است، کتاب آموزش قرآن متکفل بخش دیگر آموزش، یعنی کسب توانایی درک معنای عبارات و آیات ساده‌ی قرآنی خواهد بود.

امید است این‌گونه طرح‌ها، در کنار فراهم آوردن سایر عوامل افزایش بازدهی آموزش قرآن در آموزش و پرورش، توفیقات روزافزون در این امر و نیز افزایش انس دانش‌آموزان با قرآن کریم را موجب شود.

در آموزش و پرورش همیشه سعی می‌شود، برای افزایش بازدهی آموزش قرآن از طرح‌های نو و اقدامات جدید استفاده شود. در سال تحصیلی گذشته، دو طرح نو به‌صورت محدود به‌اجرا درآمد که هر دو در سال تحصیلی جاری، با قوت و قدرت بیش‌تر ادامه می‌یابد. ان شاء الله.

طرح اول؛ ارتقای آموزش قرآن در پایه‌ی سوم ابتدایی:
به‌دنبال آموزش‌های اولیه در پایه‌های اول و دوم ابتدایی، در پایه‌ی سوم روخوانی قرآن به‌طور متمرکز و پیوسته در آبان‌ماه هر سال، در سی و چند روز متوالی آموزش داده می‌شود. اساس طرح بر این امر استوار است که آموزش ارکان اولیه و اصلی روخوانی قرآن، نباید به‌درازا بکشد، بلکه باید به‌طور فشرده و مستمر آموزش داده شود؛ به‌ویژه که دانش‌آموزان در پایه‌های اول و دوم گام‌های خوبی در این مسیر برداشته‌اند.

این طرح در سال گذشته در ۳۰ درصد پایه‌های سوم ابتدایی همه‌ی استان‌ها اجرا شد و اظهارات آموزگاران و بازدید از مدارس نشان می‌دهد که نتایج خوبی داشته است. البته این طرح زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش به‌طور علمی ارزش‌یابی شده است که مطابق نتایج آن، پس از تکمیل و اصلاحات احتمالی، به‌طور سراسری اجرا خواهد شد.





به سؤالات دانش‌آموزان درباره‌ی شبیه‌سازی انسانی پاسخ دهیم

مستندات قرآنی و روایی در شبیه‌سازی انسانی (۱)

دکتر محمد مهدی مظاهری؛ خدیجه احمدخان بیگی

چکیده

شبیه‌سازی انسان یکی از رخدادهای عصر جدید است که در آینده‌ی نه چندان دور، بر همه‌ی ابعاد زندگی و ساختار آینده بشر تأثیر می‌گذارد. شبیه‌سازی یک جان‌دار به مفهوم تولید آن جان‌دار از طریق غیر جنسی است. «کلون‌سازی» انسان به مفهوم تولید انسانی بدون لقاح اسپرم و تخمک است. در این فرایند، ابتدا سلول تخمک را از جنس ماده می‌گیرند و ماده‌ی ژنتیک آن را تخلیه می‌کنند و ماده‌ی ژنتیک یکی از سلول‌های پیکری جنس ماده یا جنس نر را درون آن قرار می‌دهند. شبیه‌سازی انسان و احتمال ایجاد نسلی که در آن جنس واحدی به عنوان تعیین‌کننده‌ی خصوصیات ژنتیکی جنین و منشأ آن باشد، مباحثی را در محافل مختلف علمی موجب شده است.

در این مقاله تلاش شده است، به نقد و بررسی دیدگاه‌هایی که با تکیه بر مستندات قرآنی و روایی در جهت تحلیل ابعاد شبیه‌سازی انسان مطرح شده‌اند، پرداخته شود و نظرات موافقان و مخالفان اجمالاً در این حیطه نقد شود.

کلید واژه‌ها: مستندات قرآنی، روایی، شبیه‌سازی، کلون، شبیه‌سازی درمانی.



از تحریک، رشد و تکثیر پیدا کند و در نهایت یک رویان یا جنین کلون شده تولید شود [همان، ص ۳۹]. این موجود زنده دقیقاً مانند صاحب هسته‌ی سلول اولیه است.

انتشار خبر تولید اولین پستان‌دار (گوسفند) در سال ۱۹۹۶ که به دالی معروف شد، امکان شبیه‌سازی انسان را تقویت کرد و نگرانی‌هایی را در جامعه‌ی بشری به همراه آورد. دستاوردهای علوم تجربی و پیشرفت دانش بشری، ضرورت پژوهش مسلمانان و بازخوانی متون را می‌طلبد تا در قلمرو آیات قرآن کریم، این معجزه‌ی جاویدان، مسائل پیچیده باز شوند. قرآن کریم همگان را به تدبر و تفکر فرامی‌خواند، چرا که نسبت به تمام مسائل نو که پیش از آن نیز مطرح نبوده‌اند، پاسخ‌گوست. اگر ادعای برخی محققان را بپذیریم که امکان عملی و علمی چنین کاری را قابل تحقق می‌دانند، در آینده‌ی نه چندان دور، شاهد تحولی اساسی در همه‌ی ابعاد زندگی خواهیم بود. اما در این میان، آن‌چه موجب طرح جدی این موضوع در بسیاری محافل علمی و دینی جهان شده، واکنش موحدان جهان در مورد شبیه‌سازی و پیامدهای آن است.

اهداف شبیه‌سازی انسانی

۱. ایجاد انسان کامل^۱: هدف این نوع از شبیه‌سازی، تولید یک جنین کامل جای‌گزین شده در رحم یک زن است که در این مورد، به دلیل پیامدهای آن اختلاف نظرها و چالش‌های زیادی وجود دارد.

۲. ایجاد اندام‌های متفاوت بدن انسان^۱: هدف این نوع شبیه‌سازی، درمانی و طبی است. در این روش، به جای این که جنین را در رحم یک زن جای‌گزین کنند، آن را به صورت بافت در ظروف آزمایشگاهی کشت می‌دهند. این روش تنها با هدف تولید بافت برای درمان و پیوند زدن به کار می‌رود.

آن‌چه موجب تفکیک این دو نوع شبیه‌سازی از هم می‌شود، هدف آن‌هاست. هدف از روش اول، تولید کودکی است که از لحاظ ژنتیکی شبیه فرد دهنده‌ی هسته‌ی سلول است. در حالی که هدف از کاربرد روش دوم که به آن شبیه‌سازی درمانی یا تحقیقاتی نیز می‌گویند، تولید فرد نیست، بلکه به دست آوردن سلول‌های بنیادی جنینی^۲ است. این سلول‌های بنیادی رویانی، قادرند به تمامی ۲۱۶ نوع سلول متفاوت که بدن یک انسان بالغ را می‌سازند، تبدیل شوند و به عنوان سلول‌های بنیادی چند منظوره شناخته می‌شوند.^۳

تاریخچه‌ی شبیه‌سازی

حدود ۱۰۰ سال پیش از تولد دالی، فردی بنام جاکوئس لاپ (۱۹۲۴ - ۱۸۵۹) مطالعات و تحقیقات خود را روی فرایند «بکر زایی» متمرکز کرد. بعد از او، هانس اسپیلمن (۱۹۳۸)، رویان‌شناس آلمانی که آزمایش‌های او روی سمندر شهرت جهانی داشت، نخستین آزمایش‌ها را در حوزه‌ی شبیه‌سازی حیوانی انجام داد. وی رویان سمندری را با موفقیت تا مرحله‌ی ۱۶ سلولی تقسیم کرد. در واقع با این آزمایش نشان داد که هسته‌ی به دست آمده از مراحل اولیه‌ی یک رویان، می‌تواند مجدداً از نو شروع به فعالیت کند.^۴

در سال ۱۹۶۲، جان گوردن، زیست‌شناس انگلیسی، گزارش داد که موفق شده است، از طریق گرفتن هسته‌ی سلول روده‌ای نوزاد قورباغه و انتقال آن به تخمکی که هسته‌ی آن بیرون کشیده شده است، قورباغه‌ای را شبیه‌سازی کند. میزان

مفهوم لغوی شبیه‌سازی

«شبیه‌سازی» یا «همانندسازی» ترجمه‌ی کلمه‌ی «cloning» در زبان انگلیسی و «clonage» در زبان فرانسه است که در عربی به آن «استنساج» گفته می‌شود. کلمه «clone» از ریشه‌ی یونانی «klon» به معنای جوانه و ترکه‌ی چوب که پرورش‌دهندگان گل و گیاه از آن‌ها برای ایجاد گیاهان جدید استفاده می‌کرده‌اند، گرفته شده است. به بیان دیگر، کلون به معنای تولید مثل غیرجنسی یک یاخته‌ی فرد است.^۱ شباهت شبیه‌سازی به قلمه‌زدن گیاهان در این است که در هر دو روش، عمل تولید مثل بدون انجام لقاح انجام می‌گیرد. در قلمه‌زدن، شاخه یا ریشه‌ای را از درخت جدا می‌کنند و در جای دیگری می‌کارند. در عمل شبیه‌سازی هم، بدون عمل لقاح، تولیدمثل صورت می‌گیرد.

مفهوم اصطلاحی شبیه‌سازی

فرایند تولیدمثل غیرجنسی گروهی از سلول‌ها، مولکول‌ها یا موجودات زنده را که همگی از نظر ژنتیکی مشابه نیای مشترک باشند، اصطلاحاً شبیه‌سازی یا کلونینگ می‌گویند. کلونینگ مجموعه فرایندهای تولید یک کلون یا شبیه است.^۲ «انتقال هسته‌ی سلول سوماتیک»^۳ تکنیکی است که با آن، مواد هسته‌ای یک سلول سوماتیک یا جسمی را به داخل یک «اووسیت»^۴ یا تخمک هسته‌زایی شده منتقل می‌کنند تا پس

خلق الله می‌دانند و حرام می‌پندارند. نقطه‌ی ثقل استدلال، قسمت «لامرنهم فلیغیرن خلق الله» است. براساس این آیه، شیطان خواستار تغییر خلق الله شد. در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی روم نیز تغییر خلق ممنوع و اعلام شد که: «لا تبدیل لخلق الله». به این ترتیب از جمع این دو آیه، حرمت تغییر خلق الله را درمی‌یابیم. معروف‌ترین دلیلی که اغلب مخالفان شبیه‌سازی انسانی آن را به شکل‌های مختلفی تقریر کرده‌اند، آن است که در شبیه‌سازی انسانی، تغییر خلقت خداوند صورت می‌گیرد و این کار حرام است.



دیدگاه مفسرین

عیاشی در تفسیر خود ذیل این آیه از امام باقر (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: مقصود از خلق الله دین و امر خداوند است.^{۱۱} شیخ طوسی پس از نقل گفته‌های مختلف در این باب می‌گوید: قوی‌ترین قول به دلالت آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی روم: «فلیغیرن خلق الله»، به معنی دین الله است.^{۱۲} طبرسی تغییر خلق را چنین تفسیر می‌کند: «اراد بذالک تحریم الحلال و تحلیل الحرام».^{۱۳} ابن کثیر از ابن عباس، عکرمه و مجاهد نقل کرده است که با تمسک به آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی روم، خلق الله را دین الله تفسیر کرده‌اند.^{۱۴}

علامه طباطبایی، ذیل آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی روم می‌فرماید: «لا تبدیل لخلق الله» و تغییر خلقت خدا را می‌توان خارج شدن از حکم فطرت و ترک دین حنیف دانست.^{۱۵} در «تفسیر نمونه»، ذیل این قسمت آمده است: آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند (فطرت توحید را به شرک بیالایند).^{۱۶} رشید رضا در «المنار» می‌گوید: تغییر در خلقت خدا و دخالت کردن در آن، قضیه‌ای است که هم تغییر جنسی مانند اخته کردن و... را شامل می‌شود، هم بریدن و ایجاد ناهنجاری در اعضای بدن انسان، و هم تغییر معنوی (تغییر دین و تغییر سرشت انسانی را که خداوند آفریده است).^{۱۷}



نقد و بررسی

از مفاد آیه‌ی شریفه می‌توان فهمید، این آیه از نظر اکثر مفسران ناظر به حفظ دین حق و توحید در عبارات و دوری از شرک است، نه خلقت فیزیکی. حال اگر فرض را بر این بگذاریم که این آیه دلالت روشن بر تغییر فیزیکی دارد و شبیه‌سازی انسانی نیز تغییر خلق است، آن‌گاه است که باید بسیاری از اعمال مباح را حرام شمرد. اصلاح نباتات و

موفقیت این آزمایش‌ها اندک بود، اما نتایج مثبتی دربرداشت و محققان را واداشت تا همین آزمایش‌ها را روی پستان‌داران انجام دهند. در سال ۱۹۷۸، براساس تحقیقات لوبیز براوان، نخستین نوزادی که از طریق لقاح برون رحمی بارور شده بود، در انگلستان زاده شد.^{۱۸} این اتفاق پیشرفت چشم‌گیری در راه تحقق شبیه‌سازی پستان‌داران عالی به شمار می‌رفت، زیرا یکی از شرایط شبیه‌سازی آن بود که تخمک بیرون از رحم بارور شود و آن‌گاه به درون رحم منتقل شود. در سال ۱۹۶۶، ساعت پنج بعدازظهر پنجم جولای، دالی زاده شد. این میش نخستین پستان‌داری بود که از طریق انتقال هسته‌ی سلول جسمی ایجاد شده بود. البته مشهور شدن دالی به خاطر امکان قریب‌الوقوع بودن شبیه‌سازی انسان بود. مطرح شدن ایده‌ی شبیه‌سازی انسان به‌صورت جدی‌تر موجی از واکنش‌های جهانی پدید آورد.



مستندات قرآنی مخالفان شبیه‌سازی

۱. شبیه‌سازی تغییر در خلقت خداوند است

قرآن کریم در سوره‌ی النساء آیات ۱۱۷ تا ۱۱۹، هنگام سخن گفتن از مشرکان، از شیطان نام می‌برد که مدعی شد، مردم را گمراه خواهد کرد و به آنان فرمان خواهد داد تا خلق خدا را دگرگون کنند: «ان یدعون من دونه الا انا اناء و ان یدعون الا شیطاناً مریداً لعنه الله و قال لاتخذن من عبادک نصیباً مفروضاً و لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم فلیبتکن اذان الانعام و لامرنهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطان ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً»: آن‌چه غیر از خدا می‌خوانند، فقط بت‌هایی هستند که هیچ اثری ندارند و یا شیطان سرکش و ویرانگر است. خدا او را از رحمت خود دور ساخت و او گفت: از بندگان تو سهم معینی خواهم گرفت. و آن‌ها را گمراه می‌کنم و به آرزوهای دور و دراز می‌افکنم و به آن‌ها دستور می‌دهم که گوش چهار پایان را بشکافند و آفرینش خدایی را تغییر دهند. و هر کس شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.

مخالفان شبیه‌سازی معتقدند که این کار تغییر خلقت خداوند، و حرام و نامشروع است. زیرا طبق سوره‌ی النساء آیه‌ی ۱۱۹، شیطان سوگند یاد کرد، برخی انسان‌ها را سخت گمراه می‌کنم و به آرزوهای دور و دراز می‌افکنم و به آن‌ها دستور می‌دهم، گوش حیوانات را ببرند و امر می‌کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند. آن‌ها شبیه‌سازی را یکی از مصادیق این تغییر

حیوانات از قدیم‌الایام در همه‌جا معمول بوده و این کار نیز تغییر خلق‌الله است. در موارد دیگر، مثل لقاح برون رحمی و شبیه‌سازی درمانی که در آن عضوی مانند کلیه یا قلب را شبیه‌سازی می‌کنند، مجاز شمرده می‌شود، حال آن‌که در این‌جا نیز نوعی دستکاری و دخالت در سلول‌های انسانی صورت گرفته است. در صورت استناد به این آیه، هرگونه تغییراتی فیزیکی و دخالت در جسم انسان از شمول این حکم خارج نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان از دلایل تغییر خلق‌الله برای اثبات حرمت شبیه‌سازی انسانی سود جست، چرا که اگر شبیه‌سازی را تغییر خلق‌الله بدانیم، این کار در مورد نباتات و حیوانات نیز تغییر خلق‌الله خواهد بود.

۲. شبیه‌سازی با خالقیت خداوند تناقض دارد

قرآن کریم تصریحاً در آیات زیادی خلق و آفرینش را به خود نسبت می‌دهد در آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی اعراف داریم: *الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین*: آگاه باشید که آفرینش و تدبیر از آن اوست. پر برکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است. و نیز آیه‌ی ۲۵۸ سوره‌ی البقره به وضوح بیان می‌کند: *الم ترالی الذی حاج ابراهیم فی ربه ان آتته الله الملك اذ قال ابراهیم ربی الذی یحیی و یمیت قال انا احی و امیت قال ابراهیم فان الله یاتی بالشمس من المشرق فات بها من المغرب فبهت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین*: آیا ندیدی کسی را که با ابراهیم درباری پروردگارش محاجه و گفت‌وگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود، هنگامی که ابراهیم گفت: «خداوند من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.» او گفت: «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم.» ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از افق مشرق می‌آورد، خورشید را از مغرب بیاورد. آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند.

گروهی شبیه‌سازی را ورود در شبهه‌ی خلق و آفرینش می‌دانند و بر این باورند که تحقق این عمل این شبهه را پیش می‌آورد که انسان دست به خلق زده و قدرت خالقیت دارد و عامه‌ی مردم آن را نوعی خلق و آفرینش موجودات زنده می‌پندارند. وجود همین شبهه باعث شده است، کسانی آن را مستندی برای تحریم شبیه‌سازی انسانی قرار دهند.

خلق در آیات قرآن کریم به سه معنا به کار رفته است: ۱. «قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً» [مریم / ۹]: قبلاً

تو را آفریدیم، در حالی که چیزی نبود. در این‌جا خلق به معنی ایجاد از عدم است.

۲. «انا خلقناهم من طین لازب» [الصفات / ۱۱]: ما آنان را از گل چسبیده‌ای آفریدیم. در این‌جا خلق به معنی به وجود آوردن موجود زنده از شیئی بی‌جان است.

۳. «ثم کان علقه فخلق فسوی» [القیامه / ۳۸]: سپس به‌صورت خون بسته درآمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت. در این‌جا خلق به معنی دگرگونی از وضعیتی دیگر است، نه از عدم به وجود آمدن.

شهید مطهری در این باره می‌گوید: همیشه مردم در کار خدا به این معنا دخالت می‌کنند. خداوند می‌فرماید: «الله یتوفی الانفس حین موتها.» اگر خدا قبض روح می‌کند، پس هیچ‌کس نباید بتواند کس دیگری را بمیراند و این‌ها با هم منافات ندارد. آن کاری که بنده‌ی خدا می‌کند، غیر از کاری است که خدا می‌کند. آن کشاورز هم که کشاورزی می‌کند، در کار خداوند مداخله می‌کند. قرآن هم می‌گوید: «فرایتم ما تحرثون، انتم تزرعونه ام نحن الزارعون.» این عالم خلقت است که آن را ایجاد می‌کند، نه کشاورز. علم انسان هرچه پیش می‌رود، در جهت شناخت قوانین خلقت پیش می‌رود و از همان قانون موجود خلقت استفاده می‌کند. اگر هزارها سال دیگر نیز بگذرد، بشر قادر نخواهد بود خارج از قانون خلقت موجودی را ایجاد کند. مثلاً انسانی ایجاد کند که هیچ ارتباطی با عالم خلقت نداشته باشد.^{۱۸}

لذا شبیه‌سازی حتی اگر در انسان راه پیدا کند، نه آسیبی به توحید می‌رساند و نه آسیبی به نظام خلقت. چرا که این کار بیرون از نظام علت و معلولی جهان و اراده‌ی خداوند نیست.^{۱۹}

نقد و بررسی

اولاً، اختصاص و انحصار خالقیت، اختصاص اعتباری و انحصاری نیست تا عدم دخالت در کار خداوند (یعنی نادیده‌گرفتن آن)، بتواند موضوع حکم شرعی (حرمت) قرار گیرد. بلکه این اختصاص، اختصاصی تکوینی است و اختصاص‌های تکوینی دخالت‌ناپذیر هستند. در کاری که اختصاص به خدا دارد، اصلاً دخالت کردن محال است و امور دخالت‌ناپذیر موضوع حکم شرعی قرار نمی‌گیرند. شارع تنها امور تحقق‌پذیر را موضوع امر و نهی خود قرار می‌دهد.^{۲۰}

ثانیاً، با همین مبنا می‌توان بسیاری از امور حلال و

شاید متذکر شوید.

نظام هستی بر زوجیت استوار است. نه تنها در عالم انسانی، بلکه در میان حیوانات و گیاهان نیز این نظام حاکم است. قرآن کریم بارها به این پدیده اشاره کرده است. از آن جمله می‌فرماید: «و خلقناکم ازواجاً» [النبا / ۸]: و شما را به صورت زوجها آفریدیم. «و انه خلق الزوجین الذکر و الانثی من نطفه اذآ تمنی» و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید، از نطفه‌ای هنگامی که خارج می‌شود.

سنت الهی در خلق بشر، از طریق ازدواج میان مرد و زن است. البته این زوجیت به معنای رابطه‌ی قراردادی ازدواج نیست، بلکه سخن از سنتی تکوینی و همیشگی و لایتغیر است. اما شبیه‌سازی انسانی از نظر گروهی این سنت را مخدوش و نابود می‌کند. چرا که در این صورت، دیگر نیازی به هر دو جنس مذکر و مؤنث وجود ندارد و این امر با فطرت الهی سازگار نیست.

کشفیات را به همان مقداری که شبه آفرین هستند، تحریم کرد. در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی لقمان خداوند می‌فرماید: «یعلم ما فی الارحام.» در آیه‌ی ۸ سوره‌ی رعد نیز خداوند می‌فرماید: «یعلم ما تحمل کل انثی»: علم به جنس جنین از آن خداوند است. امروزه با فراهم شدن امکان سونوگرافی، هر کس می‌تواند در این عمل شریک خداوند شود و کسانی همین تکنیک را مایه‌ی تضعیف باورهای دینی مردم قرار می‌دهند. پس طبق این مبنا و برای حفظ ایمان مردم، باید هر نوع فناوری که امکان شناخت جنسیت و وضعیت جنین را در درون رحم روشن می‌کند، حرام شمرد.

منطق قرآن این است که تمام آن‌چه در جهان آفرینش به وجود می‌آید، با اراده همراه است. اما این اراده حق تعالی با سلسله اسباب و مسبباتش است که اگر علم بتواند آن اسباب و مسببات را به دست آورد، در مقابل خدا قرار نگرفته، بلکه در امتداد آفرینش قرار گرفته است.^{۲۱}

دیدگاه فقها

عده‌ای از فقها معتقدند: آن‌چه در قرآن کریم درباره‌ی خلقت بشر از مرد و زن آمده، ناظر به روش معمول است. یعنی اغلب مردم از طریق ترکیب اسپرم و تخمک پدید می‌آیند و این مغایرتی با به وجود آمدن انسان از طریق دیگر ندارد. این امر امکان وقوعی دارد؛ همان طور که حضرت مسیح(ع) پدر نداشت.^{۲۲} آیت الله حکیم معتقد است: دلیلی بر انحصاری بودن

۳. شبیه‌سازی با اصل، سنت و قاعده‌ی زوجیت در تضاد است

قرآن کریم در آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی الحجرات می‌فرماید: «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا»: ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. اساس خلقت روی آفرینش مذکر و مؤنث است. «و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون» [الذاریات / ۴۹]: و از هر چیز یک جفت آفریدیم،





خداوند در آیهی ۵۴ سورهی فرقان می‌فرماید:
«و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً و کان ربک قدیراً»:
او کسی است که از آب انسانی را آفرید. سپس او را نسب و سبب قرار داد و
پروردگار تو همواره توانا بوده است.

لآیاتٍ للعالمین»؛ و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست. در این نشانه‌هایی است برای عالمان. بسیاری از مخالفان شبیه‌سازی، اختلاف رنگ‌های مردمان، تنوع زبانی آنان، و تنوع چهارپایان و میوه‌ها را یک قانون عام می‌دانند و معتقدند: خداوند جهان را براساس قاعدهی تنوع خلق کرده است. لیکن شبیه‌سازی با این قاعده مغایرت دارد؛ چرا که لازمه‌ی شبیه‌سازی ایجاد نسخه‌های مکرری از انسان است.

نقد و بررسی
 این مخالفت از نظر علمی چندان با واقعیت نسبتی ندارد. زیرا اولاً، انسان شبیه‌سازی شده کاملاً شبیه انسان اولیه نیست. ثانیاً، در این روش انسان شبیه‌سازی شده از فردی که بزرگسال است، تولید می‌شود. ثالثاً، شبیه‌سازی انسان به هیچ‌وجه جای‌گزین شیوه‌ی طبیعی تولیدمثل نخواهد شد و برای جلوگیری از برهم زدن قاعده‌ی تنوع، می‌توان شبیه‌سازی تولیدی در سطح وسیع از یک فرد را ممنوع اعلام کرد.^{۲۶}

۵. شبیه‌سازی باعث ایجاد اختلال در وضعیت قرابت و نسب افراد کلون شده می‌شود

خداوند در آیهی ۵۴ سورهی فرقان می‌فرماید: «و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صهراً و کان ربک قدیراً»: او کسی است که از آب، انسانی را آفرید. سپس او را نسب و سبب قرار داد و پروردگار تو همواره توانا بوده است. همانندسازی انسان بی‌تردید این رابطه‌ی طبیعی و قانونی را بر هم می‌زند و تعیین قرابت و نسبت را با اشکال و ابهام روبه‌رو می‌سازد. در شبیه‌سازی تولیدی انسان این ایراد وجود دارد که روشن نیست، فرد شبیه‌سازی شده با کسی که شبیه ژنتیکی اوست، دو قلو محسوب می‌شوند و یا با او برادر یا خواهر یا این که فرزند اوست.

شیوه‌ی تولیدمثل انسان، در شریعت اسلامی وجود ندارد.^{۲۳}

نقد و بررسی
 اولاً برخی معتقدند: این امر خلاف آفرینش الهی است، در صورتی که معنای خلقت این نیست که حتماً از طریق ترکیب اسپرم و تخمک، نوزاد به‌وجود آید.^{۲۴} اگر سنت زوجیت عام است و همه‌ی ساحات عالم ماده را دربر گرفته است، بشر اگر هم بخواهد نمی‌تواند آن را نقض کند. تنها نقض قوانین تشریحی ممکن است، نه قوانین تکوینی. بنابراین، شبیه‌سازی نقض قانون عام هستی نیست؛ چرا که در این صورت بشر قدرتی هم سنگ قدرت خدا دارد و می‌تواند قانونی را نقض کند که خداوند براساس آن طبیعت را آفریده است.

ثانیاً، اگر این قانون عام باشد، با نحوه‌ی آفرینش حضرت آدم (ع) و تولد حضرت عیسی (ع) چه باید کرد؟ اولی نه پدر داشت و نه مادر و دومی تنها مادر داشت. اگر آفریدن حضرت آدم (ع) و تولد حضرت عیسی (ع) معجزه است و معجزه نیز نوعی از سنت حاکم بر هستی است، پس شبیه‌سازی انسانی می‌تواند مصداقی از همین سنت نهان هستی باشد. نه تنها ناقض آن نیست، بلکه تأیید آن نیز به شمار می‌رود.^{۲۵} در شبیه‌سازی انسانی که به منظور درمان صورت می‌گیرد، ما شاهد سنت زوجیت هستیم؛ چرا که نمی‌توان به کمک یک هسته یا یک تخمک تنها دست به این کار زد. پس سنت زوجیت هم‌چنان وجود دارد و یکی از دستاوردهای شبیه‌سازی، درمان ناباروری است. بنابراین می‌توان حداقل آن را در کار زوجیت مجاز دانست.

۴. شبیه‌سازی با سنت تنوع انسان‌ها تناقض دارد

خداوند متعال در آیهی ۲۲ سورهی الروم، تنوع موجود در جهان را آیت خود می‌شمارد و می‌فرماید: «و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف السننکم و الوانکم ان فی ذلک

نقد و بررسی



ما در این جا دنبال حکم تکلیفی نیستیم، چرا که حکم هر چه باشد، جواز یا حرمت (در شبیه‌سازی) تأثیری در انتساب فرزند نخواهد داشت. حال باید ببینیم که در شبیه‌سازی انسان چه ابهامی در روابط خانوادگی و انساب پیش می‌آید. الف) مفهوم لغوی نسب: نسب از نظر لغت به معنای قرابت، اصل، نژاد، خویشاوندی و پیوستگی بین دو شی انسان است. ب) مفهوم عرفی نسب: بعضی از فقها (نجفی، ۱۳۷۵، ج ۲۹: ۲۳۸ و انصاری) و حقوق دانان در مقام تعریف عرفی نسب گفته‌اند: «نسب عبارت از منتهی شدن ولادت شخصی به دیگری، مانند پدر و پسر یا انتهای ولادت دو شخص به شخص ثالث (مانند دو برادر به پدر).

باید توجه داشت که در این خصوص حقیقت شرعی برای نسب ثابت نشده است، بلکه به عکس، عدم آن ثابت شده است. بنابراین نسب مثل سایر عناوین بر همان مفهوم و برداشت عرفی مترتب می‌شود.^{۲۷}

منشأ انتساب فرزند به مادر



در معیار پیدایش فرزند از ناحیه‌ی مادر سه نظریه وجود دارد: ۱. عده‌ای از فقها ملاک انتساب فرزند به مادر را در زاییدن می‌دانند. عده‌ای دیگر معتقدند که برای پیدایش هر فرزند دو عامل تأثیرگذار است: یکی پیدایش فرزند از تخمک و دیگری حمل فرزند و ولادت وی از مادر. دارنده‌ی این دو عامل با هم، مادر است. در نهایت گروه سوم، ملاک انتساب را پیدایش فرزند از تخمک دانسته‌اند. هر گروه استدلال‌هایی دارند که طبق آیات و روایات مطرح می‌کنند.

گروه نخست می‌گویند: اساساً در زمان نزول آیات و صدور روایات، مردم از اطلاعات جدید پزشکی که کودک حاصل لقاح اسپرم و تخمک است، آگاهی نداشتند و زن صاحب رحم را مادر می‌دانستند. پس مبنای داوری زاییدن بود.^{۲۸} مهم‌ترین آیه‌ای که همه‌ی آن‌ها به آن استدلال کرده‌اند، آیه‌ی ۲ سوره‌ی مجادله است: «... ان امهاتهم الا اللاتی ولدنهم»: آنان مادرانشان نیستند. مادران آن‌ها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند. این گروه چنین استدلال می‌کنند که خداوند مادر را در قرآن چنین توصیف کرده است: «و وصینا الانسان بوالديه احساناً حملته امه و وضعته کرهاً» [احقاف / ۱۵]: انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد.

برخی از فقها مانند صاحب جواهر، ولادت را معیار لحوق فرزند به زن دانسته‌اند (نجفی، ۴۱ / ۳۹۸).

گروه دوم انتساب فرزند را به مادرش بر اثر دو عامل می‌دانند: ارتباط تکوینی و وراثتی که به وسیله‌ی تخمک حاصل می‌شود، و ارتباط حملی، ولادتی و حضانتی که به وسیله‌ی رحم محقق می‌شود. این گروه هر دو عامل را هم‌زمان برای انتساب مادر ضروری می‌دانند.^{۲۹}

گروه سوم اعتقاد دارند که ملاک مادر بودن در نظر عرف، مانند ملاک پدر بودن است. بنابراین نوزاد شبیه‌سازی شده به صاحب سلول منتصب است.^{۳۱}

منشأ انتساب فرزند به پدر



حدیثی از رسول اکرم (ص) در این باب داریم که از طریق فریقین روایت شده و عامه‌ی فقهای مسلمان آن را پذیرفته‌اند. مفاد حدیث، مستند احکام فقهی فراوانی نیز به شمار می‌رود. حدیث آن است که فرزند همواره به فراش زوجیت، یعنی به پدر و مادر شرعی خود، منتسب می‌گردد و ادعای زناکار درباره فرزند شرعی، مسموع نیست و از او بهره‌ای ندارد. برخی از صاحب‌نظران در خصوص معنای حدیث اظهار نظر کرده‌اند که معنی کلمه‌ی «فراش» ممکن است به معنی بستر باشد و از آن نزدیکی اراده شده باشد و ممکن است معنی آن رابطه‌ی زوجیت موجود بین زوجین باشد.^{۳۲}

تردید نیست که حضرت رسول اکرم (ص) در این حدیث در مقام حکم شرعی بوده‌اند، نه اخبار. از این رو در این جا فراش یعنی شوهر قانونی و شرعی. چرا که برای اجرای اماره فراش، اصولاً اثبات مجامعت و نزدیکی بین زن و مرد که امری پنهان است و اقامه‌ی دلیل بر آن متعسر است، لازم نیست. بلکه وجود علقه زوجیت میان مرد و زن کفایت می‌کند [همان ص ۱۹۶]. در قضاوت‌های حضرت رسول اکرم (ص) می‌بینیم که معیار الحاق فرزند به والدین آن بوده است که نخست ازدواج شرعی میان آن دو وجود داشته باشد. دیگر آن که آنان فرزند را از آن خود بدانند. افزون بر این شرط، شرط دیگری وجود ندارد (نه مشابهت فرزند به والدین، نه امتزاج مائین و نه چیز دیگر). نسب خانوادگی همان‌طور که گفته شد، امری عرفی است و اسلام آن را امضا کرده است.

در شبیه‌سازی، اگر انسانی متولد شد، پدر او دهنده‌ی هسته‌ی سلول به شمار می‌رود. در علمای اهل سنت، الاشقر و ریاض احمد عوده الله (الاشقر، الاستنساخ فی میزان الشریعة

الاسلامیه، ص ۳۴۵) نیز از گفته‌ی معروف رسول اکرم (ص) که الولد للفراش» نتیجه می‌گیرند که اگر زنی شوهردار، فرزند شبیه‌سازی شده‌ای به دنیا آورد، شوهر آن زن پدر شرعی آن فرزند خواهد بود.

آزمایش‌ها باشد. برآیند این تأملات بیان چهار اصل اساسی حوزه‌ی اخلاق زیستی است که عبارت‌اند از: ۱. اصل لاضرر، ۲. اصل سودمندی، ۳. اصل علامت، ۴. اصل خودمختاری یا استقلال انسان^{۳۳}.

نتیجه‌ی کلی

حاصل آن که می‌توان حداقل در یک شق شبیه‌سازی، یعنی شبیه‌سازی در چارچوب زوجیت، از ابهام ادعایی انساب پیشگیری کرد و روابط را به روشنی تعریف نمود.

۶. شبیه‌سازی با کرامت انسان مغایرت دارد

خداوند در آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: «و لقد کرما بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً». ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم، و آن‌ها را در خشکی و دریا حمل کردیم، و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

جدی‌ترین دلیل اخلاقی ضد شبیه‌سازی انسانی در میان تقریباً همه‌ی مخالفان آن است که این کار کرامت انسان را نقض می‌کند و او را به حد حیوانات تنزل می‌دهد. زیرا انجام این عمل نیازمند آن است که با انسان نیز مانند خوکی‌چندی هندی و موش آزمایشگاهی رفتار شود.

نقد و بررسی

طبق این نگرش، کرامت ذاتی انسان در گرو نحوه‌ی تولیدمثل و شکل باروری و زادن اوست. و تولیدمثل غیرجنسی، کرامت انسانی را نقض می‌کند. طبق این استدلال، هر جا که نحوه‌ی تولید و زایش برخلاف سنت معمولی باشد، باید حکم به نقض کرامت انسانی داد. این موضوع درباره‌ی نحوه‌ی تولد حضرت عیسی (ع) مشکل‌ساز خواهد بود. هم‌چنین، طبق آن باید نحوه‌ی لقاح برون رحمی نیز خلاف شرع و حرام شود. نه تنها شبیه‌سازی انسانی که هر نوع آزمایشی روی انسان غیراخلاقی خواهد بود. به همین سبب، متخصصان اخلاق زیستی به جای مخالفت با این قبیل آزمایش‌ها، کوشیده‌اند تا اصولی را تدوین کنند که راهنمای عمل محققان در این قبیل

پی‌نوشت

۱. دورلند، ۱۳۶۴.

۲. محمدی، ۱۳۸۷: ۶۷.

3. Somatic Cell Nuclear Transfer (SCNT)

4. Oocyte

5. Reproductiv cloning

6. Therapeutic cloning

7. Embryonic stem

۸. رحیمی، ۱۳۸۵: ۴۲.

۹. محمدی، ۱۳۸۷: ۳۰.

۱۰. ترانسون و گاردنر، ۱۳۸۳: ۲۶۰.

۱۱. عیاشی، بی‌تا، ج ۱: ۲۷۶.

۱۲. طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۳: ۳۳۳.

۱۳. طبرسی، ۱۳۷۹ هـ.ق، ج ۲: ۱۱۲.

۱۴. ابن کثیر، ۲۰۰۰ م، ج ۱: ۵۶۹.

۱۵. طباطبایی، ۱۳۹۷ هـ.ق، ج ۵: ۸۷.

۱۶. مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۴: ۱۳۴.

۱۷. رشید رضا، بی‌تا، ج ۵: ۴۲۹-۴۲۴.

۱۸. مطهری، بی‌تا: ۵۴.

۱۹. جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۶۴.

۲۰. مبلغی، بی‌تا.

۲۱. معرفت، بی‌تا: ۳۵.

۲۲. موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳، روزنامه‌ی همشهری.

23. <http://www.alhakeem.com>

۲۴. موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ایسنا.

۲۵. اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۴۹-۲۴۸.

۲۶. رحیمی، ۱۳۸۵: ۵۳.

۲۷. روحانی، بی‌تا، ج ۲۱: ۲۲۱.

۲۸. محقق داماد، بی‌تا.

۲۹. نجفی، ۱۳۷۵، ج ۴۱: ۳۹۸.

۳۰. موسوی اردبیلی، بی‌تا: ۳۶۹.

۳۱. معرفت، بی‌تا.

۳۲. علوی قزوینی، بی‌تا: ۱۸۰.

33. WWW.Nathaneil.org.nz

کدام نوع ترجمه را انتخاب کنیم؟

«چه گفتن» تا «چگونه گفتن»

بررسی روش‌های ترجمه‌ی فارسی قرآن در دوران معاصر

دکتر علی نجار پوریان

چکیده

تقسیم روش‌های ترجمه به سه روش «کلمه‌به‌کلمه» (تحت‌اللفظی)، «جمله‌به‌جمله» و «آزاد»، منطقی و مطابق واقعیت خارجی در ترجمه‌های موجود است. هرچند که در نام‌گذاری اختلاف نظر هست، اما سه روش نام‌برده مورد پذیرش همه‌ی اندیشوران است. بسیاری از ترجمه‌های کهن تحت‌اللفظی انجام گرفته‌اند. مترجمان این دوره هم خود را تنها صرف انتقال معانی می‌کردند و برای آن‌ها «چه گفتن» اهمیت بیشتری داشت تا «چگونه گفتن». اما چند دهه‌ی اخیر، ترجمه‌ها غالباً با رعایت قواعد زبان فارسی و در قالب عبارتی روان انجام شده‌اند. اغلب آن‌ها هم به روش محتوایی و جمله‌به‌جمله صورت پذیرفته‌اند که برترین روش ترجمه‌ی قرآن است. ضریب خطای این شیوه‌ی ترجمه از روش‌های دیگر کمتر است. در مقاله‌ی حاضر، نقاط قوت و ضعف انواع روش‌های ترجمه قرآن و سبک‌های ترجمه به‌طور مفصل آمده است.

کلیدواژه‌ها: روش، ترجمه، تحت‌اللفظی، جمله‌به‌جمله، آزاد

مقدمه

ترجمه‌ی متون مذهبی از دیرباز رونق داشته است و

پیروان مذاهب متفاوت از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای انتشار آرا و عقاید مکتبشان استفاده می‌کرده‌اند. ترجمه‌ی کتب آسمانی نیز به همین دلیل، به‌رغم موانع موجود بر سر راه آن، جایگاه خاصی داشته است. البته در مورد ترجمه‌ی کتب آسمانی این بیم وجود داشت که مبادا از قداست آن‌ها کاسته شود. ولی امروز بحث بر سر این است که تا چه اندازه می‌توان کلام الهی را به‌طور صحیح ترجمه کرد و عملاً به برگردانی دقیق دست یافت.

متون مذهبی، به‌خصوص کتاب آسمانی را نمی‌توان جدا از قوانین و ضوابط حاکم بر فرایند کلام این‌گونه متون بررسی کرد. در میان کتب آسمانی، «قرآن کریم» دارای آن‌چنان ایجاز، اعجاز معنوی و لفظی، بلاغت و شیوایی است که آن را از سایر کتب آسمانی متمایز می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که بنا بر نص قرآن، هیچ‌کس را یارای تحدی بر آن نیست.

با اهتمام به مقدمات فوق، ترجمه‌ی متون مقدس و در رأس آن‌ها قرآن، از ضروریات تبلیغی دین اسلام به‌شمار می‌آید و با توجه به رسالت قرآن برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها، این ضرورت صدچندان می‌شود. از این‌رو، دانشوران بسیاری در طول تاریخ به ترجمه‌ی قرآن دست زده‌اند و برای این کار از روش‌های متفاوت سود جستند. بررسی این شیوه‌ها و بیان

نقاط قوت و ضعف آن‌ها، می‌تواند برای مترجمان بعدی راهگشا باشد و دانش ترجمه‌ی قرآن را بالنده‌تر و پویاتر کند.

ترجمه‌ی قرآن سابقه‌ای دیرینه دارد و از زمان صدر اسلام آغاز شده است، اما مبحث روش‌شناسی ترجمه‌های قرآن کریم سابقه‌ی طولانی ندارد. با این حال، دانشوران گوناگون در این باره سخن گفته‌اند. تقسیم روش‌های ترجمه به سه روش کلمه به کلمه (تحت‌اللفظی)، جمله به جمله (هسته به هسته) و آزاد (تفسیری)، منطقی و مطابق با واقعیت خارجی در ترجمه‌های موجود است؛ هرچند در نام‌گذاری آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. البته شیوه‌های ترجمه‌ی قرآن، می‌تواند تقسیمات متعددی را پذیرا شود. یعنی براساس مبنای تقسیم روش‌ها و شیوه‌ها، سبک‌های متفاوتی رخ می‌نمایند. تقسیم ترجمه‌ها براساس هدف، مترجم، مخاطبان، زبان ترجمه، وجود یا نبود اضافات، وجود یا نبود گرایش ویژه، اعتبار ترجمه و مترجم، و ترجمه‌های هنری، مهم‌ترین سبک‌های ترجمه را می‌سازد.

مفهوم‌شناسی

سه واژه‌ی اساسی که در بررسی روش‌های ترجمه‌ی قرآن بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از:

الف) ترجمه: برخی صاحب‌نظران ترجمه را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از نظر مفهوم و بعد از نظر سبک.»^۱ اما به نظر می‌رسد که ترجمه، فرایند انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد است. به عبارت دیگر، برگرداندن الفاظ متن از زبانی به زبان دیگر برای رساندن معانی است که برخی آن را علم و برخی دیگر هنر و برخی فن دانسته‌اند.^۲

ب) روش: مراد از روش، مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرایند ترجمه است؛ مثل نوع گزینش واژه‌ها و جمله‌ها که نتیجه‌ی آن، گونه‌ی خاصی از ترجمه را به وجود می‌آورد.

ج) قرآن: متن و نص مقدسی است که از سوی خداوند بر پیامبر اکرم (ص) وحی شده است.

پیشینه‌ی تاریخی بحث روش‌های ترجمه‌ی قرآن —
ترجمه‌ی قرآن سابقه‌ای دیرینه دارد و از زمان صدر اسلام شروع می‌شود که سلمان فارسی به ترجمه‌ی بخشی از قرآن مبادرت ورزید. اما بحث روش‌شناسی ترجمه‌های قرآن سابقه‌ی طولانی ندارد و تنها برخی کتاب‌ها و ترجمه‌های قرآنی اشاراتی به این مبحث داشته‌اند. از دانشوران متقدم، شیخ محمد بهاء‌الدین عاملی (م ۱۳۰۱ق) از صفوی نقل می‌کند که ترجمه دو روش دارد:

اول: روش یوحنا بن بطریق و ابن‌الناعمه الحمصی که ترجمه‌ی لفظ‌به‌لفظ است.

دوم: روش حنین بن اسحاق که تمام جمله را در ذهن به تصور درمی‌آورد و سپس آن را به جمله‌ای مطابق آن از زبان دیگر ترجمه می‌کند.^۳

عاملی به روش اول چند اشکال وارد می‌کند و روش دوم را برمی‌گزیند. از دانشوران متأخر، استاد مکارم شیرازی، در پی‌نوشت ترجمه‌ی قرآن خویش، روش‌های ترجمه قرآن را به سه شیوه‌ی تحت‌اللفظی، آزاد و هسته به هسته تقسیم می‌کند و در نهایت روش سوم را برمی‌گزیند.^۴ استاد معرفت نیز در کتاب «التفسیر و المفسرون»، روش‌های ترجمه را به سه روش حرفی، معنوی (آزاد) و تفسیری تقسیم می‌کند و در نهایت نوع دوم را برمی‌گزیند.^۵ دانشوران دیگری از جمله آقای عقیقی بخشایشی و دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، در این باره اظهار نظرهایی اجمالی مطرح کرده‌اند.^۶

انواع روش‌های ترجمه‌ی قرآن

مترجم، در ترجمه‌ی هر متن، جزء به جزء آن را ترجمه می‌کند. این اجزا را واحدهای ترجمه می‌گویند و آن‌ها سه نوع‌اند: مفردات، ترکیبات و جملات. در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی مفردات و تک‌واژه‌ها، و در ترجمه‌ی آزاد، جملات و تراکیب، واحدهای ترجمه قرار می‌گیرند. روش‌های ترجمه

نخستین روش در ترجمه قرآن، ترجمه کلمه به کلمه بوده است. در این شیوه، مترجم به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌هایی از زبان مقصد را جای‌گزین می‌کند.



محاسن و نقاط قوت

۱. در این شیوه‌ی ترجمه، امانت در نقل مطالب و نظم و ترتیب رعایت می‌شود. مطالب بدون کم و زیاد بیان می‌شوند و مخاطب و مترجم از نص کتاب دور نمی‌شوند؛ برخلاف روش ترجمه‌ی آزاد و تفسیری که مطالب اضافی، ترجمه را از متن اصلی دور می‌سازد.^۸

۲. این شیوه برای آموزش مفاهیم به نوآموزان قرآن بسیار مناسب است.

اشکالات و نقاط ضعف

۱. در این شیوه، افراط در حفظ امانت موجب می‌شود تا گاهی مضمون و پیام اصلی کلام به مخاطب القا نشود؛ به‌ویژه متن قرآن که مشحون از اصطلاحات و استعارات است، مراد مترجم با نوعی خفا و ابهام همراه است و مخاطبان دارای درک درستی از پیام آیه نیستند.^۹ برای مثال، آیه‌ی ۹۳ سوره‌ی بقره: «واشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم»، توسط طبری و ابوالفتوح رازی چنین ترجمه شده است:

۱ «... و بخورائیدند اندر دل‌های ایشان گوساله به کافری ایشان (طبری).

۱ «... و بخور دادند در دل‌های ایشان گوساله به کفرشان (رازی).

در حالی که مفهوم آیه چنین است: «به سبب کفری که داشتند، دل‌هایشان با مهر پرستش گوساله سرشته و سیراب شد.»

۲. این شیوه‌ی ترجمه، در واقع به صیغه و ساختار عربی درآوردن کلمات فارسی است.^{۱۰}

۳. در این نوع ترجمه، برخی از مترجمان کوشیده‌اند تا کلمات وزین و زیبایی آیات را به لغات فارسی ترجمه کنند، غافل از این که توده‌ی مردم فارسی‌زبان، با مفهوم برخی کلمات عربی آشنا‌ترند تا به لغات فارسی منتخب آقایان؛ مانند ترجمه‌ی زیر:

براساس گونه‌ی انتقال مطالب از زبان مبدأ به زبان مقصد، به سه روش تقسیم می‌شوند. در این‌جا ترجمه‌ی تحت‌اللفظی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) ترجمه‌ی کلمه به کلمه (تحت‌اللفظی، حرفی یا همگون)

همان‌طور که می‌دانیم، نخستین روش در ترجمه‌ی قرآن، ترجمه کلمه به کلمه بوده است. در این شیوه، مترجم به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌هایی از زبان مقصد را جای‌گزین می‌کند. در این نوع ترجمه، دغدغه‌ی اصلی مترجم حفظ امانت است، یعنی مترجم حداکثر تلاش خود را به خرج می‌دهد تا در ترجمه چیزی اضافه یا کم نشود و همگی واژگان و حروف، دقیقاً همان‌گونه که در زبان مبدأ آمده است، به زبان دوم برگردان شود.^۷

باید متذکر شویم، این نوع ترجمه غالباً به دلیل نارسا بودن، نسبت به سایر انواع ترجمه از مقبولیت کمتری برخوردار است. علت اصلی پرداختن مترجمان به این شیوه دو مطلب بوده است: نخست، مترجمان مؤمن نمی‌خواستند از نص و الفاظ قرآن که مراد خدا بوده است، دور شوند. دوم این‌که صناعت ترجمه و شناخت زبان در حد ابتدایی بوده است. زرقانی و ذهبی درباره‌ی نارسایی و ابهام موجود در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی، آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی «اسری» را مطرح می‌سازند: «لاتجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوماً محسوراً.» ترجمه‌ی آیه‌ی مذکور چنین است: «نگردان دستت را بسته به گردنت و بازش نکن تمام باز.»

در ترجمه‌ی آیه‌ی مورد نظر، مراد گوینده وافی به مقصود نیست و مخاطب مراد الهی را نمی‌فهمد. در زبان عربی، «غل یدین» کنایه از بخل ورزیدن و «بسط یدین» کنایه از سخاوت است.

ترجمه‌های مرحوم مصباح‌زاد، معزی و بصیرالملک از این نوع هستند.



علی‌رغم امتیازات و نقاط قوت ترجمه‌ی محتوایی نسبت به سایر روش‌های ترجمه‌ی قرآن مهم‌ترین اشکال این نوع ترجمه عدم اهتمام مترجمان به دقایق و ظرایف لفظی، صرفی، بلاغی و نحوی است.

رشداً: ... که از بینشی که آموخته‌ای، به من نیز بیاموزی (خرمشاهی).
«... و الیه ترجعون»: و به سوی او بازگشت می‌یابند» (پاینده).

در این دو مثال، به اقتضای روش ترجمه، محتوای نکات نحوی و صرفی کلمات «علی علمت»، «رشداً» و «ترجعون» در ترجمه منعکس نشده و تنها به مفهوم آیه اکتفا شده است.

امتیازات و محاسن

برخی محاسن ترجمه‌ی قرآن به روش جمله به جمله یا محتوایی از این قرارند:

۱. حفظ خصوصیات لفظی زبان مبدأ در جمله‌سازی زبان مقصد (تا حد امکان).
۲. مخلوط نشدن اضافات تفسیری و توضیحات با متن اصلی. این موارد اضافی داخل کروشه یا پرانتز گذاشته می‌شوند یا به حاشیه، پاورقی یا پی‌نوشت می‌روند.
۳. رساندن پیام کلام از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون افراط و تفریط.
۴. دوری از اشکالات ترجمه‌ی تحت‌اللفظی و ترجمه‌ی آزاد تفسیری.

نقاط ضعف

علی‌رغم امتیازات و نقاط قوت ترجمه‌ی محتوایی نسبت به سایر روش‌های ترجمه‌ی قرآن، مهم‌ترین اشکال این نوع ترجمه، عدم اهتمام مترجمان به دقایق و ظرایف لفظی، صرفی، بلاغی و نحوی است.
با توجه به اشکالات شیوه‌های گذشته و با عنایت به امتیازات این روش، به نظر می‌رسد که مطلوب‌ترین شیوه‌ی ترجمه‌ی قرآن کریم همین روش است.

«ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه» [نساء/ ۳۱]: اگر از سهمگین‌ها آن چه از آن برحذر می‌شوید، دوری کنید (جلال‌الدین فارسی).

آقای جلال‌الدین فارسی، مفهوم گناهان کبیره را به «سهمگین‌ها» ترجمه کرده که برای عموم فارسی‌زبانان نامفهوم است.

۴. در این روش ترجمه، برخی کلمات عربی هم‌چون «دال» و «لقد» و مانند آن، معادل مناسب ندارند.^{۱۱}

۵. در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی، به کلمات کلیدی، محوری و جایگاه معانی توجه نمی‌شود و خواننده در معنای لغوی محصور می‌شود.

ب) ترجمه‌ی محتوایی

در این شیوه‌ی ترجمه که هسته به هسته، معنوی، امین، پایبند، و محتوا به محتوا نیز نامیده می‌شود، کوشش مترجم بر آن است که راهی میانه، میان افراط و تفریط را برود؛ یعنی نه ترجمه‌ی تحت‌اللفظی و نه شیوه‌ی آزاد. او می‌کوشد، پیام و هدف اصلی متن را برای مخاطب بیان کند.^{۱۲} هدف اساسی در این نوع ترجمه، انتقال معنا، محتوا و پیام متن و رعایت روان بودن و عامه‌فهم بودن متن مقصد است. به دیگر سخن، آن چه در ترجمه‌ی معنایی اهمیت نخست دارد، پیام و محتوای متن مبدأ و ساختارهای زبان مقصد است. در این نوع ترجمه و از نظر معنایی، معمولاً میان متن مقصد و متن مبدأ تعادل وجود دارد. اما از نظر زبانی، به‌ویژه دقایق و ظرایف لفظی، صرفی، بلاغی و نحوی، تعادل کامل و کافی برقرار نیست. ترجمه‌های آقایان خرمشاهی، خرمدل، فولادوند و پاینده، در زمره‌ی این نوع ترجمه هستند. برای مثال، آیه‌ی ۶۶ سوره‌ی «کهف» و آیه‌ی ۲۴۵ سوره‌ی «بقره»، از ترجمه‌های خرمشاهی و پاینده، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

«قال له موسی هل اتبعک علی ان تعلمن مما علمت

ج) ترجمه آزاد یا تفسیری

در این شیوه، مترجم همت خویش را صرف واضح کردن پیام کلام می‌کند و می‌کوشد به صورت کامل مضمون و معنای کلام را درک و در ذهن مجسم کند. در این روش می‌توان از هر جمله و کلمه‌ای که مناسب است، استفاده کرد تا مطلب به مخاطب القا شود؛ اگرچه حجم کلمات و جملات ترجمه با متن اصلی متناسب نباشد و کم یا زیاد شود. در این نوع ترجمه که اغلب مترجمان و اهل نظر آن را بدترین نوع ترجمه می‌دانند، انتقال پیام نویسنده در قالب ساختارهای زبان مقصد، تنها هدف مترجم است. نمونه‌ی این شیوه‌ی ترجمه را در ترجمه‌ی قرآن مرحوم فیض‌الاسلام، الهی قمشه‌ای و «معانی القرآن» بهبودی می‌توان مشاهده کرد.

برای ارائه‌ی نمونه‌ای از این روش، ترجمه‌ی آیات اول و دوم سوره‌ی «بقره» از فیض‌الاسلام را بیان می‌کنیم: «الم»، «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین»: رازی در میان خدا و پیامبر اکرم که بنا بر مصلحتی آشکار نگشته، و چون حق تعالی در سوره‌ی فاتحه دستور داد که بندگانش از او هدایت به صراط مستقیم را درخواست نمایند، در این جا مژده به روا شدن آن درخواست را داده به این که آن کتاب، قرآن کریم، پیامبران پیش خیر داده شده که بر تومی فرستیم و آنان به پیروان خود خبر دادند، شک و شبهه‌ای در آن نیست. چون خطا و اشتباه در آن راه ندارد و برای پرهیزکاران راهنمای درست و پرهیز از گمراهی است.

امتیازات و نقاط قوت

۱. رساندن پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد به صورت کامل و بدون دغدغه‌ی محدودیت الفاظ و کلمات.
۲. استفاده از اضافات تفسیری و توضیحات لازم برای روشن کردن معنای کلام برای مخاطب.
۳. مناسب بودن برای افرادی که خواستار فهم اجمالی و تفسیر همراه با ترجمه‌ی قرآن هستند.

اشکالات و نقاط ضعف

۱. افراط مترجم در توجه به پیام، گاهی موجب می‌شود تمام خصوصیات لفظی زبان مبدأ بازسازی شوند و نکات و مسائل ظریف و هنری از دست بروند.

۲. مخلوط شدن ترجمه با توضیحات اضافی و تفسیری، از اشکالات عمده‌ی این شیوه‌ی ترجمه است، به طوری که گاهی نمی‌توان سخن اصلی متن را از توضیحات مترجم تشخیص داد. این اشکال به وضوح در ترجمه‌ی فیض‌الاسلام و الهی قمشه‌ای آشکار است.^{۱۳}

۳. در این شیوه‌ی ترجمه، بسیاری از حروف و تأکیدها فدای پیام‌رسانی و سلامت عبارت می‌شوند و ترجمه نمی‌شوند، و یا ضمیر غایب به حاضر و جمع به مفرد یا برعکس تبدیل می‌شود.

۴. از خطراتی که ترجمه‌ی آزاد را تهدید می‌کند، خیانت در ترجمه است. زیرا ترجمه‌ی آزاد، بازآفرینی مجدد متن به شمار می‌آید که آن را مترجم به زبان خود بازآفریده است.

۵. در این گونه ترجمه، در حقیقت مترجم فهم خود را از مطلب به مخاطب ارائه می‌کند. یعنی حاصل ترجمه، آینه‌ای است که فهم مترجم را از پیام اصلی منعکس می‌کند. از این رو نمی‌توان به این ترجمه اطمینان کرد، چرا که ممکن است فهم مترجم به خطا رفته باشد.^{۱۴} برای مثال، آقای مجد در ترجمه‌ی منظوم خویش از قرآن، در ترجمه‌ی آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی «بقره»: «واقیموا الصلوة واتوا الزکوة و ارکعوا مع الراقعین»، آورده است:

به همراه مردان ایزدشناس
بدارید حق را ثنا و سپاس

ترجمه‌ی «راقعین» به «ایزدشناس» ترجمه‌ی صحیحی نیست، زیرا مراد آیه طبق نظر اکثر مفسران، توصیه به شرکت در نماز جماعت است.^{۱۵}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



در زمینه‌ی روش‌های ترجمه‌ی قرآن کریم باید بگوییم: از همان قرن چهارم که ترجمه به زبان فارسی رواج پیدا کرد، تاکنون مترجمان هرکدام روشی را طبق ذوق و سلیقه‌ی خود انتخاب کرده‌اند. تقریباً تمام ترجمه‌های کهن به شیوه‌ی تحت‌اللفظی انجام شده‌اند. تلاش مترجمان آن دوران بر این بوده است که هیچ واژه و حرفی از قرآن در ترجمه فروگذار نشود و آن را به‌عنوان حفظ امانت، در ترجمه‌ی خود منعکس سازند. اما چنین ترجمه‌هایی آن‌گونه که باید و شاید مورد استفاده‌ی همگان قرار نمی‌گیرند. به هر صورت، کمتر مترجمی را در میان آنان می‌توان یافت که درصدد بهره‌گیری از توانایی‌های نحوی و ساختارهای زبان فارسی و پیاده کردن آن‌ها در ترجمه‌ی خود برآمده باشد. به‌عبارت دیگر، اتم و هسته‌ی اولیه ترجمه‌ی قرآن نزد آنان، نه جملات و عبارات، بلکه واژگان مفرد بوده است. صرف‌نظر از غنای واژگانی باید اعتراف کنیم که ترجمه‌های کهن، هر چند از نظر قالب و ساختار کلام، تحت‌اللفظی‌اند، اما بسیاری از آن‌ها در مقایسه با بسیاری از ترجمه‌های معاصر، از دقت و اتقان بیشتری برخوردارند.


در دوران معاصر، مترجمان اهتمام بر آن دارند، ترجمه‌ای از قرآن ارائه دهند که مطابق نثر معیار و برای عموم مردم قابل فهم باشد. لذا اغلب مترجمان قرآن را به شیوه‌ی تفسیری یا هسته به هسته ترجمه کرده‌اند که با تمام سعی و تلاش‌ها و رعایت نکات و اصول مربوط به ترجمه، باز مشاهده می‌کنیم که همواره اشکال و ایرادی در این ترجمه‌ها موجود است. به هر حال، علی‌رغم همه‌ی اشکالات، به نظر می‌رسد که محاسن و امتیازات روش ترجمه‌ی قرآن به‌صورت محتوایی یا جمله به جمله بیشتر است.

پی‌نوشت

۷. مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: پی‌نوشت مترجم.
۸. رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۹.
۹. ترجمان وحی، شماره‌ی ۲: ۱۰.
۱۰. مجتبیوی، ۱۳۷۲: ۳۶، با اندکی تصرف.
۱۱. بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ج: ۱: ۲۳۹.
۱۲. رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴: ۵۲۲.
۱۳. معرفت، ۱۳۸۰، ج: ۱: ۱۲۰.
۱۴. بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ج: ۱، ص ۲۶۵.
۱۵. فیض کاشانی، ۱۳۶۹ هـ.ق، ج: ۱: ۱۲۵؛ طبرسی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ج: ۱: ۱۵۵.

منابع

۱. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. قرآن ناطق. فرهنگ اسلامی. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۶.
۲. ترجمان وحی، شماره‌ی ۲، وابسته به معاونت امور فرهنگی اوقاف.
۳. رضایی اصفهانی، محمد. منطق ترجمه‌ی قرآن. مرکز جهانی علوم اسلامی. چاپ اول. ۱۳۸۴.
۴. صفازاده، طاهره. اصول و مبانی ترجمه. همراه. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۳.
۵. طبرسی، فضل‌بن حسن. مجمع‌البیان. دار احیاء التراث العربی. بیروت. چاپ اول. ۱۴۰۶ هـ.ق.
۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. طبقات مفسران شیعه. بخشایش. قم. چاپ اول. ۱۳۷۱.
۷. عاملی، محمد بهاء‌الدین. کشکول. [بی‌نا]. چاپ اول. ۱۳۷۷.
۸. فیض کاشانی، محسن. تفسیر صافی. الاعلمی. بیروت. چاپ اول. ۱۳۶۹ هـ.ق.
۹. فیض‌الاسلام، علی‌نقی. ترجمه‌ی قرآن. مترجم. تهران. چاپ اول. ۱۳۴۸.
۱۰. معرفت، محمدهادی. التفسیر و المفسرون. التمهید. قم. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۱۱. مجد، امید. ترجمه‌ی قرآن. کتیبه. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۶.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. ترجمه‌ی قرآن. دارالقرآن الکریم. قم. چاپ دوم. ۱۳۷۳.
۱۳. مجتبیوی، سید جلال‌الدین. ویژه‌نامه‌ی مباحث قرآن. مجله‌ی مترجم. وابسته به بنیاد پژوهش‌های قدس رضوی. شماره‌ی ۱۰. تابستان ۱۳۷۲.
۱۴. ساعدی، کاظم. درامدی بر اصول و روش ترجمه. مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه. دانشگاه تبریز. چاپ اول. ۱۳۶۹.
۱۵. فیض‌الاسلام، یادگارنامه. دانشگاه آزاد خمینی‌شهر. چاپ اول. ۱۳۸۳.



نقد و بررسی کتاب‌های درسی دینی و قرآن متوسطه از منظر نیازهای زندگی دانش‌آموزان

فاطمه سادات میر عارفین
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

مقدمه

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان است. حال که نمی‌توان مانع تغییرات و پیچیدگی‌های جامعه و گسترش روابط اجتماعی و بین‌فردی افراد شد، راهی جز آماده کردن نسل نوحاسته برای روبه‌رو شدن با موقعیت‌های دشوار زندگی جدید باقی نمی‌ماند. از این‌رو آموزش می‌تواند به کسب مهارت‌های زندگی، جامه‌ی عمل بیوشاند^۱.

از سوی دیگر، قرآن به عنوان سندی الهی، برای هدایت بشر فرستاده شد تا در مسیر زندگی از کجروی‌ها و رفتارهای

امروزه آموزش مهارت‌های زندگی^۱ با هدف تعمیق باورها و رفتارهای دینی، قرآنی، شامل اعتقادات، عبادات و احکام اسلامی، تقویت مهارت اجتماعی زندگی و جامعه‌پذیر کردن نوجوانان و جوانان (مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی، سازگاری و غیره) تقویت مهارت‌های زندگی فردی (تصمیم‌گیری، خلاقیت و تصمیم‌گیری، پژوهشگری و...) تقویت روحیه‌ی علاقه‌مند شدن به جلوه‌های هستی، طبیعت و محیط‌زیست توأم با گسترش شادابی و نشاط در زندگی افراد، مورد تأکید

نامعقول، خواسته و ناخواسته پرهیز کند و به فلاح و رستگاری ابدی نائل آید. اما برای آن که انسان بتواند از رهنمودهای عالی قرآن بهره‌مند شود و آن‌ها را در زندگی به کار بندد، نیازمند تبیین، تفسیر و روشنگری آیات از سوی متخصصان این حوزه است. در این مسیر، الگوهای گفتاری و رفتاری پیامبر و ائمه (صلوات‌الله‌علیهم) نیز در سعادت‌مندی و کمال بشر، مصداق‌هایی از تعالیم قرآن محسوب می‌شوند. کتاب‌های «دینی و قرآن» دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، از جمله منابعی هستند که براساس تلفیق مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی، شیوه‌ی تازه‌ای را در ارائه‌ی محتوا، یادگیری و پاسخ‌گویی به شبهات و تأمین نیازهای زندگی جوانان و نوجوانان در این مرحله سنی، از بُعد دینی، پیش‌رو قرار داده‌اند. یکی از اهداف بسیار مهم و اساسی در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی و قرآنی دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، «راه زندگی» (اخلاق، اعمال و آداب) نام دارد که مؤلفه‌های آن در پژوهشی و از طریق پرسش‌نامه‌ی باز پاسخ و مصاحبه، مورد نقد و بررسی ۳۱ نفر از دبیران مجرب و دانش‌آموزان آن‌ها، قرار گرفته است. هدف پژوهش، شناسایی آسیب‌های احتمالی ناشی از کاستی‌ها و ضعف‌های طراحی برنامه در این بخش به منظور بهبود آن‌ها، و نیز سایر نیازها در این حوزه بوده است. لذا در این مطالعه، از طریق این سؤال که: «آیا کتاب‌های درسی دینی و قرآن دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، نیازهای دانش‌آموزان را در خصوص برنامه‌ی زندگی تأمین می‌کنند؟» به بحث در خصوص نیازهای دینی دانش‌آموزان به پشتوانه‌ی کتاب‌های درسی دینی و قرآن پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به دلیل حجیم بودن مطالب، به‌طور اجمال به ارائه‌ی برخی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود که میزان حضور محورهای موردنظر در کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی در ارتباط با «هدف راه زندگی: اخلاق، اعمال و آداب» و نیز میزان پرداختن به نیازهای دانش‌آموزان از بعد زندگی دینی را، در مقام تأیید یا انتقاد و اصلاح، مورد بررسی قرار داده‌اند.^۲ شایان ذکر است که اطلاعات ارائه شده در این بخش مبتنی بر نقل قول‌های

سال اول

دیدگاه‌های دبیران

● کتاب با استفاده از شعر، بیان شناسایی برترین کمال، و شناخت صفات نیکوی خداوند و راه‌های شناخت خداوند، باورها و گرایش‌های دینی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند، اما در حوزه‌ی عمل و رفتار، دانش‌آموزان را به رفتار عملی وادار نمی‌کند.

● برای درس «در حضور دوست» آیات بسیار جالبی انتخاب شده‌اند، لیکن ارائه‌ی تمام توضیحات به‌عهده‌ی معلم است. اگر هر درس به شکل کامل طراحی شود و مثلاً علاوه بر آشنایی با نماز، مصداق اتم آن و نیز احکام مربوط در یک درس به‌طور جامع آورده شود، نیاز دانش‌آموزان بهتر تأمین می‌شود.

● احکامی که در صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱ آمده‌اند، در بعد رفتار و عمل دانش‌آموزان بسیار خوب و راهگشا هستند. بهتر بود متناسب با بحث احکام، راجع به نوع پوشش، نماز، مقدمات نماز و واجبات و مستحبات نماز، مسائل و احکام بیشتری مطرح شوند.

● بهتر است به طرح احادیث و روایاتی در خصوص پاداش دنیوی و اخروی، تلاوت قرآن و معیارهای دوست خوب اشاره شود، و هم‌چنین نمونه‌ی عینی از دوستی دو نفر از انسان‌های بزرگ که تأثیرگذار بوده‌اند، ارائه شود.

● متأسفانه در کتاب به میزان رابطه‌ی دختر و پسر اشاره‌ای نشده است، در حالی که ضرورت این موضوع به‌ویژه در حال حاضر بسیار احساس می‌شود.

● درس «در پیشگاه نور»، موضوع شناخت خود و ایجاد آمادگی در اندیشه و قلب را در قالب آیات انتخاب شده، بسیار خوب بیان کرده است. بهتر بود در کنار آیات، تفسیر کوتاه، داستان، مثل یا شأن نزول آیات هم مطرح می‌شد.

● در درس «صفات خدا در کلام خدا»، در بحث «اندیشه و تحقیق»، تا حدودی ابعاد عملی و آدابی در نظر گرفته شده‌اند، اما قسمت مقدمه و نتیجه‌ی آن دربرگیرنده نیازهای دانش‌آموزان نیست. لذا بهتر است دعا‌های صحیفه‌ی سجادیه در قالب زیبایی برای تقویت بُعد عملی و آدابی بیان شوند.

دانش آموز آمادگی رویارویی و برخورد فکری و عملی مناسب را در مواجهه با این شبهات به دست آورد.

دیدگاه‌های دانش آموزان

• راه‌های تقویت ایمان که در کتاب آمده‌اند، بسیار آموزنده‌اند و برای رسیدن به کمال و سعادت، کمک بسیاری به ما می‌کنند.

• فهمیدیم که نماز یکی از ارکان اساسی اسلام و دین است و کسی که مسلمان است، باید نماز خود را در صدر همه‌ی

• مطالب درس «قدم در وادی امن» به‌منظور تحصیل ایمان مفید و پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموزان هستند. البته آیات انتخاب شده برای ترجمه در پایه‌ی اول دشوارند.

• توجه به راه‌های تقویت ایمان و توضیحات درس، به خوبی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای دانش‌آموزان باشد و همه‌ی ابعاد و مؤلفه‌های هدف زندگی را دربرگیرد. به‌خصوص دعای صفحه‌ی ۶۴، به بُعد عملی بهتر پرداخته است.

• درس «عزم خوب زیستن» از حیث مطالب عزم و مراحل آن، پربار و گویاست، لیکن در شناخت احکام و اعمال برای رسیدن به هدف، مثال‌هایی هم باید ارائه می‌شد یا در قالب فعالیت، از دانش‌آموزان خواسته می‌شد مثال‌هایی را ذکر کنند.

• درس «کتاب زندگی» یکی از زیباترین و در عین حال، مؤثرترین درس‌هاست. دقیقاً هدف درس را پوشش داده و قرآن بسیار خوب و مناسب معرفی شده است.

• از حکمت اذان و اقامه، به جز اندکی، آن هم به شکل غیرمستقیم در صفحات ۱۲۶ و ۱۲۷، چیزی ذکر نشده است، اما ضروری به‌نظر می‌رسد. جای بسیاری از احکام نماز که در صحت آن دخیل‌اند، خالی است. بهتر بود رساله‌ی عملیه یا توضیح‌المسائل و مسئله‌ی تقلید به‌جای این درس، در درس «آیین رهروی» ارائه می‌شد.

پیام به برنامه‌ریزان و مؤلفان

• بسیاری از معلمان، کتاب راهنما ندارند و متأسفانه آموزش ضمن خدمت استمرار ندارد. بسیاری از معلمان آموزش ندیده‌اند و بدون آموزش به تدریس کتاب می‌پردازند.

• با توجه مشکلاتی که بین نسل جوان عصر کنونی و نسل قبل از خود، یعنی والدین وجود دارد، بهتر است در خصوص حقوق و روابط بین فرزندان و نیز چگونگی برقراری یک ارتباط سالم بین آنان، با استفاده از آیات قرآن از جمله سوره‌ی لقمان و... مطالب موردنیاز دانش‌آموزان در یک یا دو درس گنجانده شود. هم‌چنین، از رفتار و سیره‌ی ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) در خصوص روابط خانوادگی توأم با احترام، محبت و صمیمیت، داستان‌های واقعی به‌منظور آماده‌سازی دانش‌آموزان برای یک زندگی سالم دینی، مباحثی طرح گردد.

• در عصر حاضر دانش‌آموزان در معرض انواع شبهات قرار دارند. بهتر است مطالب درسی به گونه‌ای طراحی شوند که

متأسفانه در کتاب به
میزان رابطی دختر و پسر
اشاره‌ای نشده است. در حالی
که ضرورت این موضوع به‌ویژه
در حال حاضر بسیار
احساس می‌شود.

کارها قرار دهد و در انجام آن کوتاهی نکنیم.

• یکی از مباحث مهمی که خوش‌بختانه در کتاب به آن توجه شده، ویژگی‌های دوستان خوب و مورد اعتماد است. با این ویژگی‌ها آشنا شدیم و مؤلفه‌های انتخاب دوست را در زندگی خود به کار بستیم. دوست نقش زیادی در شکل‌گیری اخلاق و رفتار طرف مقابل دارد و بسیار تأثیرگذار است.

پیام به برنامه‌ریزان و مؤلفان

این همه توجه و بیان، نتوانسته است کاملاً بر تهاجم فرهنگ غربی غلبه کند. از این رو، اثرات آن بسیار محدود دیده می‌شود.

- درس «روزنه‌های خطا»، با توجه به متن خوب و زیبا و آیاتی که در هماهنگی با متن انتخاب شده‌اند، دانش‌آموزان را به وادی تفکر و اندیشه می‌برد و نمونه‌های عینی آن‌ها را در زندگی خود و دیگران و هر جامعه‌ای احساس می‌کنند. هم‌چنین، راه‌های مبارزه با آن‌ها، همان تقویت سرمایه‌های رشد و در مسیر درست اسلام قرار گرفتن است.
- درس «کار، گوهر زندگی»، به کمک آیات و روایات انتخاب شده، نگرش تازه‌ای به دانش‌آموز می‌دهد که می‌تواند رابطه‌ی وی را با خود، دیگران و خدا، اصلاح کند و ارتقا بخشد.
- مباحث درس «کار در نظام اقتصادی» قابل توجه دانش‌آموزان بود، به‌ویژه زکات، خمس و مالیات، اما از انفاق مستحب سخنی گفته نشده است.

پیام به برنامه‌ریزان و مؤلفان

- حتماً احکام موسیقی ذکر شود تا دانش‌آموزان با راه‌های شناسایی موسیقی‌های غیرمجاز و مجاز که امروزه جزو مسائل مهم است، آشنا شوند.
- کتاب پایه‌ی دوم در ارتباط با اهداف راه زندگی، خوب و جامع است و مسائل قابل درک و نیاز دانش‌آموزان را دارد، اما چنانچه انتهای دروس، از حکایات بزرگان، نامه‌ها و خطبه‌های نهج‌البلاغه و دعا‌های صحیفه‌ی سجاده‌ی استفاده شود، کامل‌تر خواهد شد.
- تنها موضوعی که مورد غفلت قرار گرفته، احکام موردنیاز دانش‌آموزان است. آوردن چند نمونه احکام مربوط به خمس و زکات، روابط دختر و پسر، اشتغال زنان و مباحث مربوط به خانواده بسیار ضروری است.

دیدگاه‌های دانش‌آموزان

- با موضوع عشق و علاقه و محبت به خدا و دوستانش آشنا شدیم و نتایج آن را در پیشرفت و تکامل همه‌ی مراحل زندگی‌مان رؤیت کردیم. در رفتار، کردار، اخلاق و... اثر بسزایی داشت و باعث شد که به خدا نزدیک‌تر شویم. تعهدات دینی‌مان استوارتر شد، ما را از افسردگی و ترس بیرون آورد و به ما نشاط و شجاعت بخشید.
- آموختیم آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، از

- در جمع مؤلفان باید افرادی حضور داشته باشند که بر امور و مسائل دینی تسلط کافی داشته باشند و بتوانند مسائل را به خوبی و برای درک بیشتر، تفسیر کنند.
- مطالب بسیار عالی است. در صورت امکان از مطالب تکراری پرهیز شود و مطالب را با توجه به نیاز دانش‌آموزان بنویسند.
- از تمام مؤلفان کتاب دین و زندگی متشکریم که این کتاب مفید و باارزش را در اختیار ما قرار دادند تا با مطالب دینی و شرعی آشنا شویم.
- خواهشمندیم در این کتاب مطالب جذاب، متنوع و جدید درج شود. در این کتاب هیچ داستانی درباره‌ی زندگی ائمه و پیامبران نیامده است که الگوی ما قرار بگیرند.

سال دوم

دیدگاه‌های دبیران

- دو فرع مهم دین، یعنی تولی و تبری، فقط در دو صفحه گنجانده شده‌اند، آن هم بسیار محدود. بهتر است در درس‌های آراستگی، حجاب و کار، این ارتباط به‌طور واضح برقرار شود. می‌توان موضوع دوستی با دوستان خدا و دوری از دشمنان را، با ارائه‌ی نمونه‌های عملی و عینی در جامعه، بهتر تبیین کرد.
- برداشت از آیات، یکی از مباحث جالبی است که در کتاب مشاهده می‌شود. می‌توان بهای بیشتری به آن داد و مسائل ریز و ظریف قرآنی را مطرح کرد تا مسئله‌ی اعجاز قرآن، ملموس و روشن شود.
- متأسفانه احکام مربوط به موسیقی در هیچ مبحثی بیان نشده‌اند، در حالی که مسئله‌ی مبتلابه دانش‌آموزان و حتی دبیران است. باید فتواهای مختلف مجتهدین در مبحث احکام موسیقی گنجانده شود، زیرا دانش‌آموزان در این زمینه سؤالات متعددی دارند؛ از جمله این که چرا موسیقی، آرامش‌ظاهری دارد - در خیال‌ظاهری آنان - اما اسلام می‌گوید حرام است. بهتر است ضرر و زیان‌های آن، همراه با دلیل، ذکر شود.
- بحث امر به معروف و نهی از منکر بسیار جالب و زیبا بیان شده است؛ به‌خصوص بعضی از فرمایشات معصومین (علیهم‌السلام) درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر که محصلان را شگفت‌زده می‌کند.
- به مباحث حجاب و آثار آن به‌طور کامل پرداخته‌اند، اما متأسفانه

هرچه ضد خداست، بیزار است. به همین دلیل ما که شکرگزار خداییم و عاشق او هستیم. از همه دشمنان خدا بیزاریم و از باطل دوری می‌کنیم، زیرا دینداری و عشق به خدا، تنفر از باطل و دشمنان خدا را به دنبال دارد.

• کتاب در مورد شیوه‌های تفکر توضیح کاملی نداده است تا ما بتوانیم به‌طور کامل در آیات تفکر کنیم. پس باید در یکی از درس‌ها درباره‌ی شیوه‌های آن توضیح داده شود.

• با احکام مربوط به موسیقی آشنا نشدیم و آن را یک نیاز می‌دانیم.

• راه‌های درست امر به معروف و نهی از منکر را یاد گرفتیم. قبلاً وقتی می‌خواستیم کسی را نصیحت کنیم، نمی‌دانستیم به چه صورتی آن را بیان کنیم. اکثر اوقات با پرخاشگری این کار را انجام می‌دادیم، اما حالا متوجه شده‌ایم که چگونه آن را بیان کنیم.

• راه‌های درست امر به معروف و نهی از منکر را یاد گرفتیم. قبلاً وقتی می‌خواستیم کسی را نصیحت کنیم، نمی‌دانستیم به چه صورتی آن را بیان کنیم. اکثر اوقات با پرخاشگری این کار را انجام می‌دادیم، اما حالا متوجه شده‌ایم که چگونه آن را بیان کنیم.

• با کم کردن حجم کتاب، دانش‌آموزان را در یادگیری هرچه بهتر درس‌ها، یاری کنید.

سال سوم

دیدگاه‌های دبیران

• در کتاب جدید، مبحث روزه و احکام نداریم. اصلاً بحث احکام عملی در این کتاب حتی به‌صورت غیرمستقیم هم نیامده است.

• در درس «در انتظار طلوع»، بخش «برای مطالعه»، صفحه‌ی ۱۵۸، استفاده‌ی دشمن از ابزارهای ارتباطی، صوتی، تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره،

پیام به برنامه‌ریزان و مؤلفان

• احکام مربوط به موسیقی را بیان کنید، چون در جامعه‌ی امروزی، گوش دادن به موسیقی، بسیار رواج پیدا کرده است و در کتاب هم در رابطه با این موضوع، هیچ مطلبی عنوان نشده است.

• درباره‌ی دفاع از جامعه‌ی اسلامی و ارزش‌های آن، توضیحات گسترده‌تری ارائه کنید، زیرا در زمان حاضر تهاجمات فرهنگی و تبلیغات سوء دشمنان اسلام این دین خدا، افزایش یافته است و نقطه‌ی تمرکز این تهاجمات و تبلیغات، بیشتر جوانان و نوجوانان هستند. نوجوان مسلمان نیازمند کسب آگاهی



اینترنت و... به منظور جهانی سازی که خود می‌خواهد، به‌طور مستقیم در کتاب نیامده است. در حالی که با توجه به عصر ارتباطات، شایسته است که در کتاب جایی برای آن باز کرد تا به این شکل جوانانی را که مبتلابه هستند، در مسیر درستی هدایت کند. بسیاری از جوانان برای پر کردن اوقات بی‌کاری به این امور روی می‌آورند. پس فرصت بسیار مناسبی است تا در سیاست‌های تألیف کتاب، برنامه‌ریزان و مؤلفان در این زمینه به‌طور جدی کاری انجام دهند.

• درس «هدایت مستمر» نسبت به درس‌های دیگر، خوب بیان شده، اما جای مثال خالی است. برای مثال در بحث عدم تحریف قرآن، خوب بود به گوشه‌ای از دلایل اشاره می‌شد و در باب اعجاز، از معجزات دیگر رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز یاد می‌شد.

• قسمت بیان معجزه‌هایی از پیامبران دیگر و مقایسه‌ی آن‌ها با قرآن، بسیار مطلوب است و دانش‌آموز به این نکته بسیار عمیق می‌اندیشد. بهتر است تعدادی از مشخصه‌ها و ویژگی‌های قرآن بیان شود و کتاب قدری به ویژگی‌های ظاهری خود قرآن بپردازد. حتی می‌تواند از داستان‌های کوتاه قرآنی استفاده کند.

• در درس «وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه» (علیهم‌السلام) دانش‌آموز می‌فهمد که عدم پذیرش ولایت ائمه (علیهم‌السلام) چه مشکلات و مسائلی را برای مسلمانان، چه در حوزه‌های داخلی و چه در حوزه‌های بیرونی - بین‌المللی - ایجاد کرد. در واقع، آشنایی با سرگذشت پیشینیان، درسی است برای تکرار نکردن اشتباهات آن‌ها در زندگی فعلی خود.

• مهم‌ترین پیام درس هشتم، «حیای ارزش‌های راستین» این است که در راه زندگی باید ائمه (علیهم‌السلام) را به‌عنوان الگو و اسوه بپذیریم و از روش آن‌ها در همه‌ی دوران‌ها استفاده کنیم. اگر لازم است تقیه کنیم، اگر لازم است بجنگیم و جهاد کنیم، و اگر لازم است، صلح کنیم.

• در درس «خورشید پنهان» می‌توان علت غیبت را با مثال‌های بیشتری توضیح داد. حتی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که قبلاً نیز برای آشنایی مردم، خداوند در ارتباط با اصحاب کهف چنین عملی را داشته است.

• ویژگی‌های یاران امام (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) به خوبی بیان شده‌اند و دانش‌آموز سعی در به‌دست آوردن آن‌ها می‌کند

و در ارتباط با خود به اهداف موردنظر نائل می‌آید.

پیام به برنامه‌ریزان و مؤلفان

• در بخش ولایت فقیه، اختیارات ولی فقیه، حد اطاعت از ولی فقیه و دلایل اطاعت از ایشان مطرح شود.

• در بخش امام زمان (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف)، کرامات ایشان و شخصیت‌های برجسته و وقایع تاریخی مطرح شوند. از وظایف منتظر راستین و وظایف ما در عصر حاضر نیز بحث شود.

• در آخر هر درس، یک مورد از احکام روز با عنوان جالبی که دانش‌آموز را جذب کند، آورده شود تا معلم چند دقیقه‌ای در مورد آن صحبت کند.

• با این که تلفیق درس‌های دینی و قرآن نتایج خوبی داشته است، اما هنوز هم درس قرآن برای دانش‌آموز جذاب نیست. لازم است در این مورد فعالیت بیشتری انجام گیرد و آموزش‌های لازم به معلمان دینی داده شود.

• اغلب دانش‌آموزان از سنگین و سخت بودن مطالب دینی و قرآن شکایت می‌کنند.

دیدگاه‌های دانش‌آموزان

• در کتاب دینی و قرآن ۳، اصلاً به موضوع روزه پرداخته نشده است؛ با این که دانش‌آموزان هر سال با این مسئله روبه‌رو هستند و سؤالات زیادی متناسب با مسائل روز، برایشان مطرح می‌شود.

• با درک درس اول، فهمیدیم که با درک هدف زندگی، درک درست از آینده‌ی خویش و احساس آرامش و رضایت از زندگی و شکوفایی استعدادها و زندگی، در یک جامعه‌ی عدالت‌جو می‌توانیم به خوبی برنامه‌ریزی کنیم و طبق آن، زندگی و آینده‌ی خویش را تضمین کنیم.

• سدی به نام کنکور، تعیین‌کننده‌ی آینده‌ی زندگی است. این کتاب، بیشتر جنبه‌ی علمی دارد تا عملی.

• در کتاب صحبت زیادی از بهره‌مندی درست از اوقات فراغت به میان نیامده است، ولی انسان با وجود دو نفس: خودِ عالی و خودِ دانی که تحریک‌کننده و بازدارنده‌ی تمایلات هستند، می‌تواند با پاسخ‌گویی به خودِ عالی، راه‌های مناسب‌تری را برای اوقات فراغت انتخاب کند.

• در مورد وظایف زن و مرد در قبال یکدیگر صحبتی نشده

است. در مورد حجاب زن در هر کتابی ذکر شده، اما در مورد حجاب مرد، کمتر گفته شده است که باید بیشتر در مورد این مسئله صحبت شود.

• کتاب، زمینه‌های تشکیل خانواده را عنوان کرده است. فهمیدیم که نظر اسلام در مورد خانواده‌ی خوب چیست و چگونه باید به این ویژگی رسید، اما اگر جزئی‌تر اشاره شود، بهتر است. هم‌چنین اگر از افراد موفق زمان خودمان مثال زده شود، مفید خواهد بود.

• در سه درس آخر، خیلی کامل در مورد انتخاب همسر توضیح داده شده است، اما بهتر است نیازها و مشکلات زمان ما جزئی‌تر بیان شوند.

و متن کتاب را نه برای حفظ، بلکه برای فهم و کاربرد در زندگی بنویسند.

• کتاب دینی و قرآن برای برطرف کردن نیازهای قدیم است و مؤلفان باید با تفسیر و تحلیل دوباره این کتاب، به نیازهای نسل جوان پاسخ بدهند.

• نقش دین را در زندگی ما به‌طور عینی نشان دهند.

• محتوای کتاب دینی و قرآن ۳، از نظر مفهوم در سطح بسیار بالا و خوبی است، اما اگر حجم کتاب کم‌تر شود، به علاقه‌ی بیشتر دانش‌آموزان می‌انجامد.

پیش‌دانشگاهی

دیدگاه‌های دبیران

• درس «بازگشت» راه خلاصی از اثرات سوء اعمال را به‌عنوان توبه بیان می‌کند. با این مقدمه، به راحتی دانش‌آموز را به وادی توبه و اثرات آن در زندگی فردی و اجتماعی می‌برد و ضمن آشنایی با حقیقت توبه و تعریف آن، از آیات و احادیث کمک می‌گیرد و مراحل آن را بیان می‌کند.

• درس «عصر شکوفایی»، راه دستیابی به تعالی و کمال بشری، و راه کسب علم و تفکر و تعقل را معرفی می‌کند و ارتباط آن‌ها را به‌طور مناسب مطرح می‌سازد. به‌علاوه، احساس اقتدار، افتخار و درک هویت اسلامی را، با برداشت منصفانه از سابقه‌ی درخشان مسلمین در حوزه‌های گوناگون زندگی، در دانش‌آموز به‌وجود می‌آورد. متأسفانه بسیاری از مباحث و اطلاعات مفید مربوط به این بخش، در قسمت «برای مطالعه» درج شده و ناگفته باقی مانده‌اند، در حالی که بیان آن‌ها تأثیر زیادی دارد.

• درس «در مسیر اخلاص» بسیار خوب توانسته است نیاز دانش‌آموزان را تأمین کند، اما آوردن مثال‌های عینی، خصوصاً در عصر حاضر - با وجود شهدا و رزمندگان - می‌توانست بسیار کارسازتر باشد. دروس باید با موقعیت زمانی و مکانی دانش‌آموزان هماهنگ باشند و راه‌حل‌های عملی ارائه دهند.

• بخش دوم کتاب از نظر ملموس بودن، برای دانش‌آموزان بسیار تأثیرگذار است و توانسته تا حد خوبی دانش‌آموزان را به تفکر وادارد. معیارهای متعالی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بسیار خوب بیان شده‌اند، اما جای مثال‌های مناسب خالی است.

پیام به برنامه‌ریزان و مؤلفان

• در مورد احکام زندگی هیچ سخنی نقل نشده است.

• درباره‌ی امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) بیشتر بنویسید، زیرا موضوعات بیشتری درباره‌ی ایشان وجود دارد که باید گفته شود.

• در خصوص ولایت فقیه، مطالب بیشتری مطرح کنید، به این دلیل که توضیح جامع و کاملی ارائه نشده است.

• باید معیارهای ازدواج را در کتاب دینی و قرآن اول دبیرستان توضیح دهند، چون بیشتر دخترانی که در چنین سنی هستند، افکار روشنی ندارند و هنوز معیارهای ازدواج را نمی‌دانند و گمراه می‌شوند.

• در مورد مسائل جدیدی که در زمان گذشته مطرح نبوده‌اند، توضیح دهید؛ مانند نماز در هواپیما که در کتاب به آن اشاره شده، ولی حکمی در مورد آن بیان نشده است.

• درسی برای راهنمایی بیشتر دانش‌آموزان در مورد عواقب دنیوی و اخروی آزار و اذیت مردم مورد نیاز است. برای مثال در مراسم سنتی، مانند چهارشنبه‌ی آخر سال و شب میلاد حضرت صاحب‌الزمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، تمامی خیابان‌ها و معابر در سطح شهر، مملو از جمعیت و به‌خصوص مواد منفجره است که استفاده از آن‌ها، هم موجب آزار و اذیت مردم و هم موجب آزرده خاطر شدن آن حضرت می‌شود. مسئولین باید با اضافه کردن چنین درسی به راهنمایی بیشتر دانش‌آموزان بپردازند.

• هنگام تألیف کتاب، خود را به‌جای دانش‌آموزان قرار دهند

- درس «تمدن جدید» یکی از بهترین دروس کتاب است و تأثیر خوبی بر افکار دانش‌آموزان دارد. تمدن‌های سه‌گانه‌ی اروپایی و ارزیابی منصفانه‌ی کتاب از تمدن جدید، توانسته است، ذهنیت دانش‌آموزان را نسبت به تمدن جدید و آثار و پیامدهای آن تغییر دهد و پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای آن‌ها باشد.
- در درس «برنامه‌ای برای فردا»، به حوزه‌های اول و دوم بسیار مختصر پرداخته شده است که پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموز به‌منظور برنامه‌ریزی نیست. در حوزه‌ی سوم نیز قدم اول، بسیار

- ارتباط بین نتایج حاصل با عمق باورها، زمینه‌ی گرایش به این قلمرو را ایجاد می‌کند. در واقع، لازم است آشنایی اولیه‌ی فراگیران، تعمیق یابد و به باور برسد و آن‌گاه با بیان الگوهای رفتاری، انگیزه‌ی عمل در آنان تقویت شود.
- جای مباحث عینی در کتاب خالی است.
- به‌طور کلی از احادیث یا سنت و سیره کم استفاده شده است.

- بخش «مقایسه» در صفحه‌ی ۱۱۷، پاسخ‌گوی بخشی از نیازها و شبهات جامعه‌ی کنونی و سؤالات و ابهامات ذهنی دانش‌آموز است. لذا ترجیح دارد دانش‌آموز با فرقه‌های انحرافی و ضالّه که تبلیغات زیادی در جذب جوانان و نوجوانان مسلمان دارند، آشنا شود تا بتواند در زندگی فردی و اجتماعی خویش، برخورد و رفتار محکم و درستی در قبال آن‌ها داشته باشد.
- به‌نظر می‌رسد کنکور، تمام ذهن دانش‌آموز را فرا گرفته است و کتاب دینی و قرآن پیش‌دانشگاهی در هاله‌ای از ابر قرار دارد. کنکور هرگز اجازه نمی‌دهد که معارف بدرخشند. در این خصوص، برنامه‌ریزان، باید راهکاری در نظر بگیرند.

دیدگاه‌های دانش‌آموزان

- به‌صورت کلی با توبه آشنا شدیم، ولی دوست داریم در این باره داستان‌ها و موفقیت‌های توبه‌کنندگان را بدانیم و راه عملی آن را یاد بگیریم.
- ما همیشه فکر می‌کنیم، ولی چگونه فکر کردن را بیشتر از خانواده یاد می‌گیریم، نه از کتاب. در بخش اختیار انسان، موضوع فکر به‌طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته و فقط در بعضی از آیات به آن اشاره شده است و چیزی بیشتر دیده نمی‌شود. در صورتی که سرمنشأ همه‌ی پیشرفت‌ها، تفکر و تعمق در امور است.
- ما به ندرت از مطالب کتاب به‌منظور برنامه‌ریزی برای زندگی استفاده می‌کنیم. بیشتر زندگی ما تحت تأثیر رسانه‌های گروهی و خانواده است تا کتاب درسی، زیرا جای خاصی در کتاب برای برنامه‌ریزی باز نشده است.
- خیرخواهی را با استفاده از مطالب روحانیان در مجالس به‌کار می‌بندیم و در این زمینه، تبلیغات بهزیستی و کمیته‌ی امداد حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) بیشتر از کتاب در ما تأثیر داشته است. البته راهکار مناسبی ارائه نشده است.

دردیاری امام‌زمان
(عجل الله تعالی فرجه الشریف)
بیشتر بنویسید، زیرا
موضوعات بیشتری در یاداری
ایشان وجود دارد
که باید گفته شود.

مختصر ارائه شده و اصلاً مطرح نشده است که این «همراه کردن» چگونه باید صورت گیرد.

پیام به برنامه‌ریزان و مؤلفان

- از آن‌جا که بیشترین آسیب‌های موجود در قلمرو باورها و گرایش‌هاست، تقویت بُعد ایمانی با شیوه‌ی بیان مباحث ضروری است. درج نکات اخلاقی و نتیجه‌گیری از آن‌ها و ایجاد

• تمام سعی‌مان، الگو قرار دادن زندگی شهیدان و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در زندگی است.

• بحث اینار و گذشت در کتاب‌های راهنمایی، بیشتر مطرح شده بود، ولی در دوره دبیرستان درباره‌ی این موضوع آگاهی لازم را تقریباً از برنامه‌های تلویزیون در مناسبت‌های ملی و مذهبی یاد می‌گیریم. برای بیشتر فهمیدن مطلب، خوب است به‌صورت اساسی در کتاب‌ها توضیح داده شود تا در زندگی آن‌ها را به‌کار بندیم.

پیام به برنامه‌ریزان و مؤلفان

• در مورد ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌الشریف) مطالب بیشتر و جدیدتری نسبت به سال سوم مطرح شود و از سخنان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه‌الشریف) و عنایات ایشان به مؤمنان بیشتر استفاده شود.

• پیرامون مسائل و مشکلات روز و هم‌چنین آوردن دلایل منطقی برای دفاع از دینمان، مطالب لازم را ارائه کنید، زیرا می‌بینیم که ادیان دیگر سعی دارند خود را به نحو زیباتری مطرح کنند.

• از حدود ارتباط و دوستی پسر و دختر و آسیب‌های روابط غیراخلاقی، و جایگاه دین در عصر جدید بگویید.

• درباره‌ی مشکل جوانان و راه‌حل‌های آن، مدها و الگوها که کدام الگو مناسب و کدام الگو نامناسب است و چرا، مطلب بنویسید.

• توضیحات دانشمندان غربی در مورد اسلام که برای مطالعه آورده شده است، باید در متن اصلی کتاب می‌آمد تا دانش‌آموزان با عظمت دنیای اسلام آشنا می‌شدند.

• کتاب دینی و قرآن امسال نسبت به سال‌های پیش جامع‌تر و کامل‌تر بود.

• مباحثی را به احکام که نیاز جوان و نوجوان است، اختصاص دهید.

• چه‌قدر خوب بود قبل از تألیف کتاب، نظرسنجی می‌کردند.

• مثال‌های واضح‌تر زده شوند تا کاربرد مباحث در زندگی عملی نشان داده شود: آشنایی با شهدا و انگیزه‌های والای آنان.

جمع‌بندی

تربیت دینی مهارت‌هایی اساسی را به دانش‌آموزان می‌آموزد که در مواجهه با ابهامات و شبهات دینی در موقعیت‌های واقعی

زندگی می‌توانند آن‌ها را به‌کار گیرند. کتاب‌های درسی دینی و قرآن دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی با نگاهی تلفیقی به مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی، این مهم را برعهده دارند و براساس اهداف تعیین شده در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوطه، سعی در تأمین این نیاز بنیادی داشته‌اند. از میان تمامی اهدافی که برای تألیف و تدوین کتاب‌های مذکور در نظر گرفته شده‌اند، هدف «راه زندگی» به‌طور مستقیم دانش‌آموز را در مسیر موقعیت‌های گوناگون زندگی قرار می‌دهد و از طریق آشنایی و به‌کارگیری اصول اعتقادی و اخلاقی، او را به سمت انجام رفتارها و آداب و مهارت‌های صحیح هدایت می‌کند. در پژوهش انجام شده توسط نگارنده، این هدف به‌عنوان یک نیاز اساسی برای دانش‌آموزان این مرحله‌ی سنی مورد بررسی قرار گرفت. دبیران و دانش‌آموزان، از سویی حضور برخی از محورها را در کتاب تأیید کرده‌اند و برخی دیگر را از جنبه‌ی انتقادی یا اصلاحی مورد بحث قرار داده‌اند و از سوی دیگر، در تکمیل و تعمیق محورها به نیازهای دیگری اشاره داشته‌اند. به‌نظر می‌رسد دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، می‌تواند با تأملی در آن‌ها و بررسی‌های تخصصی، به تقویت و غنی‌سازی مباحث مطروحه، همت گمارند و نسل آینده را تا حد امکان برای برخورداری از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی باری کنند.



پی نوشت

1. life skills

۲. محمدی، به نقل از همشهری آنلاین، ۱۳۸۷
۳. برای مطالعه‌ی اصل گزارش این پژوهش به منبع شماره‌ی ۲ که در پایان مقاله نام برده شده است، مراجعه شود.

منابع

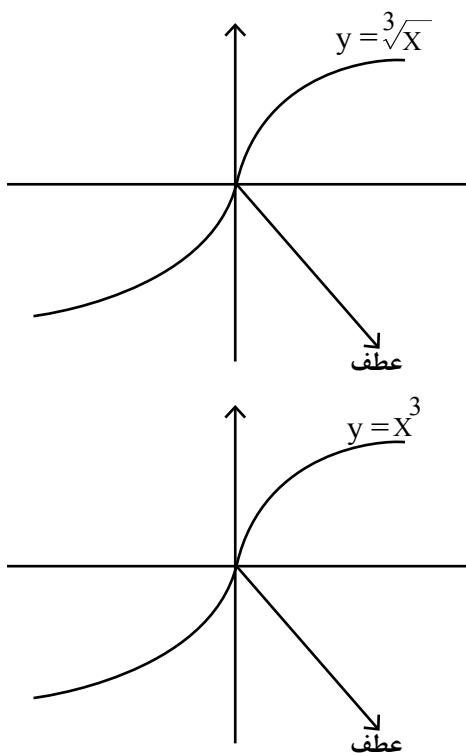
۱. محمدی، صابر (۱۳۸۷). ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی به نوجوانان. <http://no.11813/598/597/394/orportal.net.aspx>
۲. میرعارفین، فاطمه‌سادات (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی کتاب‌های دینی و قرآن دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی از منظر توجه به نیازهای دانش‌آموزان در خصوص برنامه‌ی زندگی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

از $-\infty$ تا $+\infty$

باشد. پیوسته برای آن که تمام دامنه را به کار گرفته و صعودی از آن جهت که هر لحظه‌اش بهتر از لحظه‌ی قبل است و این معنی «تابع صعودی» است. همان‌طور که پیامبر فرمودند: «زیان کار است کسی که دو روزش مساوی باشد.»

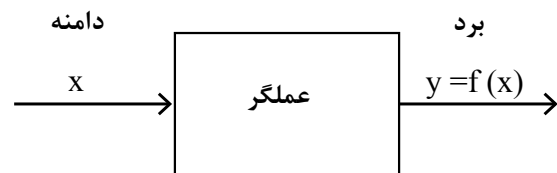
مطلب مهم دیگر در مسیر زندگی هر فرد، وجود نقاط عطف است. در ریاضی نقطه‌ی عطف را نقطه‌ای از دامنه‌ی تابع گوییم که جهت تقعر تابع عوض می‌شود و تابع در آن نقطه خط مماس دارد. در زندگی این نقاط، لحظاتی هستند که نگرش فرد به زندگی تغییر می‌کند و باعث دگرگونی عمیقی در زندگی او می‌شود.

اگر تابع صعودی باشد، این نقاط ما را در زندگی یاری می‌کنند تا دید بهتری پیدا کنیم.



به نام خدایی که همه چیز را از روی حساب آفرید
یکی از مباحث مهم در ریاضی، تعیین دامنه و برد توابع است. برد تابع همانند نتیجه‌ی اعمال ماست که می‌تواند از $+\infty$ تا $-\infty$ تغییر کند و این به دامنه‌ی تابع و عملگر بستگی دارد.

«کل نفس بما گسبت رهینه» [مدثر / ۳۸].

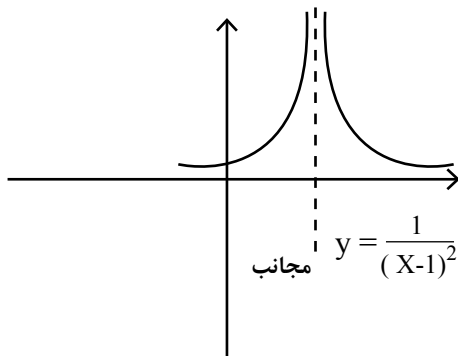


دامنه همان امکانات و امانات خدادادی است که در وجود هر یک از ما قرار داده شده است. می‌توان با یک عملگر مناسب، آن را هدایت کرد و به وادی $+\infty$ رساند. هم‌چنین با یک عملگر نامناسب که به‌طور ارادی انتخاب می‌شود، می‌توان همه‌ی آن داده‌های خدادادی را منحرف و به وادی $-\infty$ رهنمون کرد.

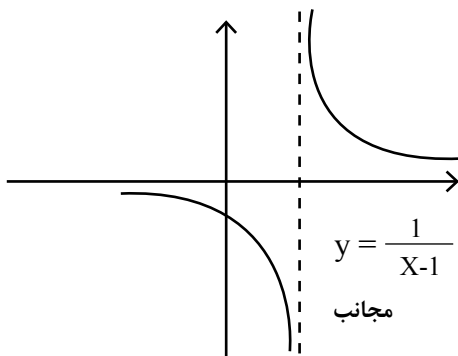
«انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» [انسان / ۳].
انسان باید بتواند جواب این سؤال را بدهد که نعمت‌های الهی را چگونه صرف کرده و چرا بعضی از آن‌ها را به نعمت تبدیل کرده است. ما در مقابل تک تک نعمت‌ها مسئولیم و باید پاسخ‌گو باشیم.

«فو ربک لسنئلنهم اجمعین عما کانوا یعملون» [حجر / ۹۲ و ۹۳].

اگر نمودار عملکرد انسان‌ها را رسم کنیم، منحنی‌های متفاوتی به دست می‌آیند و چه‌قدر قابل تقدیر است، زندگی کسی که وقتی نمودار آن را رسم می‌کنی، پیوسته و صعودی

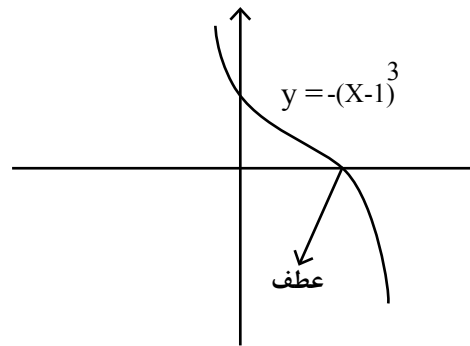


و یا ممکن است مجانب به صورت‌های زیر باشد:

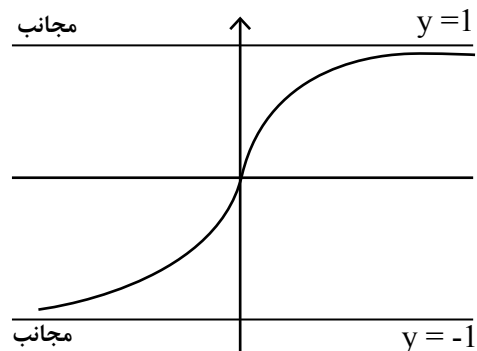


در مسیر زندگی، بعضی‌ها در یک مقطع زمانی آن‌چنان دچار تحول می‌شوند و تصمیم‌گیری سریع و صحیح انجام می‌دهند که تاریخ را به تعجب می‌اندازند. آن‌چنان به رهبر و مقتدای خود نزدیک می‌شوند و آن‌قدر اوج می‌گیرند که شاید سایر افراد، حتی پس از چند سال، به چنین مراتبی نرسند؛ کاری که حرّ انجام داد و در کوتاه‌ترین زمان، مراتب عالی تکامل را پیمود و کاری کرد که در تاریخ ماندگار شد. «و الذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین» [عنکبوت / ۶۹].

هم‌چنین این تصمیم‌گیری‌ها می‌توانند انسان‌ها را به سرعت به اولیای شیطان نزدیک کنند که تاریخ موارد زیادی را در این زمینه به ما نشان داده است. از خداوند بزرگ می‌خواهیم ما را در جهت شناخت صحیح رهبران الهی یاری فرماید تا با الگو قرار دادن آن‌ها، سیر صعودی داشته باشیم و برد تابع وجودمان را به سوی او رهنمون سازیم.



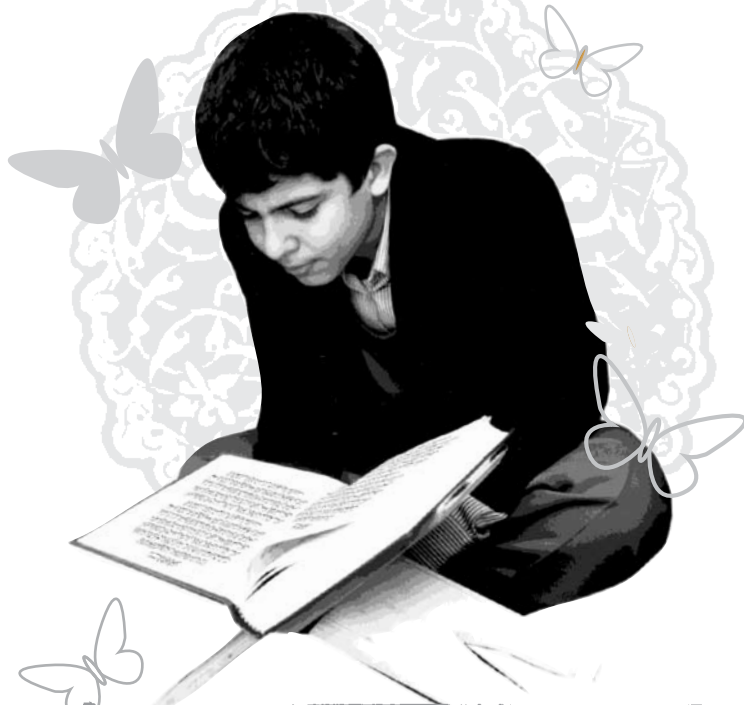
و اگر تابع زندگی فرد نزولی باشد، باز هم این نقاط نگرش او را عوض می‌کنند، ولی او را از راه درست دور می‌کنند و هرچه زمان بگذرد، بیشتر از مسیر حق فاصله می‌گیرد.



مسئله‌ی مهم دیگر در زندگی، وجود رهبر، راهنما و دوست است که جای تأمل بسیار دارد. زیرا الگو دادن آن‌ها می‌تواند مسیر زندگی را به کلی تغییر دهد. ما در رسم منحنی به خطوطی برمی‌خوریم که منحنی کنار آن‌ها حرکت می‌کند و در بی‌نهایت، خیلی به آن‌ها نزدیک می‌شود. به این خطوط «مجانِب» می‌گوییم.

ممکن است یک مجانب افقی مانند شکل زیر داشته باشیم که در این صورت، در درازمدت فرد به الگوی مورد نظر خود، خواه مثبت خواه منفی، نزدیک می‌شود؛ آن‌چنان که خیلی کم با او فاصله خواهد داشت.





چگونه دانش‌آموزان متفکر تربیت کنیم؟

بررسی و طبقه‌بندی روش‌های پرورش تفکر در قرآن کریم

دکتر محمدرضا شرفی
استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

مریم ادیب
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

مقدمه

اصلی معرفی گردیده است.^۴ بسیاری از مطالعات نشان‌دهنده‌ی این واقعیت هستند که مدارس در آموزش و ایجاد توانمندی‌ها و منش‌های برتر فکری در دانش‌آموزان توفیق چندانی به‌دست نیاورده‌اند. به‌عنوان نمونه، در مطالعه‌ی بین‌المللی «پرلز»^۵ که در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ در ارتباط با سواد خواندن صورت گرفت، بالاترین تفاوت میان پاسخ‌های حفظی و پاسخ‌های استنباطی از بین ۳۵ کشور جهان مربوط به کشور ما بوده است.^۶ این امر نشان می‌دهد که در نظام آموزشی کشور ما متأسفانه دانش‌آموزان غالباً مصرف‌کننده‌ی فکر هستند نه تولیدکننده.

رسول خدا(ص) فرمودند: اگر زیاده‌روی شما انسان‌ها در سخن گفتن نبود، و اگر پریشانی و آشفتگی دل‌هایتان نبود، هر آینه شما هم می‌دیدید آن چه را که من می‌بینم، و می‌شنیدید آن چه را که من می‌شنوم.^۲ پیغمبران، اندیشه‌شناسان، معرفت‌شناسان، علما، فلاسفه، عرفا و ادبا، همه به اهمیت اندیشه پرداخته‌اند. مولوی گفت: «ای برادر تو همه اندیشه‌ای». دکارت^۳ جمله‌ی معروف «من فکر می‌کنم، پس هستم» را نوشت. در اسلام یک ساعت تفکر مهم‌تر از ۷۰ سال عبادت تلقی شده است. در دنیای صنعت و تولید خدمات نیز نقش اندیشه مهم‌تر شده و در تاریخ ملت‌ها و زندگی انسان‌ها ثروت

قرآن کریم در بیش از ۳۰۰ آیه، جامعه‌ی انسانی را به تعقل، تفکر و تدبیر فرا می‌خواند؛ بلکه در مواضع زیادی از قرآن، استدلال و برهان به چشم می‌خورد. این مقاله می‌تواند یاری‌بخش مجریان پرورش تفکر در کشور و جهان باشد.

تعریف تفکر

لغت‌شناسان، فکر را قوه‌ی سوق دهنده‌ی علم به سوی معلوم (الراغب الاصفهانی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۶۴۳) و تفکر را تلاش و کوشش این قوه بر حسب نظر عقل (همان، ص ۶۴۳) تعریف کرده‌اند. اساساً عمل فکر کردن، چیزی جز نظم دادن به معلومات و پایه قرار دادن آن‌ها برای کشف یک امر جدید نیست... فکر، حرکت ذهن از مقدمات به نتایج (مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۴۵) و نوعی ازدواج و تولد و تناسل در میان اندیشه‌هاست (همان، ص ۱۰۱). تفکر نیز به‌طور ساده، یعنی «اعمال فکر» (امام خمینی، چهل حدیث، ص ۱۸۹).

تفکر در قرآن

«تفکر» از ریشه‌ی «فکر» به معنای اندیشه و در امری دقیق و باریک شدن است. حقیقت تفکر، کاربرد نیروی عاقله در به دست آوردن مجهولات از تجزیه و ترکیب معلومات است. تفکر در قرآن کریم جایگاهی بسیار والا دارد. قرآن کریم «تفکر» را هم‌ارز و موازی «تدبیر» و «تذکر» بیان می‌فرماید. این کتاب مقدس کسی را «متفکر» می‌داند که با به کارگیری قوه‌ی عاقله و شعورش، آیات و نشانه‌های خداوند را در تمام مخلوقات می‌بیند:

«إِن فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ الْفَلَکِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَاحِيَا بِهِنَّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکت‌اند، و

آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و [هم‌چنین] در تغییر مسیر باده‌ها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است [از ذات پاک خدا و یگانگی او] برای

مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند [بقره، ۱۶۶].
شخص «متفکر»، اندیشمند صرف نیست. ویژگی اندیشه‌ی شخص متفکر، جهت‌دار بودن آن است. او هرچه بیشتر تفکر می‌کند، خدا را ملموس‌تر و محسوس‌تر می‌بیند. «کلماتی که در قرآن کریم درباره‌ی انواع ادراکات انسانی آمده، بسیارند و تا حدود ۲۰ لفظ را شامل می‌شوند؛ مانند ظن، حسیان، شعور، ذکر، عرفان، فهم، فقه، درایت، یقین، فکر، رأی، زعم، علم، حفظ، حکمت، خبرت، شهادت، عقل، فتوی و بصیرت.»

روش‌های پرورش تفکر در قرآن کریم

۱. خوب دیدن

از آن‌جا که داده‌های عینی و حسی قابلیت درک بیشتری را برای همه‌ی گروه‌های سنی دارند، مخاطب به استفاده‌ی بیشتر از حواس به منظور درک بهتر پدیده‌ها دعوت شده است. موارد استفاده از حواس عبارت‌اند از مشاهده و دیدن؛ با توجه به این‌که:

* آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟! و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده‌اند؟! و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده‌اند؟! و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! [غاشیه/۲۰-۱۷]
* «فارجع البصر... ثم ارجع البصر»: همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی!؟

بار دیگر [به عالم هستی] نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جست‌وجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد، در حالی که خسته و ناتوان است! [ملک/۴-۳].

* و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم، بعد از آن که اقوام قرون نخستین را هلاک نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت آفرین بود و مایه‌ی هدایت و رحمت؛ شاید متذکر شوند! [قصص/۴۳]

۲. خوب گوش کردن

* همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آن‌ها خردمندانند [زمر/۱۸]

* بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند [انفال/۸].

* اگر ما می‌شنیدیم و تعقل می‌کردیم، دیگر از دوزخیان نمی‌بودیم [ملک/۱۰].

۳. خوب حرف زدن

۱. کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به‌یادگار بگذارند، از آینده‌ی آنان می‌ترسند، باید [از ستم‌داری‌ی یتیمان مردم] بترسند!

از [مخالفت با] خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند [نساء/۹]

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... [احزاب/۷۰].

۳. ای همسران پیامبر! شما هم‌چون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن

نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند! [احزاب/۳۲].

۴. بگو: خداوند یکتا و یگانه است؛ بگو، ابراز کن [توحید/۱].

۴. استفاده از عباراتی که به تصویرسازی و حسی کردن مطلب کمک می‌کنند

* «در آن هنگام که خورشید درهم پیچیده شود، و در آن هنگام که ستارگان بی‌فروغ شوند، و در آن هنگام که کوه‌ها به حرکت درآیند، و در آن هنگام که بارزش‌ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود، و در آن هنگام که وحوش جمع شوند، و در آن هنگام که دریاها برافروخته شوند... و در آن هنگام که بهشت نزدیک شود» [تکویر/۱۳-۱].

* مثل آنان مثل کسی است که [به زحمت] آتشی بیفروخت و همین‌که اطراف وی را روشن ساخت، خدا نورشان را برد و در تاریکی‌ها رهایشان کرد که نبینند [بقره/۱۷].

* و مثل [تو در دعوت] کافران مثل کسی است که بر حیوان زبان‌بسته‌ای که جز صدا و ندایی نشنوند، بانگ زند. [این‌ها نیز چنین‌اند]. کرانند و گنگانند و کورانند، پس نمی‌اندیشند [بقره/۱۷۱].

۵. تذکر: فعال نگاه داشتن دغدغه و توجه

* دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به‌وسیله‌ی آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی

که از دیدن آن چشم‌پوشد، به زیان خودش می‌باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم) [انعام/۱۰۴].

* و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد (ذاریات/۵۵).

* آیا کسی که مخلوقات را می‌آفریند، هم‌چون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! [نحل/۱۷]

۶. تکرار هدفمند سؤال یا عبارت

* تکرار آیه در یک سوره، مانند آیه‌ی «فبای آلاء ربکما تکذبان»: پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید (شما ای گروه جن و انس)! در سوره‌ی مبارکه‌ی الرحمن.

* تکرار یک آیه در کل قرآن، مانند آیه‌ی «تنزیل الكتاب من الله العزيز الحكيم» در سوره‌های زمر، غافر، جاثیه و احقاف.

* تکرار جریان یک موضوع در سوره‌های متعدد با بیان‌ها و رویکردهای متفاوت؛ مثل داستان حضرت موسی در سوره‌های بقره، اعراف، شعرا، قصص، طه و... و یا سرنوشت خوبان و بدان در قیامت.

* تکرارهای کلمات هم‌معنا یا مقابل؛ مانند تکرار کلمه‌ی دنیا به نسبت آخرت و یا کلمه‌ی «رحمه» که ۷۲‌بار آمده است و کلمه‌ی «غضب» که ۱۹‌بار آمده است که می‌تواند بیانگر بیشتر بودن رحمت خداوند نسبت به غضب او باشد.

* تکرار امرها و نهی‌ها. به‌عنوان مثال، ۶۱‌بار دعوت به نماز و ۵۹‌بار دعوت به زکات شده است که پیوند خاص این دو را با هم می‌رساند و نشان می‌دهد که نماز خوان باید به مردم با دادن زکات مال و علم و توان و آبروی خود بخشش کند.

۷. مقایسه‌ی امور متقابل (تشبیه معقول به محسوس)

* و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، و نه ظلمت‌ها و روشنایی، و نه سایه (آرام‌بخش) و باد داغ و سوزان! [فاطر/۲۱-۱۹].

* آیا دیدی کسی که نهی می‌کند، بنده‌ای را به هنگامی که نماز می‌خواند؟! آیا دیدی اگر این بنده به راه هدایت بود، یا مردم را به تقوا فرمان می‌داد؟! [علق/۱۲-۹].

۸. حذف یک عبارت یا موضوع در آیات برای ایجاد انگیزه‌ی کشف

شخص «متفکر». اندیشمند صرف نیست.
ویژگی اندیشه‌ی شخص متفکر، جهت‌دار
بودن آن است. او هرچه بیشتر تفکر می‌کند،
خدا را ملموس‌تر و محسوس‌تر می‌بیند.

۱. عبارت محذوف: «افمن زین له سوء عمله فرآه حسنا، فان الله یضل من یشاء و یهدی من یشاء» [فاطر/۸]: آیا کسی که عملش برایش زینت داده شده و آن را خوب می‌بیند، [یا کسی که این چنین نیست، مساوی است؟] پس خداوند هر که را اقتضا کند، هدایت و هر که را اقتضا کند، همراه می‌کند.
۲. کلمه‌ی محذوف: «سنیسره لیسری {طریقه یا حیات و...} الیسری» [لیل/۷]: ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم!
۳. جواب قسم محذوف: بروج: قسم به آسمان که برج‌ها دارد، و قسم به روز موعود، و قسم به شاهد و مشهود [که همه در دیدگاه‌اند]. در این جا جواب قسم حذف شده است.
۹. ارتقای سطح بینش و تفکر با ارائه‌ی ملاک‌هایی دیگر
آیات ۷۴ تا ۷۹ سوره‌ی انعام داستان برخورد حضرت ابراهیم را با مشرکان ماه و خورشیدپرست شرح می‌دهند که سبب ارتقای سطح بینش و تفکر قرآن‌خوان می‌شود. در زمینه‌ی افزایش گنجینه‌ی داده‌های ذهنی و دادن اطلاعات اولیه برای به‌کارگیری در تفکر می‌توان به این موارد اشاره کرد:
- * در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنتا، سیئات [و آثار آن‌ها را] از بین می‌برند. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند! [هود/۱۱۴]
 - * اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید، و اگر بدی کنید، باز هم به خود می‌کنید [اسراء/۷].
 - * و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند [اسراء/۱۹].
 - * اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهیم افزود [ابراهیم/۷].
۱۰. تعمیم دادن از جزء به کل
- * تشابه روز قیامت و رویش دوباره‌ی گیاهان: زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، و زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند، و شما نیز این گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شوید [روم/۱۹].
 - * تعمیم مشخصات جزئی یک گروه به صفات کلی‌شان:
 ۱. قتل اصحاب الاخدود... [بروج/۸-۴]: مرگ بر شکنجه‌گران صاحب گودال (آتش)، کسانی که مردان و زنان با ایمان را شکنجه دادند. مرگ بر آدم سوزان خندق... و از آن‌ها انتقام نمی‌گرفتند، جز این که آنان به خدای شکست‌ناپذیر ستوده، ایمان آورده بودند.
 ۲. آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ با ارم که دارای کاخ‌ها و ستون‌ها بود... همان‌ها که در شهرها طغیان کردند و در آن‌ها فساد را به اوج رساندند [فجر/۱۲-۶].
 - ۱۱. ارائه‌ی مفهوم بدون ارائه‌ی توضیح برای ایجاد فرصت بسط مفهوم و یافتن مصداق‌های آن
 - * استفاده از قسم‌ها از همین موارد است: «والفجر» (فجر/۱).
 - * «ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا»: پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی‌های ما را بپوشان! [آل عمران/۱۹۳].
 - * «ان الذین کفروا سواء علیهم انذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون»: کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را [از عذاب الهی] بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. [بقره/۶].
 - کفر مفهوم پوشاندن را می‌رساند. می‌گوید خوبی‌های درون را نپوشانید تا جریان پیدا کند و بذل رحمت تبدیل به بخل نشود. پس در هر دو مورد می‌توان مفهوم آن را باز کرد.

هم‌چنین، مطلبی را طرح می‌کند، ولی علت آن و نتیجه‌ی بحث را برای کار فکری انسان باز می‌گذارد: «لو شاء | لجعل الناس امه واحده و لا یزالون مختلفین»: اگر خداوند می‌خواست انسان‌ها را امت واحد قرار می‌داد و مختلف نمی‌شدند [هود/۱۱۸].

در واقع، این امکان را فراهم می‌کند که فرد از خود بی‌رسد: چرا؟ شاید زیبایی‌ها در تفاوت معنی می‌یابند و شاید صدقه در اختلاف جایگاه مادی، معنی پیدا می‌کند. شاید اگر همه مثل هم می‌اندیشیدند، اصلاً اندیشه‌ای پیش نمی‌آمد.^{۲۴} یا مثال دیگر: «والعصر» [عصر/۱]: قسم به عصر. عصر یعنی چه؟ فقط یک مصداق به معنی اواخر روز است یا عصاره‌ی زندگی؟

۱۲. مذمت پیروی صرف از عادات اجتماعی و روش‌های گذشتگان

و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از آن‌چه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می‌گویند: «نه، ما از آن‌چه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم.» آیا اگر پدران آن‌ها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند [باز از آن‌ها پیروی خواهند کرد]؟! [بقره/۱۷۰]

۱۳. اشاره‌ی مستقیم به استفاده از عقل

* بدترین جنبه‌ها کسانی هستند که کر و گنگ و لایعقل‌اند [انفال/۲۲].

* آیا مردم را به خیر و نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با این که شما کتاب آسمانی را تلاوت می‌کنید؟ پس چرا نمی‌اندیشید؟ [بقره/۴۴]

۱۴. استفاده‌ی غیر مستقیم از عقل

در روش غیر مستقیم، قرآن به نکاتی اشاره می‌کند که پذیرش آن‌ها بدون به رسمیت شناختن عقل ممکن نیست. به عبارت دیگر، لازمه‌ی منطقی اظهار این‌گونه مطالب، اعتراف به حجیت و سندیت عقل است. مثلاً از حریف استدلال عقل می‌طلبد: «قل هاتوا برهانکم»: بگو برهان‌هایتان را آماده کنید [بقره/۱۱].

۱۵. استفاده از انواع استدلال‌های شرطی (نظام علی و معلول)

* اگر خوبی کنید برای خود کرده‌اید و اگر بدی کنید هم برای

خود کرده‌اید [آسراء/۷].

* خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر این که آنان آن‌چه را در خود دارند، تغییر دهند [مائده/۳].

۱۶. پندآموزی از سرنوشت گذشتگان

«چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال به ظلم و ستم مشغول بودند، به خاک هلاک نشانیدیم و اینک آن شهرها از بنیاد ویران هستند. چه چاه‌ها و قنات‌های آب که معطل بمانند، چه قصرهای عالی که بی‌صاحب گشتند. اکنون مردم این زمان نمی‌خواهند روی زمین گردش کنند و در احوال اقوام و ملل مطالعه نمایند و از آن‌ها درس بگیرند...» [حج/۴۵].

۱۷. یاد خدا که نتیجه‌ی آن قرار گرفتن در سطح هوشیاری و خودآگاهی است

* از کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و در نتیجه خدا آن‌ها را دچار خودفراموشی کرد [حشر/۱۹].
* نماز را برپا کن تا من در یادت باشم [طه/۱۴].

۱۸. توجه به هدف

* آسمان و زمین را برای بازیچه نیافریدیم [انبیا/۱۶].
* به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه‌چیز شاهد و گواه است؟! [فصلت/۵۱].

۱۹. ایجاد انگیزه برای تکاپوی علمی با گشودن افق‌هایی از علوم پیش روی انسان

* سپس او را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم... [مؤمنون/۱۶-۱۳].
* و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم... [آسراء/۱۲].

۲۰. پرهیز از تکیه بر ظن و گمان

و بیشتر آن‌ها جز از گمان [و پندارهای بی‌اساس] پیروی نمی‌کنند؛ [در حالی که] گمان، هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد [و به حق نمی‌رساند]! به یقین، خداوند از آن‌چه انجام می‌دهند، آگاه است! [یونس/۳۶]

۲۱. در آمدن از فردیت و توجه به دیگران

* و همگی به ریسمان خدا [=قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله‌ی وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! [آل عمران/۱۰۳].

* «تحسبهم جميعا و قلوبهم شتى ذلک بانهم قوم لا یعقلون»:

آن‌ها را متحد می‌پنداری، در حالی که دل‌هایشان پراکنده است؛ به این دلیل که آن‌ها قومی هستند که تعقل نمی‌کنند [حشر/۱۴].

* سپس از جمله کسانی باشید که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می‌کنند! [بلد/۱۷].

۲۲. مذمت حسابگری شخصی و سوگیری در تفکر

* همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و آن‌ها خردمندان‌اند [زمر/۱۸].

* او [برای مبارزه با قرآن] اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت! مرگ بر او باد! چگونه [برای مبارزه با حق] مطلب را آماده کرد! [مدثر/۱۸ و ۱۹].

۲۳. طرح مستقیم سؤال

* «آیا وقت آن نرسیده است که ایمان آورندگان دل‌هایشان برای ذکر خدا به خشوع در آید؟» [حدید/۱۶].

* آیا آدمی نمی‌داند که خدا می‌بیند؟ [علق/۱۴].

۲۴. زیر سؤال بردن: نوع نگاه به موضوع و رسیدن به

نتیجه‌گیری‌های غلط

عبارت «کلام» کلام ویژه‌ای است که در چندین جای قرآن دیده می‌شود. شاید به این معنی که اصلاً صورت مسئله این‌طور نیست، این زاویه نگاه درست نیست. زاویه‌ی دید را عوض کن و با تغییر پیش‌فرض‌ها، طور دیگری داده‌ها را انتخاب و تنظیم کن تا به نتیجه‌ای متفاوت برسی: «اما آدمی را چون پروردگارش بیازماید و او را گرمی دارد و نعمتش دهد، گوید: خدایم مرا گرمی داشت. و اما چون او را بیازماید و روزی‌اش را تنگ سازد، پس گوید: پروردگرم مرا خوار کرد. کلام: چنین نیست، بلکه شما یتیمان را گرمی نمی‌دارید و یکدیگر را بر اطعام بی‌نویان ترغیب نمی‌کنید و میراث ضعیفان را یکجا

می‌خورید و مال را بسیار دوست می‌دارید [فجر/۲۳-۱۵].

۲۵. اختصاصی کردن خطاب

* و از آن شهر [ویران شده] برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌ی روشنی باقی گذاشتیم [عنکبوت/۳۵].

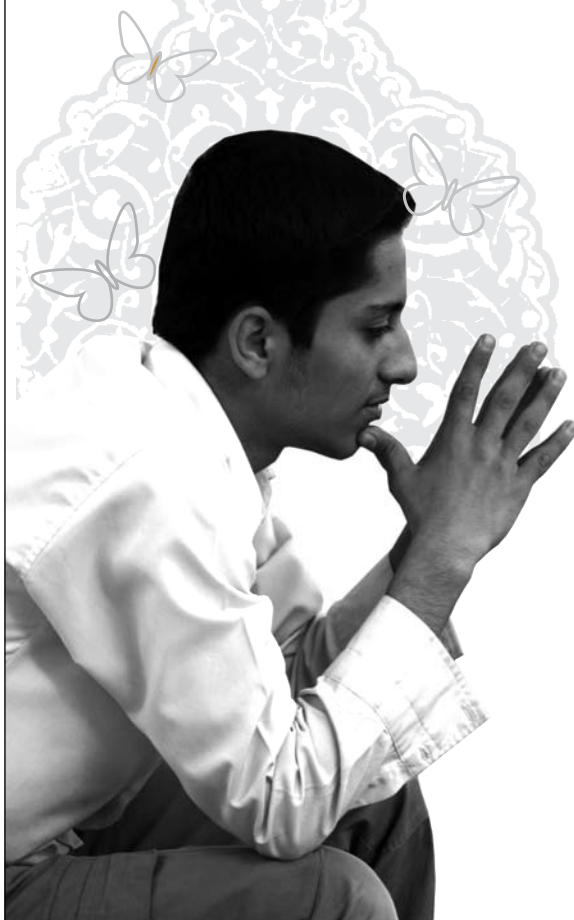
* در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات [و آثار آن‌ها را] از بین می‌برند. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند! [هود/۱۱۴].

۲۶. سلامت قلب

قلب انسان محل نزول قرآن است:

* روح‌الامین آن را نازل کرده است. بر قلب [پاک] تو، تا از اندازکنندگان باشی! هر عاملی که قلب را بینا و شنوا کند، سلامت بخشد، اطمینان بدهد... قلب را فعال می‌کند و عاملی برای تقویت توجه و تفکر خواهد بود [شعرا/۱۹۳ و ۱۹۴].

* در این تذکری است برای آن کس که قلب دارد، یا گوش فرا دهد، در حالی که حاضر باشد! [ق/۳۷].



تفکر در مخلوقات خدا برای پی بردن به رازها و اسرار
آفرینش، تفکر در احوال و اعمال خود برای درست انجام
دادن وظیفه و تفکر در تاریخ و زندگی‌های مردمی که
گذشته‌اند، برای شناختن و پی بردن به سنن و قوانینی که
خداوند برای زندگی جماعات بشری قرار داده است

۲۷. تقوا زمینه‌ی رشد تفکر

یکی از شیوه‌های تقویت نیروی تفکر، تقواست. تقوا در لغت به معنای آن است که خود را از شیء مخوف در وقایه و حفظ قرار دهیم. و این حقیقت تقواست: «ای ایمان آوردگان، اگر تقوا پیشه کنید [خدا] برای شما [نیروی] فرقان قرار می‌دهد [انفال/۲۹].»

۲۸. عربی بودن قرآن

«ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما درک کنید [و ببینید]! [زخرف/۳]

صرف‌نظر از عربی بودن قرآن، نمی‌توان در حد عالی از آن بهره‌مند شد، چرا که ادبیات عرب بسیار گسترده و دقیق است و امکان بررسی هر حرف و جایگاه و اعراب هر کلمه را فراهم می‌کند. لذا اگر اعراب یک کلمه عوض شود، معانی دیگری بر آن مترتب خواهد بود. هر کلمه، هر آیه و نوع چینش ادبی آن بر حسب ضرورت قرار داده شده است و حساب و دلیل دارد.

۲۹. قرار داشتن مفاهیم قرآن در سطوح متفاوت تفکر

هر آیه‌ی قرآن دارای معانی متعدد و بطن‌ها و لایه‌های ساده و عمیق است. چنان‌که هم برای مردم عادی قابل فهم است: «هذا بیان للناس»: این [کتاب] حجت و بیانی است برای عموم مردم (آل عمران/۳۸) و هم قابل استفاده‌ی خاص‌تر و عمیق‌تر برای انسان‌های باتقوا و پاکیزه است: «هدی للمتقین»: هدایتی برای متقین است [بقره/۲] و «لایسمه الا المطهرون»: جز پاک شدگان بر آن دست نمی‌یابند [واقعه/۷۹].»

موضوع تفکر

شهید مطهری، در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام»

(ص ۳۸۰) سه عنوان کلی را برای انواع تفکر بیان می‌کنند:

اول: تفکر در عالم خلقت (آل عمران/۱۹۰ و ۱۹۱).

دوم: تفکر در تاریخ (اعراف/۱۷۶).

سوم: تفکر در خود.

استاد مطهری این دسته‌بندی را این‌گونه خلاصه و هدفمند می‌کنند: «تفکر در مخلوقات خدا برای پی بردن به رازها و اسرار آفرینش، تفکر در احوال و اعمال خود برای درست انجام دادن وظیفه، و تفکر در تاریخ و زندگی‌های مردمی که گذشته‌اند، برای شناختن و پی بردن به سنن و قوانینی که خداوند برای زندگی جماعات بشری قرار داده است» (بیست گفتار، ص ۳۱۲).

بحث و نتیجه‌گیری

۱. ابتدا به‌نظر می‌رسد که در پرورش تفکر، آیات و عبارات خاصی نقش ویژه ایفا می‌کنند. اما با انس گرفتن بیشتر با قرآن در می‌یابیم تمام آیات قرآن، حتی عبارت بسم الله الرحمن الرحیم، عامل ایجاد تفکر هستند. دو عامل مهمی که فعال کننده‌ی تفکر در تمام قرآن هستند، عبارت‌اند از:

الف) این‌که هر کلمه، هر آیه و نوع چینش ادبی آن بر حسب ضرورت قرار داده شده است و حساب و دلیل دارد.

ب) این‌که هر آیه‌ی قرآن دارای معانی متعدد و بطن‌ها و لایه‌های ساده و عمیق است. چنان‌که هم برای مردم عادی قابل فهم است و هم قابل استفاده‌ی خاص‌تر و عمیق‌تر برای انسان‌های باتقوا و پاکیزه است و برای هدایت ویژه‌ی متقین و پاکیزگان در نظر گرفته شده است.

۲. قرآن همه را دارای عقل و فکر و حواس می‌داند و افرادی را که از عقل و فکر خود استفاده نمی‌کنند، مورد سرزنش قرار می‌دهد و زندگی‌شان را زندگی حیوانی و علت آن را غفلت و

عمر گذراندن در بی توجهی ذکر می کند:

«و لقد ذرانا لجهنم كثيرا من الجن و الانس لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئك كالانعام بل هم اضل اولئك هم الغافلون». به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ رها کردیم. آن‌ها دل‌ها (عقل‌ها) بی دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند، و] نمی‌فهمند. و چشمانی که با آن نمی‌بینند، و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آن‌ها هم چون چهارپایان‌اند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند!) [اعراف/۱۷۹]

در مقابل، ارزش و اهمیتی که برای اندیشمندان بیان فرموده، در خور توجه و دقت است: آنان را افرادی دارای مغزهای پر استفاده و کارآمد (اولی‌الالباب) [بقره/۱۷۹، ۱۹۷ و ۲۶۹؛ آل‌عمران/۷ و ۱۹۰؛ مائده/۱۰۰؛ یوسف/۱۱۱؛ رعد/۱۹] و روحیه‌ای خود کنترل (اولی‌النهی) [طه/۵۴ و ۱۲۸] که دست و زبان به هر عمل و سخنی دراز نمی‌کنند و صاحبان چشم‌بینا و دقیق (اولی‌البصار) [آل‌عمران/۱۳؛ نور/۴۴] می‌نامد.

۳. عربی بودن قرآن یکی از دلایل ایجاد تعقل و تأمل است. چرا که ادبیات عرب بسیار گسترده و دقیق است و امکان بررسی هر حرف و جایگاه و اعراب هر کلمه را فراهم می‌کند. شایان توجه است، اگر اعراب یک کلمه عوض شود، معانی دیگری بر آن مترتب خواهد بود.

۴. روش قرآن در فعال کردن اندیشه متکی بر دو محور اساسی است: مشاهده‌ی پدیده‌ها و تجربیات عینی و ملموس برای درک حقیقت، و بهره‌گیری از استدلال عقلی و تفکر انتزاعی و به‌کار گرفتن آن در تنظیم درست زندگی دنیا و آخرت. ترکیب این دو می‌تواند در شناخت عمیق آدمی و بالا بردن سطح تفکر او مؤثر باشد.

۵. برای آموزش تفکر و تقویت مهارت‌های آن در کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگ‌ترها، باید با توجه به مختصات و توانمندی‌های ادراکی هر دوره‌ی سنی از روش‌های توصیه شده در قرآن کریم استفاده و طرح درس‌های قابل اجرا برای آنان تدوین کرد. برای مثال، با استفاده از آیات مربوط به خوب دیدن، خوب شنیدن، به سفر رفتن، پندآموزی از گذشتگان و... می‌توان اردوها و سفرهایی را ترتیب داد که با تقویت توجه به دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها و آثار و اقوال گذشتگان، زمینه‌ی چالش ذهنی با محیط پیرامون

را برای شرکت کنندگان به‌وجود آورد.

۶. متخصص تعلیم و تربیت با استفاده از «روش گروهی با هم فکر کردن» می‌تواند در نقش تسهیل‌گری بسیار مراقب، ضمن هدایت سؤال و جواب‌های گروهی حاصل از مطالعه‌ی داستان‌های فکری مشخص یا سؤالات بحث برانگیز و چند جانبه، در موقعیت‌هایی که پیش می‌آیند و ذهن‌ها آماده‌ی دریافت هستند، به تقویت مهارت‌های تفکر بپردازد. اگر در قرآن، تکیه بر حدس و گمان، پیروی از اکثریت، و تبعیت صرف از مرام پیشینیان روشی باطل قلمداد شده و بر داشتن برهان قوی و ملاک در حرف و عمل تأکید شده است، معلم می‌تواند با طرح پرسش‌های سقراطی شاگردان را به سمت دلیل‌های محکم و منطق‌های قوی هدایت کند.

۷. معنای تفکر در اصطلاح قرآن، یعنی آیه دیدن همه‌ی اشیا در جهان هستی. شخص متفکر، در مخلوقات، خدا و صفاتش را می‌بیند. او همیشه متذکر خداست؛ همانند کسی که با تدبیر در قرآن متذکر خداست: «به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه‌چیز شاهد و گواه است؟!» [فصلت/۵۳]

۸. تفکر در قرآن به‌وسیله‌ی قلب سالم میسر می‌شود. کسی که در قلبش را بر روی حق بسته است، نمی‌تواند به تفکر سالم دست یابد. لذا داشتن تقوا، به پا داشتن نماز، خشیت از حضور پروردگار، رعایت پوشش صحیح، سیر در زمین، هجرت و جهد در راه خدا، از عوامل تقویت فکر هستند.

۹. کسی که قلب پاک و آماده ندارد، نمی‌تواند دریافت درستی از حقایق داشته باشد. ادامه‌ی این روند موجب محرومیت از تفکر صحیح می‌شود [بقره/۷ و ۷]. او می‌تواند تفکیر کند؛ یعنی تفکرش را با سوگیری و محاسبه‌ی سود و زیان‌های ظاهری مخلوط کند و آن‌چه را که به وی منفعت مادی می‌دهد، انتخاب کند.

۱۰. خداوند در آیات قرآن به انواع تفکر، زمینه‌های تفکر، موانع تفکر، عوامل تقویت و تضعیف آن، لوازم همراه با تفکر، نتیجه و هدف فکر، محل نزول آن (قلب) و موضوع تفکر پرداخته است. لذا دقت در مطالعه‌ی تک‌تک حروف، اعراب، آیات و سوره قرآن می‌تواند ایجاد کننده و پرورش دهنده‌ی تفکر باشد.

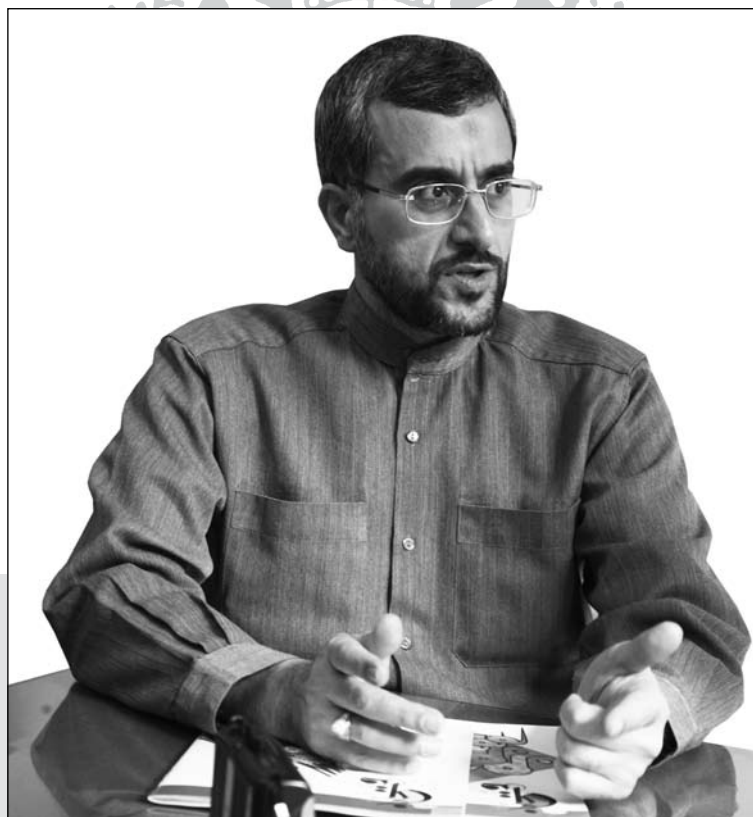


الهیات و معارف اسلامی و ارشاد. دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
 ۵. جوادی آملی، عبدالحسین (۱۳۷۲). شریعت در آینه‌ی معرفت. مرکز نشر فرهنگی رجاء. قم. چاپ اول.
 ۶. (۱۳۸۵). مراحل اخلاق در قرآن. مرکز نشر اسرا. قم. چاپ ششم.
 ۷. جیمز، ویلیام (۱۳۵۹). دین و روان. ترجمه‌ی مهدی قائمی. انتشارات دارالفکر. قم.
 ۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶). اربعین حدیث. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). تهران. چاپ چهاردهم.
 ۹. دیوبند. ادوارد (۱۳۸۴). به فرزندان خود روش فکر کردن بیاموزید. ترجمه‌ی عبدالمهدی ریاضی. انتشارات پیک بهار. تهران. چاپ سوم.
 ۱۰. (۱۳۷۶) تفکر جانبی. ترجمه‌ی عباس بشارتیان. نشر مترجم. تهران.
 ۱۱. دیویی، جان. دموکراسی و آموزش و پرورش. ترجمه‌ی آریان پور. انتشارات حقیقت. تبریز.
 ۱۲. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). تفکر برتر. انتشارات سروش. تهران. چاپ دوم.
 ۱۳. طباطبائی، محمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه‌ی موسوی همدانی. چاپ بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی. تهران.
 ۱۴. عربیان، رحیم. اندیشه‌های بشری و فرهنگ توسعه (ج ۱). نشر کیفیت. تهران.
 ۱۵. قرآن کریم.
 ۱۶. قم، شیخ عباس. مفاتیح‌الجنان.
 ۱۷. کم، فیلیپ (۱۳۸۵). داستان‌های فکری ۱. ترجمه‌ی فرزانه شهرتاش. انتشارات شهرتاش. تهران. چاپ اول.
 ۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت. جلد ۷ و جلد ۶۶ و جلد ۶۸
 ۱۹. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار (ج ۳). صدرا. قم. [بی تا].
 ۲۰. _____ (۱۳۷۰). بیست گفتار. انتشارات صدرا. تهران. چاپ هفتم.
 ۲۱. (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا. تهران. چاپ سیزدهم.

22. Thinking-An Introduction to its Expeimental Psychology (1963). Humphrey, George university of Oxford, P311.
 23. Education of Yough (Washington, DC: National Catho-xic) (1936). Pope Pios XI, Chrhstian Wexfare Conferenc, p36.
 24. Resnick, l, B (1987). Education and Learning to think. Washington, National Academy Press.

زیرنویس
 ۱. طباطبائی، بی تا، ج ۵: ۴۱۵.
 2. Rene Decartes
 ۳. دیبونو، ۵: ۱۳۸۴.
 4. Pirls
 ۵. جامعه‌ی دانش‌آموزی در مورد مطالعه‌ی پرلز که ۹ ساله‌ها را دربر می‌گیرد، در کشور ما شامل دانش‌آموزان پایه‌های سوم و چهارم ابتدایی است.
 ۶. پورمحمدی، ۱۳۸۲.
 ۷. طباطبائی، بی تا، ج ۴: ۵۵.
 8. Plato
 9. Aristotol
 ۱۰. ال گوئک، ۱۳۸۴: ۱۱۴.
 11. Charles S. Peirce
 12. Georg herbert mead
 13. John Dewey
 ۱۴. ال گوئک، ۱۱۴: ۱۳۸۴.
 15. William James
 ۱۶. دیبونو، ۱: ۱۳۸۴.
 17. Jean Piaget
 18. Vygotsky
 19. Edward De Bono
 20. Matthew lipman
 ۲۱. کم، ۱۴: ۱۳۸۵.
 ۲۲. همان، ص ۱۲۶.
 ۲۳. عربیان، بی تا، ج ۱.

منابع
 ۱. ال گوئک، جرالده (۱۳۸۳). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه‌ی محمد جعفر پاک‌سرشت. انتشارات سمت. تهران. چاپ سوم.
 ۲. احدی، حسن (۱۳۷۶). روان‌شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک). نشر بنیاد. تهران. چاپ دهم.
 ۳. بهشتی، سعید (۱۳۸۰). آیین خردپروری. انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. تهران. چاپ اول.
 ۴. پورمحمدی. ابوذر (۱۳۸۲). «بررسی مفهوم تفکر در قرآن مجید». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد الهیات (گرایش قرآن و حدیث). دانشکده‌ی



از رسم الخط پر علامت تا رسم الخط کم علامت

یونس باقری

مصاحبه با استاد سید مهدی سیف

○ رشد آموزش قرآن: جناب آقای استاد سیف، لطفاً مختصری از زندگی‌نامه‌ی خود را برای خوانندگان مجله بیان بفرمایید.

● آقای سیف: بسم‌الله الرحمن الرحیم و صلی‌الله علی محمد

و آله. بنده در سال ۱۳۳۸ متولد شدم و دارای دو فرزند دختر و پسر هستم. فعالیت قرآنی را از کودکی و با جلسات مرحوم پدرم آغاز کردم؛ چون مرحوم پدرم هر روز، صبح و شب جلسه‌ی قرآن داشت که کلاس‌های آموزشی بودند و به طور سنتی قدیم اداره می‌شدند. من هم به‌طور طبیعی و خودجوش و با حالتی کودکانه، در جلسات پدرم شرکت می‌کردم. این حضور مستمر موجب شد که قاری قرآن شوم. یعنی بدون این‌که قواعد کلاسیک را یاد بگیرم، در اثر استماع و قرائت قرآن، به‌تدریج قاری شدم. بعد از

تشکیل می‌شد؟
● در بازار تهران، در مسجد «شاه» که الان مسجد امام خمینی (ره) است، از طرف ورودی خیابان پانزده خرداد، شبستانی وجود داشت که ضلع شمالی مسجد محسوب می‌شد و به «شبستان معمارها» معروف بود. هر شب جلسات قرآن برگزار می‌شد.

جلسات صبح ایشان هم در مسجد «سید عزیرالله» بازار تهران در حیاط مسجد، جلوی شبستان برگزار می‌شد، در آن زمان آیت‌الله خوانساری در شبستان مسجد درس خارج

داشت و مرحوم ابوی ما بیرون از شبستان، جلسه‌ی قرآن.
○ آیا جلسات قرآن ایشان به صورت خودجوش و مردمی
تشکیل می‌شد؟ این جلسات شامل چه آموزش‌های
قرآنی بود؟

● بله، این جلسات کاملاً مردمی بودند و تقریباً به‌طور مطلق،
آموزش‌های قرآن در آن‌ها ارائه می‌شد؛ یعنی مخصوص قرائت
یا معنای قرآن به تنهایی نبودند، بلکه شامل همه‌ی آن‌ها
می‌شدند.

○ یعنی از همان زمان، ایشان در تدریس به قرائت و
مفاهیم با هم توجه داشتند؟

● بله، یکبارچه می‌دیدند، حتی می‌فرمودند، قاری که نفهمد
چه می‌خواند، قاری نیست. یعنی قرائتی که مفهوم نباشد،
قرائت نیست. خود ایشان در هر جلسه عملاً به همه‌ی آیات
نمی‌پرداختند و بعضی را انتخاب می‌کردند. هم روی کلمات کار
می‌شد، هم روی نحوه‌ی تلفظ و قرائت صحیح و هم روی معنای
کلمات و عبارات، و هم تفسیر و شأن نزول و مسائل گوناگون
قرآن. یعنی قرائت، فهم و درک و معارف، همه درهم‌تنیده، با
هم، در جلسه مطرح می‌شدند.

○ ایشان برای این جلسات کتاب خاصی را معرفی
می‌کردند یا فقط همان قرآن کریم بود؟

● نه، آن‌چه معرفی و استفاده می‌شد، منابع اصلی بودند؛ مانند
«النشر» و «مجمع‌البیان» که از کتب «مرجع» بود.

○ همین النشر به زبان فارسی بود یا عربی؟

● به عربی بود.

○ آیا کسانی که در جلسه شرکت می‌کردند، قادر به
استفاده از آن بودند؟

● کتاب‌های مربوط به قرائت عمدتاً عربی بودند، ولی اغلب
کتاب‌های مربوط به تفسیر به فارسی ترجمه شده بودند؛ مانند
«مجمع‌البیان» و «المیزان».

○ به غیر از خود شما که هم از شاگردان برجسته‌ی
پدرتان بودید و هم از افراد صاحب نام در فعالیت‌های
قرآنی کشورمان هستید، چه افراد دیگری از شاگردان
ایشان در حال حاضر در عرصه‌ی فعالیت‌های قرآنی
کشور، صاحب نام و معروف هستند؟

● خیلی از افراد در کلاس ایشان شرکت می‌کردند؛ به‌ویژه از
بازار تهران. اکثر بازاریان با جلسات قرآنی مرحوم پدر آشنا بودند
و خیلی از قاریان شرکت می‌کردند. منتها همه‌ی آن‌ها شاگرد
این جلسات محسوب نمی‌شدند.

○ در همین حد که حتی ترددی در این جلسات داشتند.

● بله، مثلاً استاد مروت که استاد بسیاری از استادان معروف
به‌شمار می‌رود، گاهی در جلسات مرحوم پدر شرکت می‌کرد یا
حسین رادمنش که از پیشکسوتان قرآنی محسوب می‌شود.
خیلی از آن افراد از دنیا رفته‌اند و اگر هم کسانی زنده باشند، پیر
شده‌اند و خیلی‌های دیگر که نامشان را به یاد نمی‌آورم.

○ این جلسات قبل از انقلاب بین چه سال‌هایی برگزار
می‌شدند؟

● از سال ۴۴ و ۴۵ به بعد. یادم هست، قبل از این که وارد مدرسه
شوم، این جلسات شروع شده بود.

○ پس این موضوع به بیش از ۴۰ سال پیش برمی‌گردد.
● بله. البته تا آن‌جا که حافظه‌ی من یاری می‌کند، ولی فکر
می‌کنم قدمت جلسات پدرم به قبل از این سال‌ها برمی‌گردد.

○ ظاهراً ایشان قبل از این که در بازار تهران جلسات قرآن
داشته باشند، در نجف اشرف این جلسات را داشته‌اند؟

● البته من آن زمان را به یاد ندارم. نشو و نمای مرحوم پدر در
اصفهان بود و ایشان اصالتاً اصفهانی بودند. بعد به عتبات هجرت
کردند و در نجف اشرف از اعوان و انصار و طلبه‌های مقرب آقا
سید ابوالحسن اصفهانی- مرجع یگانه‌ی آن زمان- بودند.
مدتی هم در کاظمین سکونت داشتند و درس حوزوی‌شان را
در همان نجف و کاظمین می‌گذرانند و در کربلا هم دوره‌ای
داشتند. البته همه‌ی این‌ها قبل از تولد من بوده است.

○ ایشان در کنار این جلسات قرآن، اشتغال دیگری
هم داشتند؟

● درآمد و معاش ایشان از طریق حوزه نبوده است، بلکه به داد
و ستد فرش مشغول بودند و از شهریه استفاده نمی‌کردند.

○ از چه زمانی و با چه کارهایی وارد امور قرآنی شده‌اید؟

● تحصیلات قرآنی‌ام از جلسات مرحوم پدر شروع شد و تدریس
قرآن را هم از همان جلسات آغاز کردم. یعنی وقتی به دوران
جوانی رسیدم و حدود ۱۷ سالم بود، یک جلسه‌ی کوچک در
کنار جلسه‌ی ابوی تشکیل دادم که کودکان و نوجوانان پیش
من می‌آمدند و بزرگ‌ترها پیش پدرم می‌رفتند.

اوایل انقلاب، در آموزش و پرورش در دوره‌های ابتدایی،
راهنمایی و متوسطه مشغول تدریس شدم و هم‌چنین در مراکز
تربیت معلم دارالفنون و شهید ثانی و دانشگاه‌های امام صادق (ع)،
تربیت معلم شهید بهشتی و دانشکده‌ی علوم قرآنی تدریس کردم.
از سال ۱۳۶۹ تا اوایل ۱۳۷۲ هم در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف
کتاب درسی» مشغول کار شدم که مقارن با شروع درس قرآن در



در رسم الخطها، سلايق متفاوتی اعمال شده‌اند که در طول تاریخ ادامه داشته است. البته یک سلسله از مسائل مورد نیاز بوده و اعمال شده‌اند، ولی یک سلسله هم صرفاً سلیقه بوده‌اند یا براساس تجزیه و تحلیل‌ها و سلايق متفاوت و علامت‌گذاری‌ها و شیوه‌های گوناگون به وجود آمده‌اند.

مراکز تربیت معلم و دانشکده‌های علوم قرآنی، و چه در هیئت‌ها و جلسات سنتی خودمان که هنوز هم ادامه دارد.

○ در زمینه‌ی رسم الخط و آموزش قرآن بیشتر درباره‌ی چه موضوعاتی تأمل می‌کردید.

● این امر باعث شد که من در دو چیز تأمل و مطالعه‌ی بیشتری داشته باشم: یکی در رسم الخط قرآن و دیگری در روش تدریس قرائت. البته در روش تدریس مفاهیم هم، در کنار دوستان به‌ویژه جناب استاد مسعود وکیل فعالیت‌هایی داشته‌ام که به من کمک کرد، در روش تدریس مفاهیم هم اطلاعات و تجربیاتی به‌دست آورم. اما عمده‌ی فعالیت من در زمینه‌ی رسم الخط و روش تدریس روخوانی و تجوید بوده است که این تجربیات سبب شد، در سیر کتابت، علامت‌گذاری و تکامل رسم الخط قرآن و وضع فعلی رسم الخط قرآن در جهان اسلام که متنوع و متعدد است، به نتایج مفیدی برسم.

○ ممکن است درباره‌ی رسم الخط کشورهای مختلف توضیحاتی برای خوانندگان بدهید.

● رسم الخط جهان عرب، ترکیه و ایران با هم فرق دارد و هر یک شیوه‌ای خاص خود دارند. از طرف دیگر، در کل شبه‌قاره‌ی هند که شامل هند، پاکستان، بنگلادش، افغانستان، سری‌لانکا، مالزی و اندونزی، یعنی تمام شبه‌قاره‌ی هند و اطراف آن می‌شود، شیوه‌ی دیگری از رسم الخط متداول است. در کشور ما از همه‌ی این شیوه‌ها استفاده می‌شود، به غیر از شیوه‌ی شمال آفریقا. در استان سیستان و بلوچستان، شرق استان خراسان و استان‌های هرمزگان و بوشهر، یعنی استان‌های شرقی و جنوبی ایران از شیوه‌ی شبه‌قاره‌ی هند استفاده می‌شود. رسم الخط ایرانی هم وجود دارد که اصالتاً متعلق به ایران است. قبلاً از رسم الخط ترکیه در ایران خیلی استفاده می‌شد که هنوز هم کم‌وبیش وجود دارد و خیلی نزدیک است به رسم الخط ایرانی. رسم الخط کشورهای عربی مثل مصر، سوریه و عربستان که در واقع یکی

دبیرستان بود و در ترمیم و بازسازی کتاب‌های درسی ابتدایی و راهنمایی، و تألیف کتب درس قرآن دبیرستان همکاری داشتم. بعد از آن مجدداً مشغول تدریس در مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌ها شدم. از سال ۱۳۷۶ تاکنون نیز با توجه به تخصصی که در قرائت و رسم الخط قرآن دارم، کارشناس قرائت و رسم الخط قرآن دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی قرآن هستم.

○ ظاهراً باید فعالیت‌های شما را به دو بخش تقسیم کنیم: فعالیت‌های آموزشی خارج از دفتر تألیف که تا حدودی آن‌ها را شرح دادید، دیگر آن فعالیت‌هایی که در دفتر تألیف داشته‌اید. در تکمیل فعالیت‌های آموزشی‌تان اگر مطلبی دارید بفرمایید تا وارد بخش دوم شویم.

● سال ۱۳۵۹ تدریس در مدارس را آغاز کردم. از سال ۱۳۶۱، تدریس در دانشگاه امام صادق (ع) و فعالیت در گروه قرآن «سازمان تبلیغات اسلامی» پرداختم که تا سه سال طول کشید. در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، «دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن» را با همکاری استاد سید محسن خدام‌حسینی بنیان‌گذاری کردم و هر سال چند دوره در مسابقات کشوری، استانی، منطقه‌ای و بین‌المللی، داوری می‌کنم.

○ آیا قبل از تأسیس دفتر نظارت در زمینه‌ی رسم الخط پژوهشی داشتید.

● قبل از فعالیت در دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن، سوابقی در زمینه‌ی رسم الخط و قرائت قرآن داشتم. تأسیس این دفتر موجب شد که بیشتر مطالعه کنم و پی‌گیر شوم. از سال ۱۳۶۴ به بعد، مطالعات من روی رسم الخط قرآن، تاریخ رسم الخط قرآن، سیر تغییر و تحول و رشد و تکامل رسم الخط قرآن، و مسائل و مشکلاتی که در حال حاضر در آموزش روخوانی با آن مواجه هستیم، متمرکز شد. خوش‌بختانه من هرگز از تدریس روخوانی و تجوید قرآن منفک نبوده‌ام و همه ساله تدریس داشته‌ام؛ چه تدریس رسمی در آموزشگاه‌های رسمی، مدارس،

از شایع‌ترین رسم‌الخط‌های قرآن در جهان اسلام است، یعنی خط مشهور عثمان‌طه که به شیوه‌ی مصری نوشته شده است، در حال حاضر شایع‌ترین رسم‌الخط در کشور ماست.

در جهان اسلام شایع‌ترین رسم‌الخط، رسم‌الخط هندی است؛ چون شبه‌قاره‌ی هند و اطراف آن بیشترین تعداد مسلمانان را در خود جای داده‌اند. دومین رسم‌الخط شایع و متداول، رسم‌الخط مصری است. در درجه‌های سوم و چهارم، رسم‌الخط‌های ترکی و ایرانی هستند و رسم‌الخط ایرانی منحصر به ایران می‌شود.

من این رسم‌الخط‌ها را مطالعه کرده‌ام. این رسم‌الخط‌ها در دست مردم بودند و دانش‌آموزان ما با عموم این رسم‌الخط‌ها سروکار داشتند؛ به‌ویژه دو رسم‌الخط ایرانی و مصری. این باعث می‌شد که تدریس روخوانی دارای وحدت رویه نباشد. بدین ترتیب، معلم با هر روشی تدریس می‌کرد، دانش‌آموزان رسم‌الخط‌های دیگر را نمی‌توانستند بخوانند و مشکلاتی داشتند. در واقع، تفاوت‌ها برایشان مشکل‌ساز بود.

از طرف دیگر در رسم‌الخط‌ها، سلاقی متفاوتی اعمال شده‌اند که در طول تاریخ ادامه داشته است. البته یک سلسله از مسائل مورد نیاز بوده و اعمال شده‌اند، ولی یک سلسله هم صرفاً سلیقه بوده‌اند یا براساس تجزیه و تحلیل‌ها و سلاقی متفاوت و علامت‌گذاری‌ها و شیوه‌های گوناگون به‌وجود آمده‌اند.

کما بیش این رسم‌الخط‌ها را بررسی و به‌طور کلی محاسن و ضعف‌های آن‌ها را استخراج کردیم؛ چه از نظر کتابت حروف و کلمات و چه از نظر کتابت حرکات و علائم. حتی علائم وقف را هم بررسی کردیم. همین‌طور مسائل مربوط به خوش‌نویسی را که در خواندن قرآن نقش و دخالت دارند. به هر حال، هر انسان خیرخواه و عاقلی برای امر قرآن به دنبال آن است که زیباترین و در عین حال آسان‌ترین خط را در اختیار داشته باشد و از لحاظ علمی و منابع و مدارک معتبر باشد.

○ استاد درباره‌ی انتخاب رسم‌الخط باید به چه ملاک‌هایی توجه کنیم.

● در مجموع سه عنصر باید در نظر گرفته شوند: اول، منابع، مدارک و اسناد رسم‌الخط قرآن - که از صدر اسلام تاکنون بررسی شده‌اند - دوم، سهولت و آسانی رسم‌الخط، و سوم زیبایی و چشم‌نواز بودن آن. هر یک از این عناصر، مسائل مخصوص به خود را دارد که می‌توان به‌طور مفصل درباره‌ی آن‌ها صحبت کرد.

○ نتیجه‌ی پژوهش‌های شما در رسم‌الخط منجر به چه موضوعی شد.

● سرانجام، کوشش‌ها باعث شد به رسم‌الخطی برسیم که امتیاز همه‌ی رسم‌الخط‌ها را داشته باشد. متقابلاً، همه‌ی رسم‌الخط‌ها مشکلاتی دارند که از آن‌ها هم پرهیز کردیم. نتیجتاً به رسم‌الخطی رسیدیم که شامل عمده‌ی محاسن و فاقد عمده‌ی مشکلاتی است که در رسم‌الخط‌ها وجود دارند. به این رسم‌الخط، «رسم‌الخط کم‌علامت» یا «رسم‌الخط ایرانی جدید» گفته می‌شود. این رسم‌الخط کم‌علامت و خلوت و نزدیک‌ترین رسم‌الخط به خط فارسی است.

البته مشکلات متعددی در این راه بوده و هست. از میان مربیان، معلمان و کارشناسان، برخی موافق و برخی مخالف بودند. بعضی از این تأییدها و مخالفت‌ها، به علت علم و دلیل و سند بوده است و بسیاری از آن‌ها هم به دلیل عدم علم و احاطه داشتن به موضوع و هم‌چنین تعصبات و سلیقه‌های شخصی. به هر حال هر کاری با این گونه مشکلات مواجه می‌شود. به فضل خدا این رسم‌الخط مورد قبول بسیاری از عزیزان، به‌ویژه معلمان ورزیده در امر آموزش قرار گرفته است. این معلمان امر آموزش را خیلی واقعی و مستدل نگاه می‌کنند.

○ آیا رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمینه‌ی این رسم‌الخط نظری بیان داشته‌اند.

● رهبر معظم هم از این رسم‌الخط استقبال کرده‌اند. البته ایشان هم اختلاف رسم‌الخط را در کشور یک مشکل بزرگ می‌دانند و عده‌ای را موظف کرده‌اند، در این زمینه بررسی کنند و ضابطه‌ای را برای رسم‌الخط آینده‌ی کشور جمهوری اسلامی و در نتیجه یک مصحف جمهوری اسلامی که دارای مشخصات معتبر علمی، روشی و از هر نظر مقبولیت در جهان اسلام باشد، پدید آورند. به این ترتیب، رسم‌الخط جدیدی در مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی و زیر نظر دفتر ارتباط مردمی بیت رهبری شکل گرفت. البته این رسم‌الخط هنوز به حالت نهایی نرسیده است. عمده مسائل آن، یعنی کتابت حروف، کتابت حرکات و علائم گوناگون آن شکل گرفته‌اند، ولی هنوز نهایی نشده است. هنوز به‌طور قطعی با استانداردهای مورد انتظار جمهوری اسلامی مختصری فاصله دارد و فرصت بیشتری می‌خواهد که با آزمایش‌های متفاوت به کمال برسد. ان‌شاءالله ما در آینده بتوانیم رسم‌الخطی معتبر و استاندارد برای کشورمان داشته باشیم که هم از سندیت، مستدل و علمی بودن، و مقبولیت جهانی در جهان اسلام برخوردار باشد، هم از نظر زیبایی و خوش‌نویسی ظاهر شکلی و زیبایی داشته باشد و برای عموم مردم دلپذیر



باشد، و هم از نظر آموزشی و خواندن، آسان، ساده و نزدیک به سوادآموزی فارسی باشد.

● من قبل از این که رسم الخط عثمان طه وارد ایران شود، با آن آشنا شدم. در سال ۱۳۵۸ بود که به سوریه رفتم. در بازار حمیدیه، نزدیک مسجد اموی، کتابفروشی‌هایی هستند که اغلب آن‌ها کتاب‌های مذهبی عرضه می‌کنند. در آن کتابفروشی‌ها در مورد قرآن‌ها بررسی و تفحصی داشتم. خط عثمان طه را اولین بار در آن‌جا دیدم. وقتی قرآن را باز کردم، خط آن را بسیار زیبا دیدم و چون خیلی تمیز چاپ شده بود، نظرم را جلب کرد و خیلی خوشم آمد. یادم هست که آن زمان، من اولین نسخه‌ی عثمان طه را ۶۰ لیر سوری خریدم.

○ **پس می‌توان گفت کشور عربستان رسم الخط عثمان طه را بعد از ایران چاپ کرد.**

● بله، در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ که عربستان سعودی هم یک مجتمع چاپ و نشر قرآن تأسیس کرد، کارشناسان عربستان هم بهترین خط را انتخاب کردند که همان رسم الخط عثمان طه بود. عربستان در همان سال‌های ۶۳ و ۶۴ و ایران سه چهار سال قبل از عربستان، خط عثمان طه را چاپ و توزیع کردند.

○ **علت استقبال از رسم الخط عثمان طه در ایران چه چیزی بوده است.**

● به هر حال این خط به زودی رونق پیدا کرد و در کشور ما در حال حاضر شایع‌ترین رسم الخط است. البته خط‌های دیگر هم در کنار این رسم الخط وجود دارند؛ مثل خط مرحوم **طاهر خوشنویس و خالقی زنجانی**. ولی بالاخره خط عثمان طه شایع‌ترین خط شد، چون مردم بیشترین استقبال را از آن کردند. حتی مترجمین قرآن مخصوصاً مترجمین درجه‌ی یک، خط عثمان طه را انتخاب می‌کردند. چون مترجم خودش خط را

باشد، و هم از نظر آموزشی و خواندن، آسان، ساده و نزدیک به سوادآموزی فارسی باشد.

○ **بحث خوبی شد. من سؤال دیگری دارم. رسم الخط عثمان طه را چه کسی وارد ایران کرد و زمینه‌های اجتماعی این کار چه بود؟**

● من قبل از این که رسم الخط عثمان طه وارد ایران شود، با آن آشنا شدم. در سال ۱۳۵۸ بود که به سوریه رفتم. در بازار حمیدیه، نزدیک مسجد اموی، کتابفروشی‌هایی هستند که اغلب آن‌ها کتاب‌های مذهبی عرضه می‌کنند. در آن کتابفروشی‌ها در مورد قرآن‌ها بررسی و تفحصی داشتم. خط عثمان طه را اولین بار در آن‌جا دیدم. وقتی قرآن را باز کردم، خط آن را بسیار زیبا دیدم و چون خیلی تمیز چاپ شده بود، نظرم را جلب کرد و خیلی خوشم آمد. یادم هست که آن زمان، من اولین نسخه‌ی عثمان طه را ۶۰ لیر سوری خریدم.

○ **برای چاپ رسم الخط عثمان طه چه کشورهایی پیشقدم بوده‌اند.**

● در آن زمان در کشور ما اصلاً خط عثمان طه وجود نداشت. این خط واقعاً زیبا و شکیل بود که هر کسی آن را می‌دید، خوشش می‌آمد و به آن علاقه‌مند می‌شد. در نتیجه، ابتدا در کشور سوریه و سپس در لبنان که از نظر چاپ و نشر بسیار پیشرفته و پیشگام است، مورد استقبال عموم ناشران قرار گرفت. اولین ناشر این خط، «دارالشامیه» دمشق بود و بعد از آن، همه‌ی ناشران لبنانی اجازه گرفتند و آن را چاپ کردند. در نتیجه، این خط در جهان اسلام به سرعت رواج پیدا کرد. در ایران هم حاج آقای **تسخیری**

کنون انجام شده، عمدتاً فعالیت‌ها، مطالعات و تجربیات شخصی بوده است. کار علمی و ملی در این زمینه انجام نشده است.

○ ارتباط این رسم الخط کم علامت با کتاب‌های درسی مدارس چیست؟

● در دفتر تألیف این نگرش بوده و هست که ارتباط افقی دروس را با هم ببینیم. ارتباط افقی دروس، یعنی این که دروس فارسی، ریاضی، قرآن، علوم و سایر دروس، همدیگر را معاضدت و تقویت کنند. یعنی از اطلاعات هر درسی در درس دیگری استفاده شود؛ به‌ویژه درس‌هایی که هم سنخ هستند، مثل فارسی، عربی، دینی و قرآن که با هم ارتباط بیشتری دارند، مخصوصاً درس‌های فارسی و قرآن نگاه جدیدی که در دهه‌ی اخیر در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی شکل گرفته و بسیار مؤثر و جهشی هم بوده، این است که ما آموزش قرآن را براساس سواد فارسی شکل بدهیم و دنبال کنیم. چرا؟ چون اولین سواد که دانش‌آموز پیدا می‌کند، سواد فارسی است.

نکته‌ی دیگر این است که الفبا و علائم فارسی همان الفبا و علائم عربی است. الفبای فارسی در پایه‌ی اول دبستان با دقت بیشتری آموزش داده می‌شود و بعد ساده‌تر و خلوت‌تر به کار می‌رود. در عربی هم همین‌طور است. یعنی سواد عربی هم در ابتدا دقیق‌تر، کامل‌تر و پرعلامت‌تر اتفاق می‌افتد و بعد برای عرب زبان‌ها که زبان مادری آنان است، خلوت‌تر و کم‌علامت‌تر می‌شود.

این نکته باعث شد که کارشناسان توصیه کنند، رسم الخط قرآن هر چه نزدیک‌تر به رسم الخط فارسی شکل بگیرد. یعنی آموزش قرآن در آغاز از سواد فارسی بهره ببرد و از نقطه‌ای که نزدیک‌ترین نقطه به سواد فارسی است، روخوانی و قرائت قرآن شروع شود. بعد به تدریج برسد به رسم الخط کامل و متداول قرآن که این سرانجام آموزش است. پس یک آغاز داریم برای روخوانی قرآن و یک انجام داریم. آغاز آموزش روخوانی، سواد فارسی است، الفبای فارسی است و نقطه انجام آن، رسیدن به رسم الخط متداول و متعارف قرآن در جامعه است. براساس این اصل مهم در آموزش که بیان می‌دارد: آموزش باید از ساده و آسان به سمت مشکل و از معلوم به سمت مجهول برود، آموزش روخوانی از حالت ساده و معلوم آغاز می‌شود و به حالت پیچیده و کامل آن می‌رسد که همین رسم الخط متداول است.

○ پس می‌توان گفت دلیل انتخاب رسم الخط کم‌علامت

انتخاب می‌کند، لذا عمده ترجمه‌های معاصر، مخصوصاً این دو سه دهه‌ی اخیر که ترجمه‌های فراوانی از قرآن داشته‌ایم، همه به خط عثمان‌طه چاپ و توزیع شده‌اند. این هم یکی از دلایل رواج خط عثمان‌طه بود. گرچه این خط برای روخوانی مشکلات عدیده‌ای دارد که در جای خودش درباره‌ی آن بحث و بررسی می‌شود. ولی کلاً این خط چشم‌نواز است و هر کس آن را می‌بیند، از آن خوشش می‌آید و به آن علاقه‌مند می‌شود.

○ سؤال بعدی این است که چه زمینه‌هایی ایجاد شد که شما به فکر تولید یا ایجاد رسم الخط کم‌علامت افتادید؟ آن چه که الان در جامعه به عنوان رسم الخط کم‌علامت شناخته می‌شود.

● اول تدریس وسیع روخوانی قرآن به عموم مردم، این مسئله را پیش آورد. از روزی که معلمی را شروع کردم، یعنی از سال ۱۳۵۸ تا به حال، هیچ زمانی از تدریس روخوانی منفک نبودم. این ارتباط مستمر من با تدریس روخوانی، چه برای نوآموزان، چه برای مربیان، معلمان و دانشجویان، باعث شد با مشکلات عدیده‌ای که در رسم الخط وجود داشت، مواجه شوم. به همین سبب بر آن شدم، هم در روش تدریس و هم در شیوه‌ی کتابت قرآن، تجدیدنظر کنم. ما در کجا مجاز هستیم که رسم الخط را از نظر علمی و از نظر آموزشی تغییر دهیم و به سمت مطلوب‌تر، آن را شکل بدهیم؟ یک عامل این بود.

عامل دیگر، گرفتاری‌هایی بود که معلمان داشتند، و مشکلاتی که مرتب با آن‌ها مواجه بودند. از همه مهم‌تر این که شیوه‌ی موجود باعث غلط خواندن مردم می‌شود. البته اشتباه خواندن مردم، فقط از اشکالات رسم الخط نیست و متعدد است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، عدم انس با قرآن است. دوم، روش تدریس و ضعف شیوه‌های تدریس معلمان و مربیان است. سوم، خود رسم الخط و شیوه‌های رسم الخط است که به هر کدام آن‌ها در جای خودش باید بپردازیم.

شیوه‌های رسم الخط موجود، چه خط عثمان‌طه و شیوه‌ی کشورهای عربی، و چه شیوه‌ی ایرانی و سایر شیوه‌ها، هر کدام به نوعی باعث اشتباه خواندن مردم می‌شود. من همه‌ی این رسم الخط‌ها را تجربه کرده‌ام. البته این موضوع به کار علمی و آزمایش نیاز دارد. باید رسم الخط‌ها را در کنار هم امتحان و بررسی کنیم و محاسن و معایب هر کدام را استخراج کنیم. این کار به‌طور علمی و کامل هنوز اتفاق نیفتاده است. اگر هم کاری تا





برای مدارس نظر کارشناسان زبان آموزی و متخصصین آموزش قرآن بوده است.

خوش‌نویسی هم تا حد زیادی در آن ملحوظ شده است. البته اگر بخواهد وضع جامعه با همین رسم‌الخط‌های متعارف باشد، ما باید تدابیری داشته باشیم که در دوره‌ی راهنمایی، دانش‌آموزان آرام‌آرام با رسم‌الخط متعارف و متداول ایرانی، نه این رسم‌الخط جدید ایرانی، بلکه با رسم‌الخط قدیمی و سنتی ایرانی و همین‌طور رسم‌الخط مصری و کشورهای عربی که شایع‌ترین رسم‌الخط‌های کشور ما هستند، آشنا شوند تا بتوانند از هر قرآنی در مسجد یا در منزل استفاده کنند.

به‌نظر من شایسته است که قدری هم متناسب با مراکز استان‌ها هم عمل کنیم. یعنی اگر در استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان، رسم‌الخط شبه‌فاره‌ی هند متداول‌تر است، آن رسم‌الخط را به دانش‌آموزان منطقه هم یاد بدهیم. باید به سنت‌ها، شیوه‌ها و عرف آن جامعه احترام بگذاریم. ولی در سایر مناطق کشور، دو رسم‌الخط عمده مدنظر است: یکی رسم‌الخط ایرانی است و دیگری رسم‌الخط کشورهای عربی، یعنی مصر و عربستان. باید دانش‌آموز ما در پایان دوره‌ی راهنمایی مهارت خواندن این رسم‌الخط‌ها را داشته باشند، مگر این‌که تغییر و تحولی در کشور صورت پذیرد و همین رسم‌الخط کم‌علامت، به رسم‌الخط اصلی و استاندارد ما، تبدیل شود و دانش‌آموزان مصحف کاملی از این رسم‌الخط در اختیار داشته باشند. آن‌وقت می‌توان از رسم‌الخط‌های دیگر جزوات کمکی تهیه کرد، مثلاً می‌توانیم برای رسم‌الخط عثمان‌طه یک راهنمای مختصر تهیه کنیم که اگر دانش‌آموز خواست، با مطالعه‌ی آن راهنما بتواند از قرآنی با این رسم‌الخط هم استفاده کند. این بستگی دارد به زمان آموزش قرآن، برنامه‌ریزی درس قرآن، و تصمیم‌گیری کارشناسان برنامه‌های درسی و کتب درسی قرآن در آموزش و پرورش.

○ قرآن با رسم‌الخط کم‌علامت را از کجا می‌شود تهیه کرد؟

● چنین قرآنی را در حال حاضر وزارت ارشاد، سازمان اوقاف، مرکز طبع و نشر قرآن که این رسم‌الخط را سازمان‌دهی کرده است و برخی از ناشران تهیه می‌کنند.

○ در شهرستان‌ها، معلمان قرآن با چه عنوانی می‌توانند این قرآن را تهیه کنند؟

● انتشارات اسوه و چاپ و نشر وزارت ارشاد، قرآن با این رسم‌الخط را بارها چاپ کرده‌اند.

● بله دقیقاً این‌طور است، این نگاه باعث شد که رسم‌الخط کم‌علامت انتخاب شود، چون از نظر شیوه‌ی کتابت و کم‌علامت بودن، نزدیک‌ترین رسم‌الخط به خط فارسی است. البته رسم‌الخط کتاب‌های درسی با رسم‌الخط مصحف کم‌علامت تفاوت‌هایی دارد. یکی این است که در کتاب‌های درسی، به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، عمدتاً از رسم‌الاملا‌ی عربی استفاده شده که نزدیک‌ترین شیوه‌ی کتابت به فارسی است. یعنی از رسم‌المصحف که از رسم‌الاملا‌ی عربی قدری مشکل‌تر است، در کتاب‌های درسی استفاده نشده است؛ مگر به‌صورت صفحاتی از قرآن در پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی، به‌ویژه پایه‌ی پنجم.

تفاوت دوم این است که حروف چینی متن قرآن با حروف معمولی ساده، خیلی باز و به دور از ترکیبات هنری است. نکته‌ی سوم این است که عبارات قرآن به‌صورت جمله‌جمله تقطیع شده‌اند و هر جمله در یک سطر قرار گرفته است تا هم از نظر روخوانی کوتاه و آسان باشد، هم از نظر وقف و ابتدا روشن باشد که از کجا شروع کنیم و در کجا توقف کنیم، و هم از نظر فهم و درک آیات، کار راحت‌تر باشد. اما در مصحف کم‌علامت، یعنی قرآن کاملی که با رسم‌الخط کم‌علامت تهیه شده، این سه مطلب لحاظ نشده است. یکی این‌که از رسم‌المصحف استفاده شده و رسم‌المصحف از رسم‌الاملا‌ی قدری مشکل‌تر است. دوم این‌که سطرها پر هستند و این‌طور نیست که هر جمله در یک سطر باشد. و سوم این‌که از ترکیبات هنری خوش‌نویسی استفاده شده و خط مشکل‌تر از خط ساده‌ی کتاب‌های درسی است.

○ می‌توانید مراحل آموزشی و پیشرفت قرائت قرآن را در مدارس از روی رسم‌الخط مرحله به مرحله توضیح بفرمایید.

● آموزش روخوانی قرآن در کتاب‌های درسی، ابتدا از رسم‌الخط املا‌یی عربی که نزدیک‌ترین حالت به فارسی است، با جمله‌های تقطیع شده - هر جمله در یک سطر - و با خط ساده و به اصطلاح روزنامه‌ای، آغاز می‌شود. سپس می‌رسیم به کتابت قرآن در مصحف شریف که با رسم‌الخط کم‌علامت است و هم‌هی جمله‌ها پشت سر هم آمده‌اند. به‌علاوه، رسم‌المصحف، یعنی کتابت مستند ویژه‌ی قرآن که از صدر اسلام تا کنون وجود داشته، در قرآن کامل رعایت شده و ترکیبات هنری و

شیخ عبدالباسط محمد عبدالصمد

نقطه اعتدال در عالم قرائت

دکتر امیر محمود کاشفی

مقدمه

بدون شک، گوهر یکدانه‌ای هم‌چون مرحوم شیخ عبدالباسط محمد عبدالصمد را می‌توان واسطه العقد دانه‌های جواهر در گردنبد عالم قرائت دانست. شأن او در عالم قرائت چنان است که نه تنها نمی‌شود آن را فراموش کرد که به جرئت می‌توان گفت: او باب ورود به مدینه‌ی قرائت به سبک جدید است و هیچ‌کس نیست که قرائت قرآن را با یاد او توأم نکند. متأسفانه تاکنون اقدامی برای شناساندن قرائت این نابغه‌ی بزرگ و ذکر نقاط قوت آن و در نتیجه ترویج سبک او و در نهایت جذب نوجوانان و جوانان به عالم قرائت صورت نگرفته است. آن‌چه اینک تقدیم می‌شود، شاید اولین گام در این راه باشد و امیدواریم که صاحبان فضل و فن کار را پی‌بگیرند و به کمال برسانند.

در این مقاله عناصر قابل توجه در تلاوت شیخ عبدالباسط دسته‌بندی و تحت عناوین زیر عرضه شده‌اند:

(الف) صدا

(ب) استیلا بر صوت و لحن، به‌جای متوسل شدن به فنونی که ضعف‌ها را جبران می‌کنند.

(ج) تحریرها

(د) حسن انتخاب در اختلاف قرائت

(هـ) مشی اقتصاد در استخدام الحان

(و) تقلید از او

(ز) ادب قرائت

(ح) نوارهای استودیویی او

(ط) لزوم تجدیدنظر در تجویز صدای قاریان برای عموم و نیز دانش‌آموزان

(ی) آموزش و پرورش

با این مقدمه اینک به شرح عناوین می‌پردازیم:

(الف) صدای این قاری در نهایت نفاست و در کمال اعتدال است. برخوردار از بم فخم و پرشکوه و اوج قدرتمند و بدون خدشه، و ترکیب متناسب این دو با هم، یکی از ویژگی‌های صدای این قاری بزرگ است.

از طرف دیگر، صدای او بین دهان و بینی به‌طور بسیار معتدلی تقسیم شده است. یعنی غنای صدا بسیار متناسب با حجم صدا و جوف دهان است. در نتیجه انسان در استماع صدای او یک طنین و حنین منحصر به فرد احساس می‌کند؛ علی‌الخصوص هنگامی که آیات به کلمات مختوم به نون پایان می‌پذیرند.

(ب) معمولاً قاریان بزرگ مصری در اوج صدا از فنونی استفاده می‌کنند تا سختی و مشقت اوج را به حداقل برسانند. از جمله‌ی این



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

+ **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

+ **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

+ **رشد دانش‌آموز** (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

+ **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

+ **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

+ **رشد آموزش ابتدایی** + **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی** + **رشد تکنولوژی آموزشی** + **رشد مدرسه فردا** + **رشد مدیریت مدرسه** + **رشد معلم**

مجله‌های تخصصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

+ **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) + **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره‌ی متوسطه) + **رشد آموزش قرآن** + **رشد آموزش معارف اسلامی** + **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** + **رشد آموزش هنر** + **رشد مشاور مدرسه** + **رشد آموزش تربیت بدنی** + **رشد آموزش علوم اجتماعی** + **رشد آموزش تاریخ** + **رشد آموزش جغرافیا** + **رشد آموزش زبان** + **رشد آموزش ریاضی** + **رشد آموزش فیزیک** + **رشد آموزش شیمی** + **رشد آموزش زیست شناسی** + **رشد آموزش زمین شناسی** + **رشد آموزش فنی و حرفه‌ای** + **رشد آموزش پیش دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

◆ تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۸۳۹۱۸۶

فنون، توسل به اختلاف قرائت، علی‌الخصوص سکت قبل از همزه، قرائت فقط چند کلمه در یک نفس در اوج و بقیه به صورت نیم‌اوج یا بم است. اما عبدالباسط با اوج یکنواخت قرائت می‌کند و این توانایی در حفظ اوج، باعث شگفتی و ابتهاج شنونده می‌شود و او را از خستگی و کسالت بیرون می‌آورد.

ج) اجرای تحریرها در صدای شیخ عبدالباسط یکی دیگر از لطایف کار اوست. او چه در صدای بم و چه در صدای زیر، هرگونه تحریری را که برای صدا و تلاوت لازم باشد، در کمال ظرافت و اعتدال و به دور از هرگونه افراط و تفریط می‌آورد. بعضی از قاریان با همهی مهارت و حذاقت در امر قرائت، تحریرهایی در صدا می‌آورند که از زیبایی کافی برخوردار نیستند و به خشونت بدوی نزدیک‌اند. طبع عبدالباسط که خود بزرگ‌شده‌ی کشور متمدن و اصیل مصر است، تحریرهای قروی و بدوی را منکر می‌داند و در استخدام تحریرها، از بهترین سلیقه و پسند برخوردار است. توانایی او در اجرای خواسته‌هایش هم به تمام و کمال است.

یکی از قدرتمندترین قاریان در اجرای تحریرهای دشوار و فوق‌دشوار، محمد رفعت است. کمتر تحریری وجود دارد که او در تلاوتش از آن استفاده نکرده باشد. اما همین قاری شهیر و بزرگ در برخی موارد، شکستگی‌هایی به‌عنوان تحریر در صدایش ایجاد می‌کند که از نفاست لازم برخوردار نیستند و اگر این ضعف نبود، و این‌که غنه در صدایش غالب است، به دلیل غنا در آهنگ و آفرینش‌های بی‌پایان نغمه‌های ناب، هیچ قاری به حد او نمی‌رسید.

در میان قاریان، کسانی مثل هاشم هیبه، درویش طالب و حسین منصور وجود دارند که باید گفت، صدای این قاریان و تحریرها و ارتعاشات موجود در صدای آن‌ها، با این‌که دارای نمک و حلاوت مخصوص به‌خود است، اما از نظر سطح و کیفیت نسبت به صدای عبدالباسط پایین‌تر است و حق آن است که هر کدام را در جایگاه خود بررسی کرد. اگر بخواهیم از میان قاریان بزرگ و هم‌دوره‌ی عبدالباسط، کسی را نام ببریم که تقریباً از این حیث هم‌سطح او باشد، باید از شیخ عبدالعزیز شعبان الصیاد نام برد.

د) این قاری بزرگ در استفاده از اختلاف قرائت به‌عنوان یک فن و یک تزئین، بسیار خوش سلیقه و دارای حسن انتخاب است. مواردی از اختلاف را برمی‌گزیند که موجب تنافر طبع نمی‌شود و غرابت استعمال ندارد، بلکه ممد لحن و لفظ و تقویت‌کننده‌ی معنی است. بعضی از قاریان بزرگ از اختلاف قرائت به‌عنوان وسیله‌ای برای جبران کاستی‌های خود استفاده می‌کنند و مثلاً از سکت برای تجدیدنفس سود می‌برند. ولی شیخ عبدالباسط، به‌دلیل آن‌که از توانایی لازم برخوردار است و از طرف دیگر ظرافت و نزاکت در قرائت او در سطحی متعالی است، از دست یازیدن به این وسایل احتراز می‌کند.



برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ی درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک با پست سفارشی. (کپی فیش رانزد خودنگه دارید.)

+ نام مجله های درخواستی :

.....

+ نام و نام خانوادگی:

.....

+ تاریخ تولد:

.....

+ میزان تحصیلات:

.....

+ تلفن:

.....

+ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: کد پستی:

+ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

از نمونه‌های بارز و زیبای اختلاف قرائت شیخ عبدالباسط می‌توان به مواردی از قبیل: سکت و نیز نقل و حذف در آیه (و لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً)، «حشر و تکویر معروف» و همچنین وجوه مختلف در کلمه (هیت لک) در سوره‌ی یوسف اشاره کرد. توجه به معنی در این آیات ارزش کار شیخ را در اجرای اختلاف قرائت بیشتر نمایان می‌کند.

(ه) لحن و آهنگ در قرائت شیخ عبدالباسط از چنان غنا و مایه‌ای برخوردار است که این قاری اگر اراده‌ی یکنواخت‌خوانی هم داشت، مستمع به هیچ‌وجه دچار ملالت خاطر نمی‌شود. ما در آثار تلاوتی او به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که او نیم‌ساعت و بلکه بیشتر را با یک لحن و نغمه خوانده، ولی شنونده نه تنها خسته نشده که هم‌چنان طالب استماع بقیه‌ی تلاوت بوده است.

باید گفت: او در گزینش نغمه‌ها و به‌کارگیری الحان، مشی اقتصادی را پیش می‌گرفت و به همین دلیل قوام و دوام بر خواندن او و استماع شنوندگانش حاکم می‌شد. از نمونه‌های بارز تلاوت او که در عین پرهیز از تنوع از نهایت جذابیت برخوردار است، تلاوت سوره‌ی مریم است که در استودیو صورت گرفته و از عیون آثار بجا مانده در عالم قرائت بشمار می‌رود.

(و) قرائت عبدالباسط در عین آن‌که قابل تقلید به‌نظر می‌رسد، اما وقتی قاریان طراز بالا به تقلید از کار او می‌پردازند، به‌خوبی احساس می‌کنند که از عهده بر نمی‌آیند و علی‌رغم روشن بودن آهنگ و آشنا بودن نغمه‌ها با ضمیر و قریحه، اما اجرای کامل آن را دور از دسترس می‌بینند. به همین دلیل، معمولاً نوجوانانی که از صدای زیر برخوردارند، همواره شائق هستند که به سبک این قاری تلاوت کنند. گاهی هم خود را موفق می‌پندارند. اما اهل فن از نقاط ضعف به‌خوبی آگاه‌اند و قدرت و عظمت صدای عبدالباسط را به‌خوبی تشخیص می‌دهند.

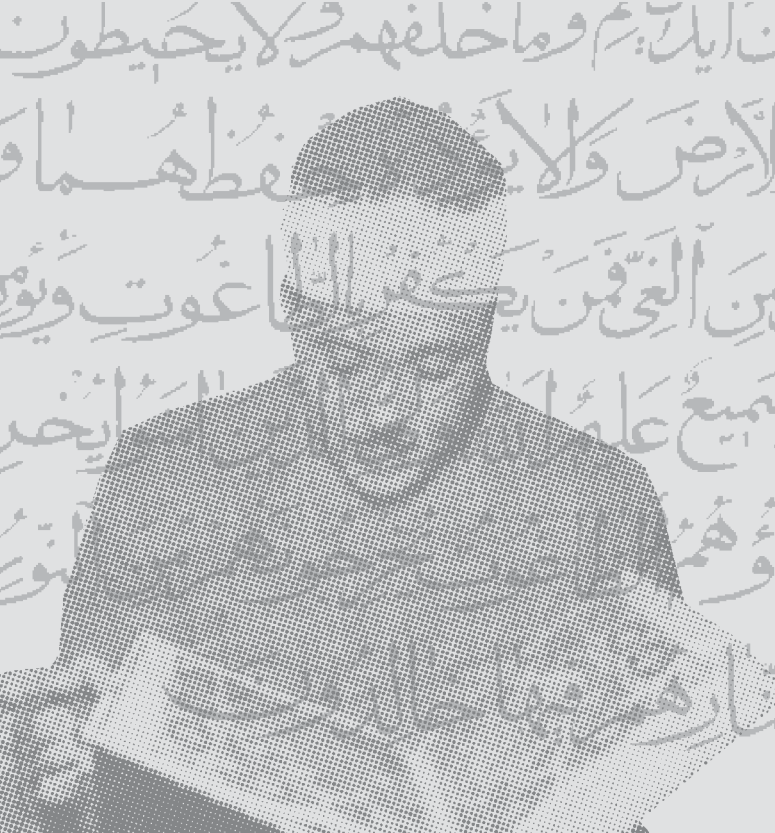
این موضوع که سبک و صدای عبدالباسط قابل تقلید می‌نماید، بهترین وسیله برای مبتدیان و نوجوانان است تا آن‌ها را در آستانه‌ی ورود به عالم قرائت قرار دهد. زیرا اگر نوجوان احساس کرد که توانسته است مقداری از خواسته‌ی خود را برآورده سازد، به ادامه کار امیدوار خواهد شد.

اینک که بیش از سه دهه از پخش تلاوت این استاد بزرگ و بی‌نظیر می‌گذرد، تجربه حکایت از آن دارد که هیچ تلاوتی در جلب افراد، اعم از پیر یا جوان، متعهد به مسائل دینی و غیر آن، اهل ذوق یا کم‌ذوق و بالاخره همه‌ی اقشار، هم‌چون تلاوت او موفق نبوده است. به‌گونه‌ای که می‌توان با جرئت گفت: اگر تلاوت شیخ عبدالباسط نبود، شاید دنیا با عالم قرائت و دریای لطایف آن در مصر آشنا نمی‌شد؛ هرچند که در این عالم و این دریا، گوهرهایی هم‌چون شیخ مصطفی اسماعیل و شیخ عبدالفتاح الشعشاعی باشند که نزد اهل فن، مرتبه‌ی آن‌ها از خود عبدالباسط هم بالاتر باشد.

- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
- نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir
- پست الکترونیک: Email: info@roshdmag.ir
- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- + هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- + مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.



ز) ادب قرائت در کار شیخ عبدالباسط از نقاط بارز قرائت اوست. او چه در استخدام صدا و چه در شمایل و حرکات و سکنتات، از وقار و متانت قابل توجهی برخوردار است و مستمع و بیننده‌ی خود را در فضایی خارق‌العاده قرار می‌دهد. حرکات و سکنتات او در تلاوت چنان است که اغلب قاریان دیگر، علی‌الخصوص غیرعرب، مایل‌اند که حتی در این مورد هم از او تقلید کنند.

ح) آن چه که از شیخ عبدالباسط برجای مانده، دو دسته نوار یکی استودیویی و دیگری مجلسی است. آن چه که برای آموزش پیشنهاد می‌شود، در وهله‌ی اول نوارهای استودیویی اوست. گفتنی است که این قاری بزرگ در برنامه‌های استودیویی که در سنین جوانی داشته، به خلق آثار بزرگ و جاودانی دست زده است که بعید می‌نماید، مشابه و جای‌گزینی داشته باشد.

تلاوت سوره‌های الرحمن، مریم و قصار السور از اهم کارهای او بوده است که پخش آن‌ها از رادیوهای دنیا، به‌طور سریع سیطره‌ی صدای قرآن بر همه‌ی صداها را محقق ساخت. او شأن تلاوت را به مرتبه‌ای رساند که همه‌ی رادیوهای عربی در کمال اشتیاق مژده‌ی پخش صدای این شیخ بزرگ را قبل از تلاوت می‌دادند. البته پخش صدای او از این رادیوها در سال‌های اخیر، خصوصاً پس از درگذشت آن مرحوم، رو به کاستی نهاده است و باید از این بابت اظهار تأسف کرد.

ط) تعدد قاریان و تنوع مراکز پخش صداها باعث شده است که گوهرهای یکدانه و بدلی درهم‌آمیزند و قوه‌ی عیارسنجی در این ازدحام تضعیف شود و سره از ناسره تمیز داده نشود. بدین لحاظ، مراکز که وظیفه‌ی اشاعه و آموزش قرائت قرآن را برعهده دارند، باید طی برنامه‌ای مشخص و مدون، با تجویز دقیق آن چه باید استماع شود و آن چه باید مورد پرهیز باشد، وظیفه‌ی خود را انجام دهند.

از جمله‌ی این مراکز سازمان صدا و سیما و نیز وزارت آموزش و پرورش هستند. صدا و سیما در پخش برنامه‌های قرآنی، چنان چه هدف و رویکردی را پیش روی خود نداشته باشد و فقط تابع جو و مقطع زمانی باشد، به‌طور قطع باعث خواهد شد که مزاج و طبع مستمعین بر اثر مرور زمان تغییر کند. چنان چه اینک پس از گذشت مدتی، می‌بینیم که سبک فلان مؤذن در اذهان مردم رسوخ کرده یا سبک فلان قاری و لحن‌های او جای‌گزین لحن‌های سابق شده‌اند. مثلاً اگر در گذشته قاریان به سبک شیخ عبدالباسط، منشاوی و مصطفی اسماعیل متمایل بودند، اینک به لحن‌های شخصی مثل متولی عبدالعالی تمایل دارند.

متأسفانه این اتفاق در میان قاریان ما به‌وقوع پیوسته است، به‌گونه‌ای که معدل الحان آن‌ها، علی‌الخصوص نسل جوان، اینک ترکیبی از نغمه‌های متولی عبدالعال، شحات انور، بسیونی و غلوش گشته است. از عمده‌ی عوامل این امر، اولاً دعوت مکرر از این

قرائت عبدالباسط در عین آن که قابل تقلید به‌منظر می‌رسد، اما وقتی قاریان طراز بالا به تقلید از کار او می‌پردازند، به‌خوبی احساس می‌کنند که از عهدی بر نمی‌آیند

قرا به ایران، و ثانیاً پخش بدون برنامه و هدف در صدا و سیما و بی‌توجهی به عواقب امر بوده است.

از طرف دیگر، استفاده‌ی بیجا از صدای عبدالباسط، مانند پخش قرائت او در مجلس عزاء و ماتم و قبرستان، باعث آن شده است که بعضی از آثار و نوارهای او تداعی مناسبی برای شنونده نداشته باشند و در نتیجه برای استماع صدای این قاری بزرگ کمتر رغبتی فراهم شود.

ی) وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌های آموزشی خود باید با تهیه‌ی سیر قرائتی از عبدالباسط و ارائه‌ی برنامه‌ی مدون از بدو تا ختم، دانش‌آموزان مستعد را در مسیر تعلیم قرار دهد؛ مسیری که طی دو سه دهه‌ی اخیر تجربه شده و تقریباً متفق‌علیه است.

البته وظیفه‌ی صاحب‌نظران و اهل تجربه این است که متنی متضمن دستورالعمل استماع مرحله به مرحله از قرائت عبدالباسط و نیز قاریان بزرگ دیگر تهیه کنند تا کسانی که در بدو راه هستند، بتوانند مطابق آن کار را شروع کنند. به‌عبارت دیگر، آن چنان که مثلاً برای خوش‌نویسی سرمشق ارائه می‌شود، برای قرائت هم از اول تا آخر سیر تعلیمی و عملی تجویز شود.

اخبار قرآنی

و علوم و معارف آن در نهج البلاغه»، «رساله‌ای در علوم قرآنی از حضرت علی (ع) به روایت نعمانی» و «نظر علمای شیعه در رابطه با برخی از مسائل علوم قرآنی» است.

علاقه‌مندان می‌توانند برای مشاهده و دسترسی به دانش‌نامه‌ی «مسائل علوم قرآنی» به پایگاه اینترنتی حوزه مراجعه کنند.

جلد بیستم بزرگ‌ترین معجم معنایی قرآن منتشر شد

گروه فعالیت‌های قرآنی: جلد بیستم بزرگ‌ترین معجم معنایی قرآن با نام «فرهنگ قرآن» از سوی بوستان کتاب قم منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، شعبه‌ی مؤسسه‌ی علمی‌فرهنگی دارالحدیث، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز فرهنگ و معارف قرآن، این کتاب حاوی هزاران موضوع قرآنی است که علاوه بر اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی معارف قرآن، خود نوعی تفسیر موضوعی محسوب می‌شود.

که از سوی بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم چاپ و منتشر شده است.

تحقیق و تصحیح، مهم‌ترین ضرورت سامان‌دهی

نسخ خطی قرآن است

گروه ادب: مهم‌ترین ضرورت در سامان‌دهی نسخ خطی قرآن در حال حاضر، تحقیق و تصحیح آن‌هاست، سپس باید این نسخه‌ها را چاپ و در اختیار محققان و پژوهشگران قرار داد.

گروه ادب: چهاردهمین جلد از تفسیر «تسنیم» آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از سوی مؤسسه‌ی تحقیقاتی «اسراء» منتشر شد.

به گزارش «خبرگزاری قرآنی ایران» (ایکنا)، تفسیر «تسنیم»، تفسیر ترتیبی قرآن کریم است. مؤلف در این جلد که تفسیر آیات ۳۱ تا ۸۵ سوره‌ی «آل عمران» را در بر می‌گیرد، پس از تفسیر مفردات هر آیه، به تناسب آیات و شأن نزول‌ها اشاره کرده است، سپس به نکات، لطایف و دیگر موضوعات مربوط به آیات می‌پردازد.

جلد چهاردهم تفسیر ترتیبی تسنیم آیت‌الله جوادی آملی، در ۸۱۳ صفحه و شمارگان ۵۰۰۰ نسخه به قیمت ۸۲۵۰ تومان به تحقیق و تنظیم حجت‌الاسلام والمسلمین «عبدالکریم عابدینی»، منتشر شده است. یادآوری می‌شود، این تفسیر در بخش حوزوی شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن رتبه‌ی نخست پژوهش را کسب کرد.

دانش‌نامه‌ی «مسائل علوم قرآنی» روی پایگاه اینترنتی

حوزه قرار گرفت

گروه وبلاگ و IT: دانش‌نامه‌ی «مسائل علوم قرآنی» با گزیده‌ای از پایان‌نامه‌های قرآنی، روی پایگاه اینترنتی حوزه قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، پایگاه اینترنتی حوزه در بخش دانش‌نامه‌ها به ارائه‌ی دانش‌نامه‌ای با عنوان «مسائل علوم پایان‌نامه‌های قرآنی ارائه شده در این دانش‌نامه شامل «علوم قرآنی از دیدگاه قرآن کریم»، «قرآن



سید محمد عمادی حائری، پژوهشگر و نویسنده، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان مطلب فوق گفت: «ما تقریباً در فهرست‌نگاری و معرفی نسخه‌های خطی قرآن غنی هستیم و اکنون زمانی است که باید به تصحیح و تحقیق روی این متون بپردازیم. بسیاری از قرآن‌های خطی در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی موجودند که خوش‌یختانه شناسایی و فهرست شده‌اند، اما متن آن‌ها تصحیح و چاپ نشده است.»

او ادامه داد: «لازم است این متون را به شیوه‌ی انتقادی و علمی بازخوانی، تصحیح و چاپ کرد، تا محتوای این نسخه‌های خطی در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گیرد.»

مؤلف «کتاب قرآن فارسی کهن» تصریح کرد: «نسخه‌های خطی قرآن دو گونه‌اند: برخی تنها متن قرآن را دربر می‌گیرند و برخی دیگر متن قرآن همراه با ترجمه‌های کهن را در خود جای داده‌اند که این ترجمه‌ها بیانگر زبان و ادبیات کهن فارسی هستند. تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی به‌ویژه نسخه‌های ترجمه‌دار، بسیار مهم است.»

علاقه‌مندان می‌توانند متن کامل مقالات را در بخش مقالات سایت فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های قرآنی به آدرس <http://quran-p.com> دریافت کنند.

فهرست‌نویسی نسخ خطی قرآن در ایران به فراموشی

سپرده شده است

گروه ادب: فهرست‌نویسی از نسخه‌های خطی قرآن در ایران امری است که به آن کمتر پرداخته شده و به نوعی به فراموشی سپرده شده است. در پاکستان نیز با وجود تعداد زیاد نسخه‌های خطی قرآن، فهرست‌نویسی چندانی روی آن‌ها صورت نمی‌گیرد.

عارف نوشاهی نسخه‌شناس و فهرست‌نگار پاکستانی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: «نسخه‌های خطی قرآن به لحاظ این‌که نوع خطوط اسلامی را مشخص می‌کنند، در تاریخ‌نگاری اسلامی اهمیت فراوان دارند. اگر این نسخه‌ها زیرنویس هم داشته باشند، ویژگی‌های زبان و ادبیات فارسی دوره‌ای را نسخه متعلق به آن است، نشان می‌دهند، در نتیجه اهمیت بیشتری می‌یابند.»

نوشاهی تصریح کرد: «مهم‌ترین ضرورت موجود در وضعیت نسخه‌های خطی قرآن، شناسایی و فهرست‌نویسی آن‌هاست. زیرا نسخه‌های قرآن به نسبت سایر نسخ خطی، کمتر فهرست‌نویسی شده‌اند. در صورت فهرست‌نویسی، نسخه‌ها دسته‌بندی می‌شوند و ویژگی‌های تاریخی و هنری آن‌ها نیز به‌صورت مشخص در دسترس قرار می‌گیرد.»

دانشیار و رئیس گروه فارسی دانشکده‌ی دولتی «گوردن، راول پندی» پاکستان ادامه داد: «در ابتدای کار باید سعی کرد نسخه به‌طور کامل شناسانده شود. هر نسخه ویژگی‌های خاص خودش را دارد و با نسخه‌ی دیگر متفاوت است. فرض

دانش‌نامه‌ی «معاد در قرآن» روی پایگاه اینترنتی حوزه قرار گرفت

گروه وبلاگ و IT: دانش‌نامه‌ی «معاد در قرآن» با گزیده‌ای از مقالات و مجلات قرآنی، روی پایگاه اینترنتی حوزه قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، پایگاه اینترنتی حوزه در بخش دانش‌نامه‌ها به ارائه‌ی دانش‌نامه‌ای با عنوان «معاد در قرآن» پرداخته است.

علاقه‌مندان می‌توانند برای مشاهده و دسترسی به دانش‌نامه‌ی «نزول قرآن و ترتیب آن»، به پایگاه اینترنتی حوزه مراجعه کنند.

دسترسی به مقالات دینی و قرآن در سایت «فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های قرآنی»

گروه وبلاگ و IT: سایت «فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های قرآنی»، مقالات دینی و قرآنی را در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، مقالات «نکته‌های تفسیری در سوره‌ی حمد» به قلم آیت‌الله محمدهادی معرفت،

دسترسی به مقالات دینی و قرآن در سایت

«فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های قرآنی»

دوره‌ی هفتم، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۸





کرد و گفت: «با اجرای این طرح، نه تنها مهمانان مسلمان در هتل‌ها به راحتی به قرآن دسترسی پیدا می‌کنند، بلکه پیروان سایر ادیان هم می‌توانند اطلاعات بیشتری درباره‌ی قرآن و آموزه‌های اسلام کسب کنند. وی هم‌چنین از چاپ ۵۰ هزار تفسیر قرآن به زبان انگلیسی از سوی بخش توسعه‌ی اسلامی مالزی به‌عنوان بخشی از طرح یاد شده خبر داد.

دانش‌نامه‌ی «نزول قرآن و ترتیب آن» روی پایگاه اینترنتی حوزه قرار گرفت

گروه وبلاگ و IT: دانش‌نامه‌ی «نزول قرآن و ترتیب آن» با گزیده‌ای از مقالات و مجلات قرآنی، روی پایگاه اینترنتی حوزه قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، پایگاه اینترنتی حوزه در بخش دانش‌نامه‌ها به ارائه‌ی دانش‌نامه‌ای با عنوان «نزول قرآن و ترتیب آن» پرداخته است. علاقه‌مندان می‌توانند برای مشاهده و دسترسی به دانش‌نامه‌ی «نزول قرآن و ترتیب آن» به پایگاه اینترنتی حوزه مراجعه کنند.

دانش‌نامه‌ی «خدا در قرآن»، روی پایگاه اینترنتی حوزه قرار گرفت

گروه وبلاگ و IT: دانش‌نامه‌ی «خدا در قرآن» با گزیده‌ای از مقالات و مجلات، به همت محققان مرکز تحقیقات رایانه‌ای علوم اسلامی، روی پایگاه اینترنتی حوزه قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، پایگاه اینترنتی حوزه در بخش دانش‌نامه‌ها به ارائه‌ی دانش‌نامه‌ای با عنوان «خدا در قرآن» پرداخته است. از جمله مقالات و مجلات ارائه شده در این دانش‌نامه می‌توان به خداشناسی (۲)، صفات جمال و جلال الهی در قرآن، استدلال قرآن بر یگانگی پروردگار، توحید در قرآن، گفتاری در معنای توحید از نظر قرآن، آیه‌الکرسی پیام آسمانی توحید و اسماء و صفات خدا در قرآن اشاره کرد. علاقه‌مندان می‌توانند برای مشاهده و دسترسی به دانش‌نامه‌ی «خدا در قرآن»، به پایگاه اینترنتی حوزه مراجعه کنند.

کنید اگر ۱۰۰ قرآن به‌صورت نسخه‌ی خطی در اختیار داشته باشیم، هر ۱۰۰ تا از لحاظ ویژگی‌های ظاهری باهم متفاوت‌اند و هر یک ویژگی خود را دارد.»
نوشاهی با بیان این‌که در نسخه‌شناسی با دو بعد روبه‌رو هستیم گفت: «در نسخه‌شناسی یک بعد به کتاب‌شناسی و بعد دیگر به شناسایی نسخه مربوط است که شامل معرفی نسخه‌نویس، مصحح نسخه و... است. همه‌ی این موارد سبب می‌شوند که فهرست‌نویسی نسخ خطی پیچیده‌تر شود.»

این نسخه‌شناس گفت: «ضرورت دیگر در بحث نسخه‌شناسی قرآن، بررسی علائم نشانه‌ای در فهرست‌نویسی‌هاست و ضرورت دارد که نسخه‌های خطی از نظر علائم نیز بررسی شوند تا تاریخ علائم سجاوندی در قرآن‌ها مشخص شود.»

نوشاهی درباره وضعیت فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی در پاکستان گفت: «متأسفانه در پاکستان نیز تنها نسخه‌های خطی قرآن‌های موجود در کتاب‌خانه «گنج‌بخش» فهرست‌نویسی شده‌اند و سایر کتاب‌خانه‌ها، فهرستی از قرآن‌های موجود ندارند. او در پایان، درباره‌ی راه‌های جلوگیری از قاچاق نسخه‌های خطی قرآن گفت: «کتاب‌خانه‌ها و موزه‌ها باید نسخه‌های خطی را با قیمت‌های مناسب خریداری کنند، تا به نوعی از خروج غیرقانونی آن‌ها جلوگیری شود.»

کتاب‌خانه‌ی گنج‌بخش زیر نظر مرکز ادبیات فارسی ایران و پاکستان در شهر اسلام‌آباد اداره می‌شود.

اجرای طرح دسترسی به قرآن در هتل‌های مالزی

گروه بین‌الملل: معاون نخست‌وزیر مالزی، ۳۰ آبان ۱۳۸۷، از طرح ارائه‌ی قرآن و تفاسیر قرآنی در هتل‌های این کشور خبر داد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به نقل از روزنامه‌ی «استار»، احمد زید حمیدی با بیان این خبر تأکید کرد: «دستر نخست‌وزیری مالزی، طرح ارائه‌ی قرآن و تفاسیر آن در هتل‌های این کشور را با توزیع نسخه‌های قرآنی و تفاسیر آن در اتاق‌های هتل‌های پنج‌ستاره‌ی شهر «پتروجايا» آغاز کرده است که به زودی در سراسر کشور گسترش می‌یابد.»

وی از استقبال میهمانان هتل‌های شهر پتروجايا و اعضای انجمن هتل‌داران مالزی از اجرای این طرح ابزار خرسندی



کمبود نیروی کارآمد، مانع تحقق اهداف رسانه‌ی

قرآنی است

گروه بین‌الملل: رسانه‌های قرآنی نقش مهم در آشنایی مسلمانان و حتی غیرمسلمانان با آموزه‌های کلام وحی ایفا می‌کنند، اما کمبود نیروی کارآمد، تحقق اهداف این گروه از رسانه‌ها را با مشکل مواجه کرده است.

صلاح سلمان حسین‌الحسنی، روزنامه‌نگار روزنامه‌ی «العدالة» عراق و شرکت کننده در پانزدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی مطبوعات و خبرگزاری‌ها در تهران، در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار بخش بین‌الملل خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) ضمن بیان این مطلب گفت: «با توجه به علاقه‌ی بسیاری از مشتاقان قرآن به بهره‌مندی از آموزه‌های این کتاب مقدس، گروهی از رسانه‌های اسلامی و قرآنی پاسخگوی نیاز جامعه‌ی امروز نیستند؛ بنابراین کشورهای اسلامی باید تعداد چنین رسانه‌هایی را افزایش دهند و با راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ی قرآنی، برنامه‌هایی با محتوای آموزه‌های ارزنده‌ی کلام وحی تولید کنند.»

الحسنی در ادامه، تلاش‌های ضداسلامی غربی‌ها برای مخدوش کردن چهره‌ی اسلام را تشریح کرد و افزود: «در حال حاضر تروریسم برای مخدوش کردن چهره‌ی اسلام تلاش می‌کند و دشمنان اسلام نیز از عملیات تروریستی در سراسر جهان سوء استفاده و آن را با نام اسلام معرفی می‌کنند. این در حالی است که اسلام دین تسامح و محبت است و در آموزه‌های اسلامی خشونت و تروریسم جایگاهی ندارند.»

این روزنامه‌نگار عراقی هجمه‌های تبلیغاتی غرب را نیز از دیگر تلاش‌های ضداسلامی نو استعمارگران عصر حاضر برشمرد و اظهار کرد: «این هجمه‌ها نیز به گونه‌ای دیگر و از طریق رسانه‌های گروهی، مفاهیم ارزنده‌ی دین مبین اسلام را هدف قرار داده‌اند و این رسانه‌ها اسلام و تاریخ درخشان آن را به شیوه‌ی دل‌خواه خود تحریف و به جهانیان معرفی می‌کنند.»

وی برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌های اسلامی را اقدامی مهم در راستای مبارزه با هجمه‌های ضداسلامی غرب توصیف کرد و گفت: «مسلمانان باید در چنین همایش‌هایی با ارائه‌ی دستاوردهای خود به جهانیان اعلام کنند، اسلامی که غربی‌ها از آن دم می‌زنند، اسلام اصیل نیست، بلکه آموزه‌های این دین انسانی، منبعی مهم برای هدایت و سعادت بشر است.»

الحسنی در پاسخ به سؤال خبرنگار ایکنا درباره‌ی عملکرد رسانه‌های اسلامی در برابر تبلیغات ضداسلامی غربی‌ها، این عملکرد را ناموفق ارزیابی کرد و افزود: «مسئولان رسانه‌های اسلامی باید بیش از گذشته هوشیار باشند و با همفکری یکدیگر، شبکه‌های اسلامی جدیدی راه‌اندازی کنند و با تهیه‌ی برنامه‌های دینی به‌ویژه برپایی نشست‌های گفت‌وگوی ادیان در این رسانه‌ها، برای آشنایی غیرمسلمانان با آموزه‌های اسلام ناب محمدی، بکوشند. کشورهای اسلامی باید برای تربیت اصحاب رسانه‌ی آگاه به تبلیغات ضداسلامی غرب، تمام تلاش‌های خود را یکپارچه کنند و با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز اسلامی برجسته، کارشناسانی خیره تربیت کنند تا به راحتی بتوانند چالش‌های پیش روی جهان اسلام را شناسایی کنند و راهکارهایی مؤثر برای مبارزه با آن‌ها ارائه دهند.

این روزنامه‌نگار عراقی، در ادامه نقش اصحاب رسانه را در ناکام گذاشتن تبلیغات غربی‌ها مهم بر شمرد و تأکید کرد: «هر یک از فعالان عرصه‌ی رسانه، به نوبه‌ی خود مسئولیت عظیم دفاع از اسلام را بر عهده دارند. آنان باید قلم، زبان و هنر خود را به کار گیرند و به شیوه‌های گوناگون، هجمه‌های ضد اسلامی را شناسایی کنند و تمام توان خود را برای شکست آن‌ها به کار گیرند.»

وی که برای نخستین بار حضور در جشنواره‌های بین‌المللی مطبوعات را تجربه می‌کند، در بخش دیگری از این گفت‌وگو، روند برگزاری پانزدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی مطبوعات تهران را مورد بررسی قرار داد و گفت: در این جشنواره، بسیاری از رسانه‌های فعال حوزه‌ی بین‌الملل حضور دارند و مشارکت گسترده‌ی مطبوعات کشورهای عربی و اسلامی در این رویداد رسانه‌ای، بیانگر روابط حسنه‌ی ایران با این کشورهاست.»

روزنامه‌نگار روزنامه‌ی العدالة هم‌چنین عملکرد رسانه‌های گوناگون عراق قبل و بعد از فروپاشی رژیم بعث را تشریح کرد و یادآور شد: «در حال حاضر، بسیاری از رادیوها و رسانه‌های اسلامی عراق آزادانه و به‌صورت فعال برنامه‌های متنوعی تولید و پخش می‌کنند. این در حالی است که در زمان رژیم بعث، بسیاری از رسانه‌های این کشور در خدمت منافع این رژیم فعالیت می‌کردند و اصحاب رسانه با محدودیت‌های خاصی مواجه بودند.»

به گفته این فعال عرصه‌ی رسانه، نخستین شماره‌ی روزنامه‌ی العدالة عراق در تاریخ ۲۰۰۲، ۲۲، ۵، در این کشور چاپ





گردان قدر نمونه است که از زوایای گوناگون به آن پرداخته شده است.

نسخه‌های خطی قرآن در میان نسخه‌شناسان مهجور مانده است

گروه ادب: فرزانه عزیززاده معتقد است، نسخه‌های خطی قرآن با وجود تعداد بسیار زیاد و نفیس بودن، در میان نسخه‌شناسان مهجور مانده‌اند.

فرزانه عزیززاده، نسخه‌شناس کتابخانه ملی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: «هم‌اکنون اندکی از نسخه‌شناسان روی قرآن کار می‌کنند و با وجود تعداد زیاد نسخه‌های خطی قرآن، کار چندانی به صورت ویژه روی این نسخه‌ها صورت نمی‌گیرد. یکی از دلایل این امر می‌تواند این باشد که نسخه‌های خطی قرآن به دلایل اهمیت بالایی که دارند، در دسترس همه‌ی نسخه‌شناسان قرار ندارند. بنابراین آن‌ها نمی‌توانند نسخه‌شناسی را انجام دهند.»

این نسخه‌شناس افزود: «برخلاف تصور عموم، در حال حاضر تعداد نسخه‌های نفیس قرآن کریم که چاپ یا معرفی می‌شوند، اندک است.

هم‌چنین در زمینه‌ی نسخ خطی هم تنها معدودی از افراد روی این نسخه‌های قرآن فهرست می‌نویسند و جز این‌ها در زمینه‌ی نسخه‌های خطی قرآن کریم کارهای نفیس دیگری نداریم و نیز بسیاری از نسخه‌شناسان توانای قرآن کریم دیگر در قید حیات نیستند تا از وجود آنان بهره‌بریم.»

او ادامه داد: احمد سهروردی، علاءالدین تبریزی و محمدشفیع ارسنجانی کاتبان نسخ خطی قرآن هستند که من روی این نسخ فهرست‌نویسی و نسخه‌شناسی انجام داده‌ام. او تصریح کرد: «در ایران فهرست‌نویسی بیشتر از نسخه‌شناسی انجام شده، چرا که ممکن است در چند ساعت بتوان یک نسخه را در ۵ صفحه فهرست کرد.

عزیززاده در پایان گفت: هم‌اکنون کتابخانه ملی، آستان قدس و سایر مراکز و کتابخانه‌های فعال در امور نسخ خطی قرآن، کارهای خوب و ویژه‌ای را در زمینه‌ی شناسایی و سامان‌دهی انجام داده‌اند که امیدوارم این تدابیر به وضعیت بهتر نسخ خطی بینجامد.

شد و این روزنامه در حال حاضر به‌عنوان رسانه‌ای وابسته به «مجلس اعلای اسلامی عراق»، اخباری در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی منتشر می‌کند.

صلاح‌الحسنی در پایان این گفت‌وگو، ضمن قدردانی از مسئولان برگزاری پانزدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی مطبوعات و خبرگزاری‌ها در تهران ابراز امیدواری کرد، تلاش جمهوری اسلامی ایران برای برگزاری همایش‌های اسلامی همچنان ادامه یابد. پانزدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی مطبوعات و خبرگزاری‌ها، ۲۶ آبان‌ماه با حضور محمدحسین صفار هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مصالای تهران گشایش یافت و تا دوم آذرماه پذیرای علاقه‌مندان بود.

حیات قرآنی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی منتشر شد

گروه خبرنگاران افتخاری/ امیرمحسن سلطان احمدی: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، کتابی با عنوان «حیات قرآنی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی» منتشر کرد.

به گزارش خبرنگار افتخاری خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به نقل از روابط عمومی صدا و سیما، قرآن کریم معجزه‌ی جاویدان رسول گرامی اسلام، اقیانوس بیکرانی است که گوهرهای معرفت الهی را در اختیار تشنگان حقیقت قرار می‌دهد و هر کس به اندازه‌ی همت و ظرفیت خویش از آن بهره‌بر می‌برد. در این مسیر غواصانی بوده‌اند که زندگی خویش را صرف صید مرواریدهای ناب قرآن کرده و آن را در اختیار شیفتگان کلام الهی قرار داده‌اند.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی از جمله افرادی است که بیش از شصت سال از عمر گران‌بهای خود را در خدمت قرآن گذراند و آثار بسیاری را در این زمینه تقدیم جامعه‌ی اسلامی کرد. این پژوهش به پاس زحمات ایشان در راه اعتلای قرآن کریم نگاشته شده و گذری است بر سیره‌ی علمی و عملی با تأکید بر حیات قرآنی ایشان.

غیر از بخش آثار قرآنی، بقیه‌ی مباحث کتاب تنظیم جدیدی است از کتاب حیات پربرکت نوشته‌ی آقااحمد قدسی. کتاب در دو فصل سامان یافته است. فصل اول گذری است بر زندگان، سیره‌ی اخلاقی و فعالیت‌های سیاسی ایشان، فصل دوم عهده‌دار معرفی آثار غیر قرآنی و قرآنی به‌ویژه تفسیر



اگر می‌خواهید در شهرستان محل زندگی خود مؤسسه‌ی قرآنی با حمایت مادی و معنوی وزارت ارشاد اسلامی راه‌اندازی کنید این دست‌ورعمل را به دقت مطالعه کنید.

مراحل اجرایی اخذ مجوز تشکیل مؤسسه‌ی قرآنی

- تشکیل پرونده در دفتر کارشناس قرآن و عترت اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مربوط
- انجام مصاحبه‌ی تخصصی و استعلام از حراست در اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان
- انجام مصاحبه توسط کارشناسان مرکز، داوری توسط رئیس مرکز و طرح پرونده در هیئت رسیدگی و صدور مجوز فعالیت

مدارک مورد نیاز اعضای هیئت



مؤسس و مدیرمسئول

۱. تقاضای تأسیس با ذکر دلایل توجیهی (صورت‌جلسه‌ی تأسیس مؤسسه‌ی فرهنگی)؛
۲. تصویر تمام صفحات شناسنامه‌ی مؤسسان (۱ نسخه) (تک‌منظوره، یک نفر کارشناس با مدرک تحصیلی مرتبط چندمنظوره، ۳ نفر کارشناس با مدرک تحصیلی مرتبط)؛
۳. تصویر آخرین مدرک تحصیلی (مدرک کارشناسی یا معادل و بالاتر)؛
۴. تصویر گواهی انجام خدمت وظیفه‌ی عمومی یا ارائه‌ی برگ معافیت دائم (در مورد مشمولان)؛
۵. اصل پاسخ استعلام دادگستری و یا اصل گواهی سوء‌پیشینه؛
۶. عکس ۳×۴ جدید (چهار قطعه) با درج نام و نام‌خانوادگی در پشت کلیه‌ی عکس‌ها؛
۷. ارائه‌ی اساس‌نامه (۱ نسخه)؛
۸. ارائه‌ی صورت‌جلسات؛
- صورت‌جلسه مجمع عمومی مؤسسین؛
- صورت‌جلسه هیئت‌مدیره؛
۹. تکمیل پرسش‌نامه‌ی مشخصات فردی

چگونه می‌توان یک مؤسسه‌ی خصوصی فعال قرآنی راه‌اندازی کرد

آشنایی با مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



توسط اعضا (حداقل اعضای مؤسسات چندمنظوره: ۳ نفر- تک منظوره: ۱ نفر)؛

۱۰. مستندات سوابق فعالیت‌های فرهنگی هیئت مؤسس در حوزه قرآن و عترت (متناسب با زمینه فعالیت‌های درخواستی)؛

۱۱. برگه‌های پاسخ استعلام از مراکز مربوط و محل کار متقاضیان؛

۵. حوزه‌ی نشر مکتوب و الکترونیک
تألیف، گردآوری، تدوین و عرضه‌ی کتب در حوزه دین (قرآن، سیره‌ی معصومین(ع)، حدیث) تولید و عرضه‌ی نرم‌افزارهای حوزه‌ی دین (قرآن کریم، حدیث، سیره، احکام، صحیفه‌ی سجادیه، نهج‌البلاغه) تولید و انتشار نشریات (روزنامه، مجلات) وبلاگ‌نویسی در حوزه‌ی دین، ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه‌ی دین.

حوزه‌های فعالیت مؤسسات و مراکز قرآنی قابل درج در اساس‌نامه

۱. حوزه‌ی آموزش

• آموزش عمومی

روخوانی و روان‌خوانی- قرائت (تحقیق و ترتیل) ترجمه، مفاهیم، حفظ، سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام، احکام، ادعیه، زیارات، مدیحه‌سرایی، مرثیه‌سرایی، اذان، ابتهال، هم‌خوانی و تواشیح.

• آموزش تخصصی

تفسیر، علوم قرآنی، تدبر، حدیث، متون دینی (نهج‌البلاغه، صحیفه‌ی سجادیه)، تربیت‌معلم، مربی و مدرس قرآنی.

۲. حوزه‌ی پژوهش

برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی، تحقیق پیرامون موضوعات دینی اعم از قرآنی، سیره‌ی معصومین(ع)، حدیث و... و انتشار نتایج آن‌ها.

۳. حوزه‌ی تبلیغ و ترویج

برگزاری مسابقات، جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها، محافل و مجامع قرآنی، اعزام مبلغ، اجرای تواشیح، هم‌خوانی، ابتهال، اذان، مدیحه‌سرایی، مرثیه‌سرایی و سخنرانی تبلیغی.

۴. حوزه‌ی هنر

فیلم‌نامه، تولید فیلم، انیمیشن، نمایش‌نامه‌نویسی، اجرای نمایش، هنرهای تجسمی، (خط، تذهیب، طراحی، سفالگری، منبت‌کاری، مشبک، تجلید، میناکاری).

۶. حوزه‌ی مشاوره‌ی قرآنی

استعدادیابی، تعیین سطوح قرآن‌آموز، رفع موانع پیشرفت قرآن‌آموز، مشاوره با قرآن‌آموز، رفع موانع پیشرفت کار مؤسسات و مراکز قرآنی، ارائه‌ی راهکارهای مناسب به خانواده‌ها.



دبیرخانه‌ی حمایت‌های عمرانی

هدف

کمک به تکمیل ساختمان‌های نیمه‌تمام مؤسسات قرآنی مردمی



شرایط استفاده از اعتبارات عمرانی

• داشتن مجوز رسمی فعالیت قرآنی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

• دارا بودن حداقل سه سال سابقه‌ی کار مفید قرآنی.

• غیرانتفاعی بودن مؤسسه

• به نام مؤسسه بودن ملک

• تعلق داشتن ساختمان به مؤسسه

• انجام گرفتن ۵۰ درصد عملیات ساختمانی

• اتمام ساختمان با کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



مراحل اجرای کار

• ارائه‌ی مدارک و اطلاعات زیر به اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان:

- ثبت مشخصات پروژه در فرم مربوط

- تصویر اساس‌نامه و برگ ثبت مؤسسه (مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

- نقشه‌ی ساختمان

- مدارک مربوط به پیشرفت کار

- تصویر پروانه‌ی ساختمان

- تصویر سند مالکیت زمین

• ارسال مدارک از طرف اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

استان، همراه نمونه برگ مخصوص به مرکز

• تنظیم قرارداد کمک برای تکمیل ساختمان

• پرداخت ۵۰ درصد مبلغ توافق شده پس از امضای

قرارداد

• پرداخت ۵۰ درصد باقی‌مانده‌ی مبلغ پس از گزارش ناظر

درخصوص پیشرفت پروژه و تأیید نهایی مرکز

واحد تجهیز مؤسسات قرآنی

اهداف و مأموریت‌ها

• حمایت از مؤسسات قرآنی غیردولتی با اعطای تجهیزات

• تجهیز کتابخانه‌های مؤسسات قرآنی مردمی

• تجهیز بانک نرم‌افزاری مؤسسات قرآنی مردمی

مراحل اجرای کار

• دریافت شناسه‌ی هر مؤسسه (طبق نمونه‌ی برگ ارسال

شده از ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها به انضمام

تصویر مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

• بررسی وضعیت فعالیت مؤسسه طبق شناسه

• تعیین میزان مبلغ حمایتی برای هر مؤسسه

• اعلام مبلغ حمایتی و ارسال مشخصات کتب، نرم‌افزارها و

سایر تجهیزات به مؤسسه، برای انتخاب عناوین

• ارسال محصولات حمایتی انتخاب‌شده به مؤسسه و ارسال

تصویر برای اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

• نظارت بر نحوه‌ی استفاده از محصولات حمایتی مؤسسات

توسط مرکز و اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

دبیرخانه‌ی نظارت بر نشر ترجمه‌ی

قرآن کریم و متون دینی

اهداف و مأموریت‌ها

• بررسی ترجمه‌های قرآنی و متون دینی به‌منظور نشر و

جلوگیری از ترویج ترجمه‌های مغلوط و غیرمنطبق با آیات

قرآن کریم و اصل متون دینی.

• صدور مجوز انتشار و پخش معنای ظاهری آیات قرآن

به‌صورت مکتوب یا ارائه‌ی آن در رسانه‌های دیداری و

شنیداری

• کمک به نشر ترجمه‌های برتر و تهیه‌ی الگوهای مناسب‌تر

ترجمه

مراحل اجرای کار

• اثر ارائه شده برای اخذ مجوز نشر، پس از تحویل به

دبیرخانه‌ی نظارت، به کارشناسان مرتبط با موضوع ارجاع

می‌شود و مراحل بازخوانی و بازبینی اثر براساس ضوابط

انجام می‌پذیرد. موارد خاص در جلسات کار گروه‌ها یا شورای

نظارت مطرح و تصمیم لازم درباره‌ی آن‌ها اتخاذ می‌شود.

ساختار نظارتی

الف) کار گروه‌های تخصصی:

• کار گروه تفسیر

• کار گروه حدیث

• کار گروه زبان و ادبیات عرب

• کار گروه زبان و ادبیات فارسی

• کار گروه تصحیح و بازبینی

• کار گروه نشر

• کار گروه علوم قرآنی

ب) شورای نظارت

ج) دبیرخانه

ستاد تفسیر قرآن کریم

اهداف و مأموریت‌ها

• رفع مهجوریت از قرآن کریم

• گسترش و ترویج تفسیر قرآن کریم در جامعه

• وارد کردن قرآن کریم در زندگی مردم

• ارتقای سطح دانش و بینش طلاب و روحانیون در حوزه‌ی

تفسیر قرآن کریم و آشنایی با اصول اولیه‌ی تفسیر

• برگزاری دوره‌های آموزش مهارت بیان تفسیر (کوتاه‌مدت-

میان‌مدت)

• دوره‌ی آموزش مهارت‌های بیان تفسیر قرآن کریم



شرح برنامه و مراحل اجرای کار

- درخواست از سوی اداره کل و حوزه‌های علمیه محل، برای برگزاری دوره
- تعیین مجری طرح و ابلاغ شرح وظایف و انعقاد قرارداد
- ثبت‌نام از طلاب و گزینش افراد واجد شرایط
- اعزام کادر آموزشی، برگزاری دوره، اعطای گواهی‌نامه
- ارتباط مستمر با فراگیران به منظور ارتقای سطح علمی و برگزاری دوره‌های تکمیلی در مدت پنج سال
- حمایت از پایگاه‌های بیان تفسیر شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی



مشارکت‌کنندگان

- ستاد تفسیر قرآن کریم؛ مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج
- فعالیت‌های قرآنی کشور؛ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان؛ مدیریت حوزه‌های علمیه استان یا حوزه‌های علمیه منتخب.



دبیرخانه‌ی خادمان قرآن کریم

اهداف و مأموریت‌ها

- شناسایی فعالان حوزه قرآن کریم و تهیه بانک اطلاعاتی آنان
- معرفی خادمان و فعالان قرآن کریم در سطح استان و کشور براساس آیین‌نامه‌ی ابلاغی به استان‌ها
- حمایت از فعالان حوزه قرآن کریم (بیمه، اعطای تسهیلات و...)
- براساس آیین‌نامه‌ی ابلاغی به استان‌ها
- حمایت‌های معنوی از خادمان و فعالان قرآنی کشور

مراحل اجرای کار

- جمع‌آوری اطلاعات و تشکیل پرونده‌ی نخبگان قرآنی استانی از طریق شوراهای استانی
- تشکیل کارگروه‌های تخصصی و بررسی پرونده‌ها



کارگروه‌های تخصصی

- آموزش قرآن
- پژوهش‌های قرآنی
- تبلیغ و ترویج قرآنی

مدیریت امور قرآنی

- فعالیت‌های هنری قرآنی
- خدمات نرم‌افزاری و اطلاع‌رسانی قرآنی
- خدمات چاپ و نشر قرآنی



دبیرخانه‌ی حمایت از پژوهش‌های قرآنی

اهداف و مأموریت‌ها

- حمایت از پژوهش‌های کاربردی قرآنی
- نیازشناسی، نیازسنجی و تعیین اولویت‌های پژوهش در حوزه‌ی فعالیت‌های قرآنی
- کارشناسی و معرفی آثار شایسته‌ی حمایت در زمینه‌های: هنرها و فنون قرآنی، علوم قرآنی و تفسیر و ترجمه، چاپ کتب، مقالات، نشریات تخصصی و سایر آثار مکتوب
- تولید و نشر آثار صوتی و تصویری و الکترونیکی
- برگزاری کنفرانس‌های علمی و تحقیقی



مراحل اجرای کار

- دریافت طرح یا اثر پژوهشی به همراه سابقه‌ی علمی پژوهشگر
- بررسی طرح در شورای پژوهش و تعیین نوع حمایت
- انعقاد قرارداد و اجرای طرح



اولویت‌های پژوهشی مورد حمایت مرکز

۱. بررسی الگوهای توسعه‌ی فعالیت‌های قرآنی در کشور؛
۲. مفاهیم راهبردی توسعه‌ی فعالیت‌های قرآنی در کتاب و سنت؛
۳. شناسایی، کشف و احصای ظرفیت‌های دستگاه‌های اصلی فرهنگی کشور؛
۴. شناسایی، کشف و احصای نهادهای مردمی تأثیرگذار و درجه‌بندی آن‌ها؛
۵. شناسایی ظرفیت‌های توسعه‌ی فعالیت‌های قرآنی در بخش مردمی؛
۶. مطالعه و تدوین شاخص‌های توسعه‌ی مراکز و مؤسسات قرآنی؛
۷. بررسی موانع ایجاد و رشد خلاقیت در حوزه‌ی قرآنی؛

۸. امکان‌سنجی راه‌اندازی شبکه‌ی شناسایی و ثبت خلاقیت‌های قرآنی در کشور؛
۹. شناخت و بررسی شیوه‌های اجرایی کردن خلاقیت‌های قرآنی در کشور؛
۱۰. شناخت راهکارهای شناسایی و حمایت از نیروهای مستعد و خلاق قرآنی داخل و خارج از کشور؛
۱۱. آسیب‌شناسی روند تأسیس، صدور مجوز و نظارت بر فعالیت مراکز، مؤسسات و انجمن‌های قرآنی و ارائه راهکارهای اصلاحی لازم؛
۱۲. تدوین آیین‌نامه‌ی نظارت بر فرایند، محصولات و بروندهای مراکز، مؤسسات و انجمن‌های قرآنی کشور؛
۱۳. مطالعه و طراحی نظام صدور مجوز نظارت بر برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات قرآنی؛
۱۴. شناسایی و طبقه‌بندی مراکز قرآنی خارج از کشور؛
۱۵. شناسایی ظرفیت‌های مراکز دولتی و غیردولتی داخلی برای فعالیت در خارج از کشور و راهکارهای استفاده از آن؛
۱۶. تعیین و طبقه‌بندی اهداف آموزش عمومی قرآن برای طبقات متفاوت سنی؛
۱۷. شناسایی و نیازسنجی نیروی انسانی آموزش عمومی قرآن؛
۱۸. شناسایی و طبقه‌بندی رسانه‌ها و متون آموزش عمومی قرآن؛
۱۹. مطالعه و تعیین شاخص‌های ارزیابی آموزش عمومی قرآن؛
۲۰. بررسی جایگاه و سهم مجامع و مؤسسات مردمی در آموزش عمومی قرآن؛
۲۱. بررسی روند اجرای نهضت قرآن‌آموزی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه و راهکارهای تقویت و توسعه‌ی آن؛
۲۲. مطالعه و طراحی بانک جامع اطلاعات قرآنی کشور؛
۲۳. ارزیابی میزان استفاده از معارف قرآنی در بروندهای علمی کشور؛
۲۴. ارزیابی میزان استفاده از معارف قرآنی در بروندهای فرهنگی کشور؛
۲۵. ارزیابی میزان استفاده از معارف قرآنی در بروندهای هنری کشور؛
۲۶. تعیین اولویت‌های حمایت از طرح‌های مطالعاتی؛
۲۷. تدوین آیین‌نامه‌ی حمایت از طرح‌های مطالعاتی؛
۲۸. تعیین اولویت‌های حمایت از فضاها، ابزار و تجهیزات اطلاع‌رسانی علوم قرآنی؛
۲۹. تدوین آیین‌نامه‌ی حمایت از فضاها، ابزار و تجهیزات اطلاع‌رسانی علوم قرآنی؛
۳۰. تعیین اولویت‌های حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی در تولید، نشر و عرضه‌ی آثار و محصولات قرآنی؛
۳۱. تدوین آیین‌نامه‌ی حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی در تولید، نشر و عرضه‌ی آثار و محصولات قرآنی؛
۳۲. تدوین آیین‌نامه‌ی حمایت از اساتید، نخبگان، قهرمانان، خادمان و دست‌اندرکاران قرآنی داخل و خارج از کشور؛
۳۳. تعیین اولویت‌های مشارکت و تدوین آیین‌نامه‌ی مشارکت با بخش‌های دولتی و غیردولتی در زمینه‌ی برگزاری نمایشگاه‌ها، همایش‌ها، مسابقات و جشنواره‌های قرآنی؛
۳۴. راهکارهای نظارت و ارزیابی فعالیت‌های قرآنی کشور؛
۳۵. تدوین آیین‌نامه‌ی نظارت و ارزیابی فعالیت‌های قرآنی کشور؛
۳۶. راهکارهای نظارت مؤثر بر انتشار مکتوب و غیرمکتوب آثار قرآنی؛
۳۷. تدوین آیین‌نامه‌ی نظارت بر انتشار مکتوب و غیرمکتوب آثار قرآنی؛
۳۸. برآورد منابع متخصص مورد نیاز در حوزه‌ی فعالیت‌های قرآنی کشور (نیازسنجی)؛
۳۹. راهکارهای بسترسازی و ایجاد زمینه‌های مناسب به‌منظور تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور؛
۴۰. آسیب‌شناسی تخصیص منابع مالی قرآنی؛
۴۱. آسیب‌شناسی بودجه‌ریزی قرآنی.



جایگاه آموزش قرآن کریم در قرآن و سنت

رضانباتی

مقدمه

درباره‌ی موضوع آموزش قرآن هم‌چنان ناشناخته مانده‌اند. در حالی که توجه به این اصل مهم که آموزش و ترویج قرآن در سیره و سنت نبوی همواره مطرح بوده است، می‌تواند گره‌های کوری را که از دیرباز در ارتباط با قرائت و کتابت قرآن مطرح بوده‌اند، بگشاید. روایات متعدد «قراء سبعة» نیز نشان می‌دهند، پیامبر اکرم (ص) پیوسته در صدد تبیین ماهیت قرآن و آسان‌گیری آموزش آن بوده‌اند [رجبی، سال ۱۳۸۱].

با توجه به مطلب فوق، می‌توان پاسخ این دو سؤال مهم و مبنایی زیر و بحث خط سیر تحولات و تطورات آموزش قرآن کریم را در مسیر درست‌تری هدایت کرد.

سؤال اول: در قرآن کریم، جایگاه آموزش قرآن چیست؟
این‌که قرآن کریم درباره‌ی خودش چه انتظاراتی از مسلمانان

موضوع بررسی آموزش قرآن کریم توسط پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، یکی از موضوعات مهم در عرصه‌ی آموزش قرآن، علوم قرآنی و معارف اسلامی به شمار می‌رود. اما از آن‌جا که:

اولاً) برخی روایات اسلامی، دارای از اسرائیلیات و برخوردهای قوم‌گرایانه است؛

ثانیاً) آموزه‌های سیره و سنت نبوی (ص) و ائمه‌ی طاهریں (علیهم‌السلام) در این‌باره، به صورت دقیق و اصولی تدوین نشده است،

ثالثاً) نظام روش‌شناختی دقیقی در تحلیل و بررسی سنت و سیره‌ی نبی‌اکرم (ص) وجود ندارد،

در مطالعه‌ی تطبیقی قرآن و سیره - به رغم وفور کتاب‌ها و رساله‌ها - در زمینه‌ی سیره‌ی نبوی، مرزهای دانش و تحقیق

خطبه‌ی ۲۳۵۱]. هم‌چنین می‌فرماید: «خیرکم من قرأ القرآن و أقرأه»: بهترین شما کسی است که قرآن را بخواند و آن را به دیگران اقراد کند.» [همان، خطبه‌ی ۷۲۳۵۴].

با توجه به شرایط خاص آن زمان، شیوه‌ی آموزش قرآن در مکتب پیامبر اکرم(ص)، خواندن قرآن بر متعلم بوده است تا وی تکرار کند و در نهایت آیات مورد نظر را بیاموزد [غفاری، ۶۴:۴۴].

بررسی سیر تطور آموزش قرآن از صدر اسلام تا دوره‌ی معاصر در ایران
۱. مراحل هفت‌گانه‌ی آموزش قرآن پس از بعثت پیامبر اکرم(ص)

رسول خدا(ص) در مقابل مؤمنان، سیاست «اقرأ القرآن» را پیش گرفت که به معنای تعلیم همه‌جانبه‌ی قرآن است. ضرورت این کار از آنجا بود که مؤمنان پس از وارد شدن به‌دایره‌ی مسلمانی، نیازمند آموزش احکام دینی بودند.

پیدایش آموزش قرآن و تطور آن را در دوران مبعث و حیات پیامبر(ص) می‌توان در هفت مرحله به صورت خلاصه چنین بیان کرد:

مرحله‌ی اول: نقطه‌ی آغازین آموزش قرآن کریم را می‌توان تعلیم آیات قرآن کریم به نبی مکرم اسلام(ص) از سوی جبرئیل امین (علیه‌السلام) دانست. طلیعه‌ی این مرحله در آغاز نزول آیات شریف اول تا پنجم سوره‌ی علق است که می‌فرمایند: «اقرأ باسم ربك الذي خلق...»

خداوند در آیات اول تا چهارم سوره‌ی الرحمن نیز به این موضوع اشاره و خود را اول معلم قرآن معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید: «الرحمن، علم القرآن» خدای رحمن کسی است که قرآن را آموخت.

طبق اقوال و آرای مفسرین قرآن، پیامبر اکرم(ص) پس از

دارد و مسلمانان چه وظایفی نسبت به آن دارند، از پرسش‌های اساسی است که برنامه‌ی درسی قرآن باید پاسخ‌گوی آن باشد [فصل‌نامه‌ی رشد قرآن، ش ۲۳]. قرآن کریم در این زمینه انتظارات متفاوتی را مطرح می‌کند که در این‌جا به صورت اجمال به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. **قرائت:** قرائت قرآن مفهومی عام و کلی است و در عین حال اولین و مهم‌ترین مرتبه و حداقل انس با قرآن کریم است [موسوی بلده، سیدمحسن، ۱۳۷۸:۱۷].

۲. **تلاوت:** به معنی رعایت آداب ظاهری و باطنی تلاوت قرآن است. این اصطلاح بیشتر برای خواندن متون مقدس و مذهبی به کار می‌رود [دانش‌نامه‌ی قرآن، ج ۱:۲۶۱].

۳. **تدبر:** به معنی تفکر روی آیات و فهم نسبی کلمات و عبارات قرآن کریم است.

۴. **خشوع:** که به دنبال هدایت باطنی و تأثیرپذیری از آیات شریفه‌ی قرآن حاصل می‌شود.

۵. **تأثیرپذیری:** به معنی متجلی شدن آیات قرآن در رفتار، گفتار و افکار انسان است.

۶. **عمل به آیات قرآن:** به معنی عمل به دستورات قرآن کریم در کلیه‌ی شئون زندگی است.

۷. **آموزش قرآن به دیگران:** که یکی از وظایف پیامبر اکرم(ص) است.

سؤال دوم: تعریف آموزش قرآن در مکتب پیامبر

اکرم(ص) چیست؟ آموزش قرآن در مکتب پیامبر اکرم(ص) عبارت است از: خواندن آیات توسط معلم و شنیدن و تکرار آن‌ها توسط قرآن‌آموز، تا جایی که این امر به انتقال آیات قرآن از قلب معلم به قلب متعلم منجر شود و متعلم قرآن نیز چونان معلم خود، حامل آیات الهی شود [گزارش نهایی طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن، بخش دوم، فصل سوم].

پیامبر اکرم(ص) در تعریف «قرآن‌آموز» می‌فرماید: «من جمع القرآن فکانما ادرجت النبوة بین جنبیه الا انه لا یوحی الیه»: کسی که قرآن را در قلب خود جمع کند، گویی نبوت درون سینه‌ی او جای گرفته است؛ با این تفاوت که به او وحی نمی‌شود [اصول کافی، ج ۲]. و نیز می‌فرمایند: «خیرکم من تعلم القرآن و علمه»: بهترین شما کسانی هستند که به دنبال این باشند تا قرآن را بیاموزند و به دیگران آموزش دهند.» [همان،

شنیدن آیات شریف از زبان جبرئیل (علیه السلام)، آن‌ها را به خاطر می‌سپردند و در حافظه نگه‌داری می‌کردند.

مرحله دوم: پیامبر اکرم (ص) پس از دریافت آیات قرآن از جبرئیل و حفظ آن، موظف شدند تا آن آیات را به مسلمانان بیاموزند. آیه‌ی ۱۰۶ سوره‌ی اسراء به موضوع تعلیم قرآن به مسلمانان توسط پیامبر (ص) اشاره دارد: «و قرآننا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً». و قرآنی که در یک جا قرار داشت، قسمت قسمت کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی [و لذا] آن را به تدریج بر تو نازل کردیم.

از قرائن تاریخی به دست می‌آید، پیامبر اسلام (ص) در اجرای این وظیفه، به تناسب مخاطبان قرآن، از دو شیوه‌ی «اسماع» و «قرا» استفاده کرده‌اند:

الف) اسماع قرآن: «اسماع» در لغت به معنای شنواندن است و این کار به همین معنا در قرآن به کار رفته است.^۸ مراد از اسماع قرآن، شنواندن آن به گوش مردم است که معمولاً در مکه و نسبت به مشرکان قریش، حاجیان و رهگذران صورت می‌پذیرفت.

طبق شواهد تاریخی، در سال‌های ابتدای رسالت، رسول خدا (ص) در مسجد الحرام می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت و یا به نماز می‌ایستاد و سوره‌هایی را قرائت می‌کرد. به این ترتیب آیات قرآن را به گوش رهگذران می‌رساند. به عبارت دیگر، رسول خدا (ص) در قالب عبادات روزانه‌ی خود، رسالت تبلیغی خویش را نیز دنبال می‌کرد.

از آن‌جا که استماع قرآن به تدریج موجب جذب مردم به قرآن می‌شد، مشرکان تصمیم گرفتند، علاوه بر خودداری از استماع قرآن، مانع نماز خوانی یا تلاوت قرآن رسول خدا (ص) شوند.

ب) اقراء قرآن: طبق آن چه مشهور است، اساس و اسلوب آموزش قرآن توسط پیامبر (ص) «اقراء» بوده است. در تبیین معنای اقراء و بیان کیفیت و شیوه‌ی آن گفته‌اند: «قراآت بر کسی» یا «تلاوت بر کسی» به معنای اقراء است. یعنی اگر آیات الهی بر کسی خوانده شود، به قصد این که او نیز آن‌ها را بشنود و تکرار کند، این عمل «اقراء» نامیده می‌شود.

رسول خدا (ص) در مقابل مؤمنان، سیاست «اقراء قرآن» را پیش گرفت که به معنای تعلیم همه‌جانبه‌ی قرآن است. ضرورت این کار از آن‌جا بود که مؤمنان پس از وارد شدن به دایره‌ی مسلمانی، نیازمند آموزش احکام دینی بودند. اما آیات قرآن غالباً فاقد جزئیات احکام و مقررات دینی بود. لذا رسول خدا (ص) در کنار تعلیم قرآن، گاه با توضیحات شفاهی و گاه به شکل عملی، مؤمنان را در جریان جزئیات احکام و شرایط قرار می‌داد و به تدریج با تفسیر بسیاری از آیات قرآن آشنا می‌کرد.

در سال‌های ابتدای بعثت، رسول خدا (ص) در خانه‌ی **ارقمین ابی ارقم** - واقع در کوه صفا - سکنا گزید. حضرت در همین مکان، نومسلمانان را به حضور می‌طلبید و به آنان قرآن و مسائل دینی را آموزش می‌داد [عسکری، بی‌تا، ج ۱: ۱۳۳]. علاوه بر این، مراکز دیگری نیز وجود داشتند که در آن مؤمنان دور از چشم مشرکان به تعلیم و تعلم قرآن می‌پرداختند و در واقع

• راهکارهای نظارت مؤثر بر انتشار مکتوب و غیرمکتوب آثار قرآنی؛
تدوین آیین‌نامه‌ی نظارت بر انتشار مکتوب و غیرمکتوب آثار قرآنی؛
برآورد منابع متخصص مورد نیاز در حوزه‌ی فعالیت‌های قرآنی کشور (نیازسنجی)؛
راهکارهای بسترسازی و ایجاد زمینه‌های مناسب



مطالبی را که از رسول خدا(ص) فرامی گرفتند، به یکدیگر آموزش می دادند [ابن هشام، ج ۱: ۳۶۶]. آموزش قرآن نه تنها در مسجد پیامبر، بلکه در فرصت‌های گوناگون از میدان جنگ گرفته تا درون خانه‌ها، مورد توجه قرار می گرفت.

در این باره، احادیث فراوانی وجود دارد که پیامبر گرامی اسلام(ص) معمولاً آیات قرآن را به این گونه به مسلمانان می آموختند:

۱. از **عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب** و برخی دیگر افراد روایت شده است: «رسول اکرم(ص) آیات قرآن را ده آیه، ده آیه به آنان می آموختند و سپس راه و رسم عمل به مضامین آیات شریفه را بیان می فرمودند» [خویی، بی تا: ۳۸، به نقل از: حجتی کرمانی، ص ۲۴].

۲. **ابی عبدالرحمن سلمی** روایت می کند: «کسی که قرآن به ما می آموخت، گفت از صحابه‌ی پیامبر(ص) شنیدم که می گفت، رسول خدا ده آیه از قرآن را به ما می آموختند و ده آیه‌ی بعدی را به ما نمی آموختند تا آن گاه که درباره‌ی ده آیه‌ی نخست از لحاظ علم و عمل، آگاهی کسب می کردند» [پیشین].

۳. در تفسیر نورالثقلین آمده است، حضرت علی(علیه السلام) درباره‌ی روش قرآن آموختن خود نزد پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «هیچ آیه‌ای نازل نمی شد مگر آن که حضرت رسول(ص) آن را بر من اقراء می فرمود و می خواند و من می شنیدم و تکرار می کردم و پس از آن، همان آیه یا آیات را بر من املا می فرمودند و من می نوشتم...» [پیشین].

مرحله‌ی سوم: در این مرحله، عده‌ای از مسلمین آیات و سُور قرآن را به عده‌ی دیگر تعلیم می دادند و به اقراء یکدیگر می پرداختند. در کتاب **مَآهِلُ الْعِرْفَانِ** آمده است: «پیامبر اکرم(ص) برای آموزش قرآن به کسانی که از جامعه‌ی مسلمین دور بوده‌اند، کسانی را می فرستاد تا قرآن را به ایشان آموزش دهند. چنان که **مُصْعَبُ بْنُ عُمَيْرٍ** و **ابن أم مکتوم** راه قبل از هجرت به مدینه و **معاذ بن جبل** رانیز پس از هجرت برای آموزش قرآن به مکه فرستادند [غفاری، ۱۳۸۵]. از **عباده بن صامت** نقل شده است: «هنگامی که فردی به مدینه مهاجرت می نمود و به جمع مسلمانان وارد می شد، پیامبر اکرم(ص) او را به یکی از ما می سپرد تا به وی قرآن را آموزش دهیم» [خویی، بی تا: ۳۸، به نقل از حجتی کرمانی، ص ۲۶].

پیامبر اکرم(ص) پس از نزول آیه‌ی «قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» [زمر/ ۱۸-۱۷]، برای ترغیب به یادگیری خواندن و نوشتن فرمودند: «طلب العلم فریضة علی

کل مسلم و مسلمه» [حجتی کرمانی، بی تا: ۲۵]. براساس اهمیت و ارزش دانش بود که پیامبر بعد از پیروزی در جنگ دستور دادند اسیران باسواد، پس از آموزش خواندن و نوشتن به ده نفر از کودکان مسلمان، آزاد شوند [خویی، بی تا: ۳۸، به نقل از: حجتی کرمانی، ۲۶].

مرحله‌ی چهارم: این مرحله با پدید آمدن گروهی به ثمر رسید که تلاوت قرآن کریم و تدریس آیات و سُور آن به صورت اشتغالات عمده‌ی زندگی آنان درآمد. اینان به «قُرّاء» مرسوم بودند [حجتی کرمانی، بی تا: ۲۷]. این مرحله را باید مرحله‌ی آغاز آموزش رسمی آموزش قرآن در جامعه‌ی اسلامی دانست؛ مرحله‌ای که دورنمایی از گستره‌ی انتشار آموزش تعلیم قرآنی و اسلامی را در اقصا نقاط عالم در پی داشت.

در کتاب «المغازی واقدی» چنین آمده است: «در میان انصار، ۷۰ مرد جوان دیده می شدند که موسوم به قُرّاء بودند و به هنگام درآمدن شب، به ناحیه‌ی مدینه می آمدند و به تعلیم قرائت قرآن می پرداختند و اقامه‌ی نماز می کردند» [همان، ص ۲۸].

مرحله‌ی پنجم: عده‌ای از صحابه که حافظ قرآن کریم بودند، آموزش حفظ قرآن را بر عهده گرفتند و به این کار قیام کردند. اینان عبارت بودند از: **علی بن ابی طالب (علیه السلام)**، **ابی بن کعب**، **عبد ابن مسعود**، **زید بن ثابت**، **عویمر بن زید**، **ابوموسی اشعری** و **عثمان ابن عفان**.

مرحله‌ی ششم: اعزام قاریان و حافظان قرآن کریم به بلاد اسلامی، دوره‌ی جدیدی از آموزش قرآن به مسلمانان تلقی می شود. از آن جمله می توان به رفتن **عبدالله بن مسعود** (صحابی پیامبر) به شهر کوفه یاد کرد. او باعث شد که مردم کوفه بعد از مدینه، در زمینه‌ی قرائت قرآن کریم شهره شوند [همان، ص ۳۱].

مرحله‌ی هفتم: از این زمان، یعنی نیمه‌ی دوم قرن اول هجری قمری، آموزش قرآن به عنوان یک ماده‌ی درسی، در مساجد شهرهای گوناگون کشورهای اسلامی استقرار یافت [همان، ص ۳۲].

برای تکمیل این بحث شایسته است به جایگاه آموزش قرآن به کودکان در مکتب پیامبر اکرم(ص) و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) نیز اشاره کنیم.

ایشیخ طبرسی در کتاب «مجمع البیان» از معاذ نقل می کند که گفت: «شنیدم از رسول خدا(ص) که می فرمود: هیچ مردی نیست که به فرزندش قرآن آموخته شود، مگر آن که خداوند، روز قیامت پدر و مادر آن فرزند را به تاج فرشتگان مفتخر گرداند و

همچنین از امیرمؤمنان علی(ع) نقل شده است که فرمود:
«حق الولد علی الوالد ان یحسن ادبه و یعلمه القرآن» حق
 فرزند بر پدر آن است که فرزند را نیکو ادب کند و به او
 قرآن بیاموزد [نهج البلاغه، حکم ۳۹۹؛ میزان الحکمه، ج ۸].

[علامه مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۴۴: ۱۹۱]. وقتی خواستند در این باره با آن حضرت بحث و گفت‌وگو کنند، فرمود: «بخشش من کجا می‌تواند با عطا یا یعنی آموزش قرآن برابری کند» [ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۶].
 یک سال پس از استقرار علی(ع) در شهر کوفه، زنان و دختران، به آن حضرت پیام فرستادند و گفتند: ما شنیده‌ایم دختر شما زینب، همانند مادرش فاطمه(س)، منبع سرشار دانش و دارای علوم و کمالات است. اگر اجازه دهید، از آن سرچشمه‌ی دانش بهره‌مند شویم. امام اجازه داد تا زینب کبری(س)، بانوان مسلمان کوفه را آموزش دهد [ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۵۷].
 روزی در یکی از جلساتی که حضرت زینب(س) برای زنان کوفی قرآن می‌گفت، امیرمؤمنان(ع) وارد جلسه شد تا کلاس درس دخترش را از نزدیک ببیند. آن روز حضرت زینب(ع) در مورد آیه‌ی اول سوره‌ی مریم - «کهیعص» - سخن می‌گفت... [خصائص لزینبیه، ص ۲۷].

دو زیور از زیورهای بهشتی که مردمان هرگز مثل آن را ندیده‌اند، بر اندام آن‌ها بپوشاند» [وسایل، ج ۵، ح ۳۲۳].
 از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمود: «هنگامی که معلم به کودک خطاب کند بگو بسم‌الله الرحمن الرحیم و کودک بگوید بسم‌الله الرحمن الرحیم، خداوند تعالی برائت از آتش جهنم را برای فرزند، پدر، مادر و معلمش خواهد نوشت» [همان، ج ۳۲۸].
 امام علی علیه‌السلام نیز در نامه‌ی تربیتی خود به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) بعد از آن که بر اهمیت تربیت و تسریع در آن تأکید می‌کنند، نخستین اقدام خود را آموزش قرآن و معارف و احکام حلال و حرام آن بیان می‌کند: «... و ان ابتدئک بتعلیم کتاب‌الله و...». نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تاویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و (در آغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم [نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱].

همچنین در توصیه به فرزندش محمدبن حنیفه فرمود: «... بر تو باد به خواندن قرآن و عمل کردن به آن چه در آن است. خواندن قرآن را در شب و روز، و هنگام تهجد بر خود لازم بدان، چرا که قرآن نامه‌ای است از سوی خداوند تبارک و تعالی با خلق خود. پس واجب است بر هر مسلمانی که در هر روز به عهدنامه‌ی خود بنگرد، ولو ۵۰ آیه باشد [راجی قمی، ص ۱۶۲ و ۱۶۳].

همچنین از امیرمؤمنان علی(ع) نقل شده است که فرمود: «حق الولد علی الوالد ان یحسن ادبه و یعلمه القرآن» حق فرزند بر پدر آن است که فرزند را نیکو ادب کند و به او قرآن بیاموزد [نهج البلاغه، حکم ۳۹۹؛ میزان الحکمه، ج ۸].

مردی به نام عبدالرحمن سلمی، سوره‌ی حمد را به فرزند امام حسین(ع) آموخت. وقتی آن فرزند سوره‌ی حمد را نزد امام حسین(ع) به خوبی خواند، امام هزار دینار و هزار حله‌ی گران‌بها به آن معلم جایزه داد و دهانش را پر از جواهر ساخت

زیرنویس

۱. سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۲۰.
۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۱.
۳. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۲۴.
۴. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۲۱.
۵. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۶.
۶. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۴.
۷. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲.
۸. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۵۲.
۹. سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۷.

منبع

بخشی از فصل دوم پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «سیر آموزش قرآن در دوره ابتدایی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵».



هدف های تربیتی در آینه ی قرآن کریم

احسن تقویم

مهدی تجلیل کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

[احزاب، ۷۲] استحکام بخشد و وی را به عمل صالح که زبینه‌ی مخلوق برگزیده است، تشویق کند. در این جا ضمن ترجمه، شرح و تفسیر چهار آیه از قرآن، این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

معرفت و پرستش خدای یکتا یکی از هدف‌های مهم تربیت قرآنی محسوب می‌شود. در این نوشتار، ضمن تبیین عبودیت به عنوان هدف غایی تربیت قرآنی، موضوع از منظر چند نمونه از آیات قرآنی مورد بحث قرار گرفته است.

عبودیت، هدف غایی تربیت قرآنی

آیه اول

یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم تتقون [بقره، ۲۱]
ترجمه: ای مردم، پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید. باشد که به تقوا گرایید.

خدای مهربان در ترسیم نعمت‌های پرازشی که به انسان‌ها ارزانی داشته است، آفرینش آن‌ها و پیشینیان را یادآور می‌شود

مقدمه

تربیت اسلامی از منبع وحی سرچشمه می‌گیرد. اهداف تربیت از دریای هدف غایی آن سربرآورده و در راستای رسیدن به آن هدف، زمینه‌ساز محسوب می‌شوند. از جمله هدف‌های کلی و زمینه‌ساز می‌توان به «تربیت بر پایه‌ی معرفت و ایمان به پروردگار یکتا» اشاره کرد. تربیت توحیدی و مبتنی بر فرهنگ قرآنی، آدمی را به مرحله‌ی احسن تقویمی [تین، ۴] هدایت می‌کند. این معرفت باید ایمان انسان را به مقام خلیفه‌اللہی [بقره، ۳۰]، امانت‌داری

آیه‌ی چهارم

ألم أعهد اليكم يا بني آدم ان لا تعبدوا الشيطان انه لكم عدو
مبین و أن اعبدونى هذا صراط مستقیم [یس/ ۶۰ و ۶۱]
ترجمه: ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که
شیطان را میپرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ و این که مرا
میپرستید، این راه راست است!

در آیه‌ی اول، یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن بیان شده است.
بدین صورت که قرآن روشنگری می‌کند، آفریدگار فرزانه‌ی انسان،
بارها از خطر وسوسه‌ها و گمراه‌گری‌های شیطان و شیطان‌صفتان
به بندگان هشدار داده است: نخست در همان آغاز فرود انسان به
زمین بود که خدا به فرزندان آدم چنین پیام داد: همان ای فرزندان
آدم! مبادا که شیطان شما را بفریبد، همان‌گونه که پدر و مادر شما
را با فریبکاری از بهشت پرطراوت بیرون کرد و لباس کرامت را
از اندامشان درآورد [اعراف/ ۲۷].

در ادامه (آیه‌ی بعد) نیز خداوند انسان را از پرستش شیطان
منع می‌کند و تنها پرستش ذات پاک الهی را، راه درست و
بی‌انحراف می‌داند و همین راه انسان را به بهشت جاودان می‌رساند.
[مجمع‌البیان، ج ۲: ۷۷ تا ۳].

از طرح آن چه گذشت نتیجه می‌گیریم: هدف غایی تربیت
قرآنی آن است که مقدمات حرکت و هدایت انسان را در صراط
مستقیم، پرستش پروردگار فراهم آورد و معراج وی را به مرحله‌ی
کمال انسانی تسهیل سازد.

تا آفریدگار خویش را فراموش نسازند. به اعتقاد برخی از
مفسران، پرستش خدای یگانه در این آیه، مقدمه‌ی پرهیزکاری
و دوری از زشتی و گناه است. سیبویه دلیل آمدن واژه‌ی «لعل»
در این آیه‌ی شریفه را برانگیختن حس امید و نوید در بندگان
دانسته است. در بسیاری از آیات قرآن کریم، پس از طرح موضوع
ایمان، موضوع تقوا و پرهیزکاری نیز عنوان شده است.

آیه‌ی دوم

و لقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان اعبدوا انا و اجتنبوا الطاغوت فمنهم
من هدی الله [نحل، ۳۶]

ترجمه: و در حقیقت، میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم
(تا بگوید) «خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید». پس از ایشان
کسی است که خدا (او را) هدایت کرده است.

پس از دعوت هر پیامبری، خداوند گروهی از مردم را مورد لطف
و بخشایش خود قرار داد، چرا که می‌دانست آنان درست‌اندیش و
شایسته‌کردارند. که این موضوع را قرآن به هدایت تعبیر می‌کند.
برخی از مفسران در تفسیر آیه نقل کرده‌اند که خدا گروهی از مردم
را به خاطر ایمان و کار نیکوی آنان به بهشت هدایت می‌کند.

آیه‌ی سوم

و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون [ذاریات، ۵۶]

ترجمه: و جن و انس را نیافریدم، جز برای آن که مرا
بپرستند

مجاهد، یکی از مفسران نیز در ارتباط با آیه‌ی فوق معتقد
است، واژه‌ی «لایعبدون»، به عبارت جن و انس، همراه ارزش‌های
تربیتی و اسلامی و کارهای شایسته و دوری از گناه و ستم اشاره
می‌کند. انسان باید چنان تربیت شود که با دوری از رذایل و
آلودگی‌ها، استعدادهای برتر روحی و ملکوتی‌اش شکوفا شده و به
کمالات علوی و فضایل ملکوتی آراسته شود که کسب آن استعدادها
باعث وصول به حق و سعادت جاودانی می‌شود.

به عبارت دیگر آیه بیانگر آن است، گروه یا کسانی که از
رسیدن به اوج نیکی‌بخشی و سعادت و هدف آفرینش بازمی‌مانند و
خود را به تیرمروزی گرفتار می‌سازند، تربیت برخاسته از ارزش‌های
قرآنی ندارند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. طبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن. مجمع‌البیان فی تفسیر
القرآن. شرکة المعارف الاسلامی. تهران. ۱۳۳۹.
۳. عبدالباقی، محمد فؤاد. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم.
مطبعة دارالکتاب المصریه. قاهره. ۱۳۶۴ هـ.ق.
۴. علامه طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن.
مؤسسة الاعلمی للمطبوعات. بیروت. ۱۴۱۷ هـ.ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله. اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی. مرکز
نشر فرهنگی رجاء. تهران. ۱۳۷۲.